

کشکول

۱۳۹۰۰

اخبار الاوائل

حسینی ها

این تازه رقم که زد زمانه بر لوح بقای جاودانه

هذا
کتاب اخبار الاول
و هو لنزل ارباب الفضائل
من مؤلفات بحر الفواضل و
الفضایل زخر الاواخر و الاوائل
الجامع لشرافة السیادة و النجابة الاوحد
المؤید جمال الدین السید محمد الواعظ زید
عزه و عمره ابن قدوة العلماء العاملین و زبدة الفقهاء
الکاملین سید المحققین و المدققین
و سلطان الواعظین سمی ثانی السبطین
الحاج سید حسین الحسنی الحسینی
الطباطبائی الیزدی اعلی الله
طیب الله
رمسه

مفتاح خزائن کمال است مصباح زجاجه جمال است

DUTTPRASAD PRESS BOMBAY TANDEL STREET





بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله المتعالی عن الضد والمثال والمتجلی لعباده بالجمال و
الجلال والمتوحد فی حريم کبريائه فی کل کمال نسبح له الرمال وتسجد
له الظلال وتدکدك له الجبال وخلق الانسان فی احسن تقويم واتم
اعتدال والصلوة والسلام علی اول المخلوقات الذی هو مکمل
الکمال ومعدن المکارم والخصال وصاحب الانعام والافضال
وکريم الاعمال والاحوال سيد الانبياء وسند الاصفياء وخاتمهم
واوسطهم واخرهم محمد المختار المبعوث علی البرية لازالة الجهل
وتربية الجهال ونسئله القربی والرضاء فی جميع الافعال
والاقوال وعلی اهل بيته الاطهار من الاولاد والال الذين هم
اقطاب افلاك الجود والنوال سيما علی عليه السلام امير المؤمنين
واول المسلمين وخير امام ووال واللعنة الدائمة علی اعدائهم

واول ظالميهم المستوجبين للسخط والنکال وبعد چنين گويد
اين بندهٔ ضعيف ذليل وملتجی بعفو وکرم خداوند جليل جمال
الدين محمد بن العلامة حسين بن مرتضی الحسنی الحسينی الطباطبائی
الواعظ اليزدی الحائری بلغه الله الی ما يتمناه وجعل عقباه
خيرا من دنياه که بر ضمائر هوشمندان اسرار وخردمندان عالی
مقدار وصيرفيان عيون جواهر اخبار پوشيده نماناد که اين جزوه ايست
در بيان اوائل اخبار واثار ذکر می شود مطالب غريبه وسوانح
عجيبه فريده که کمتر بسمع دانشمندان عالم رسيده بخواهش بعضی
از فضلاء ابرار وادباء اخيار بمقتضای الميسور لا يسقط بالمعسور
بقلم تاليف وخامه تحرير در آورده وحصول اين نامه از اثر
عصر همايون ودولت روزافزون اعليحضرت ناهيد عشرت
کيوان رفعت خورشيد رايت بهرام صولت مشتری سعادت
جمشيد حشمت فريدون حکمت سکندر همت فيروز بخت
سلطان سلاطين زمان دارا دربان کسری نشان کيقی ستان
قوام ملك وملت دوام دين ودولت السلطان بن السلطان
والخاقان بن الخاقان السلطان ناصر الدين شاه قاجار لا زالت
اعمدة فساطيط جلاله مرفوعة واطناب خيم سلطانه مشدودة
اللهم متع المسلمين بخلود ملکه وابود دولته ونصرة عساکره
ما بقی الليل والنهار وتلاطم البحار وتجری الانهار ونامیده
اين اثر جميل وفهرس شريف را به **اخبار الاوائل** ومونس

ارباب الفضائل و تاریخ شروع در این رساله از مصرع اخیر ظاهر است
؛ بین نغز کتابی که بتاریخ   اخبار اوائل شده موسوم ؛
امید چنانست که در نظر دانشوران موقعی عظیم و مقامی کریم
بهم رساند در نظر ارباب غرض الَّذِیْنَ فِیْ قُلُوْبِهِمْ مَرَضٌ سعدی گوید
منه گوش در قول صاحب غرض   که از کینه در سینه دارد مرض
رجاء واثق انستکه طالبان حدیث و خبر و صاحبان علم اثر و سیر
بنظر حقارت براین نامه خورد ننگرند و خورده نگیرند و اگر
سهو و غلطی بیابند شان اکابر انستکه بجامه عفو از در اصلاح
درایند والعذر عند کرام النّاس مقبول ولعلّ النّاظر فی هذا
الکتاب المنسوج علی ذالك المنوال بعد الملاحظة علی الانصاف
والتّامل الصّادق بلا اعتساف یصدق بما ذکرناه و من الله
المتعال الاعانة فی کلّ احوال والتّوکل الیه والتّوسل الی اولیائه
فی المبدء والمال وها انا اشرع فی المطلوب بتوفیق العالم بما
فی القلوب والغیوب وهو اصل المطلوب فی جمیع الاعمال اول
چیزیکه خدای تعالی خلعت خلقت بروی پوشانید نور مقدس
سیّد انبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه و اله بود چنانچه در روضة
الصّفا و مناهج الطّالبین و حبیب السّیر و تاریخ و دیگر کتب احادیث
مسطور است که روزی جابر بن عبد الله انصاری عرض کرد
یا رسول الله اول چیزیکه خدای تعالی خلق کرد چه بود انحضرت
فرمود نور نبیّك اخبار و احادیث مختلفه در این باب وارد

شده کما قال اوّل ما خلق الله القلم اوّل ما خلق الله العقل فقال
له اقبل فاقبل ثمّ قال له ادبر فادبر فقال وعزّتی وجلالی ما
خلقت خلقا اکرم علیّ منك بك اعطی وبك امنع وبك اثیب
وبك اعاقب وقال اوّل ما خلق الله اللّوح وقال ایضا اوّل ما خلق الله
الرّوح وفی الخبر فلمّا خلق العقل وهو اوّل الرّوحانیین در جواهر
الاسرار تصنیف شیخ نور الدین حمزة بن علی الطّوسی امده بدانکه
اوّل شیئی که از موجود حقیقی صادر شد عقل اولست بدلیل
اوّل ما خلق الله العقل وفی روایة جوهرة وفی روایة درّة وفی روایة
اوّل ما خلق الله العشق وفی روایة العلم واینها مختلف نیست
بحسب معنی بلکه همه عبارت از یك چیز است یعنی جوهرة که در روی
ثناء وحدتست اسم محمّد صلی الله علیه و اله است و چون این
حقیقت را معانی بود اسم او درّة امد و چون حیّ و محیی بود اسم
او روح امد و چون ظاهر و مظهر بود اسم او نور امد و چون
مدرك کلیّات بود اسم او عقل امد و نار الله که در وی محبّت
موقده گشته بود اسم او عشق امد پس جوهر اسم ذات او باشد
و ما بعده اسماء و صفات او بود گفته اند نخستین اتیش عقل
کلّ امد که در وی همچو بای بسمل امد و نیز خواجه نصیر الدّین
طوسی ره گفته اوّل ز مکوّنات عقل و جانست   واندر پی او
نه فلك گردانست   زانها چه گذر کنی چهار ارکانست   پس
معدن و پس نبات و پس حیوانست   و در جای دیگر وارد شده

که اول ما خلق الله جوهریستکه چون مخلوق شد نظر کرد خداوند
باو بنظر هیبت پس از هیبت خدا گداخته شد و کرم کردید و از او
کفی بهم رسید و دخانی برخواست پس آفرید از دخانش سموات و از
کفش زمینها را و علماء فن اخبار و آثار در باب این احادیث تاویلهای
چند کرده اند و نیکوتر از همه تأویلها که شبیه بتأویل اول است
آنکه عبدالله بن علی بن اسعد الیافعی الیمنی در کتاب نوادر المعانی
این وجه سر قوم داشته که مراد حضرت رسالت پناه از این عبارت
یکجوهر است بنا بر آنکه آن جوهر بجود ظاهر است و مظهر غیر و فنیان
کمالات بر ذات مقدس نبوی از مبدأ اله بتوسط وی واقع گشته
انرا نور گفته اند و خود اضافت فرمود باعتبار آنکه نقاش علوم را
بر لوح محفوظ بر صفحات نقوش معتبر بقلم گشت و از این جهة که
مخترع خویش و ذات خود و سایر اشیاء را تعقل نموده موسوم
بعقل شد و بواسطه آنکه محل نقوش اعیان ثابته است لوحش
گفتند و از این حیثیت که حی بالذات و محیی غیر است روحش
خواندند و این معنی از اجل بدیهیات می نماید که تعدد اسماء
موجب خلاف مسمی نیست در روضة الصفا مؤلف گوید
این روایات مختلفة العبارات متناقض نیستند چه تواند بود
که همه اشاره بحقیقت واحده باشد که حقیقت محمدیه است که
قبل از تکوین عالم شهود و تزیین نقوش موجود قوله تعم وَمَا
أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا صورت اول که الف نقش بست

بر در محبوب احمد نشست   اگر چنین نگوئی جمع میان احادیث نبوی
نخواهد شد و تناقض لازم آید و آنجناب اجل شان است از اینکه
تناقض در کلامش باشد که در بعضی روایات عقلی و در بعضی
روحی و در بعضی القلم و در خبر نوری است همه اینها مقصود نور
خاتم انبیاء است و از اینجا است که در خبر آمده ندای حضرت
احدیت رسید لولاک لما خلقت الافلاک   خلعت لولاک شد
از قامت او مفتخر همچنان که افلاک از تشریف هستی کامیاب
چه نیکو گفته شاعر   نور اول هم گروهی خوانده اند   لیک از تفسیر
او وا مانده اند   روح اول هم فریقی گفته اند   گوهر معنی در آن
ناسفته اند   قوم دیگر از ازل لفظ قلم   بهر نام پاک او کرده علم
قال ابو جعفر علیه السلم یا جابر ان اول ما خلق الله خلق محمدا و عترته
الهداة المهدیین فکانوا اشباح نور بین یدی الله تعم یعنی حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرمود ایجابر اول آنچه خدا خلق فرمود
خلقت محمد صلی الله علیه و آله و اولاد هادیه مهدیه او بود پس
آنها با بدان اشباح نوری پیش خدا موجود بودند فی الکافی
و شیخ عزیز نسفی گوید و قومی دیگر اند اگرچه بعالم التفات
ندارند و در شهود قیومیت شیفته و متحیرند اما ایشان حجاب
بارگاه الوهیتند و وسائط فیض ربوبیتند و این طائفه را
باصطلاحی دیگر اهل جبروت گویند و سید و رئیس ایشان
روح اعظم است و در ملاء اعلی از وی عظیمتر روحی نیست

اورا باعتباری قلم اعلی خوانند که اول ما خلق الله تع القلم فی مقصد
الاقصی مؤلف گوید بباید دانست که در اول ایجاد و ابداع یک
وجود بفضاء شهود آمد و تمام کثرات عقلیه و حسیه منجما
و مرتبا از مشیت اولیه خلعت هستی پوشیدند پس بهمان ترتیبی
که در عالم اول اظهار فرمود خلاصه از بنی آدم و اهل عالم را در این
عالم حث و شهادت نیز آشکارا ساخت یعنی نور حضرت مولای
متقیان علی علیه السلام از نور خاتم رسل عقل کل محمد صلی الله
علیه و آله نام او در نامه ایجاد حرف اولین ذات او در دفتر
توحید فرد انتخاب و نور حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها
از این هر دو نور و نور دو سید شباب اهل بهشت امام حسن
و امام حسین علیهما السلام از نور صدیقهٔ کبری ظاهر گشت
و در این عالم مانند آن عالم با همان ترتیب و تدریج بعرصهٔ عالم
تکوین قدم نهادند آنچه اول شد پدید از جیب غیب بود نور
جان او بی هیچ ریب بعد از آن نور مطلق زد علم گشت عرش و
کرسی و لوح و قلم یک علم از نور پاکش عالم است یک علم ذریت
آدم است نور او چون اصل موجودات بود ذات او چون معطی
هر ذات بود واجب آمد دعوت هر دو جهانش دعوت ذرات
پیدا و نهانش میان او و میان ایزد پاک هیچ واسطه نیست مگر
تعیین او چنانکه فرموده است اول ما خلق الله روحی و نوری
یعنی اول چیزی که خدا خلق کرده است او را روح با نور من است

ومقصود

و مقصود از همه افعال قادر منان او است چنانچه در حدیث
قدسی فرموده لولاک لما خلقت الافلاک اول بقعه که ایزد
متعال در زمین خلق فرمود کعبه بود چنانچه در کلام مجید خود
میفرماید اِنَّ اَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَکَّةَ مُبَارَکًا
وَ هُدًی لِلْعَالَمِینَ در تفسیر صافی از امام محمد باقر روایت شده
که فرمود لَمَّا اَرَادَ اللهُ تع اَنْ یَخْلُقَ الْاَرْضَ امر الریاح فضربن متن
الماء صار موجا ثم ازبد فصار زبدا واحدا فجمعه فی موضع
البیت ثم جعله جبلا من زبد ثم دحی الارض من تحته و هو
قول الله تع اِنَّ اَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَکَّةَ مُبَارَکًا الخ
شعبی گوید خانه کعبه شرفها الله را اول آدم بنا کرد دوم شیث
پس ابراهیم پس اسمعیل پس قریش پس عبد الله بن زبیر که شاذروان
و حجر داخل کرد پس حجاج بن یوسف بوضع اول ساخت و گویند
اینکه امروز هست بنای حجاج است مؤلف گوید در کتب تواریخ
بنظر رسید که در روز نوزدهم شعبان سال هزار و سی و نه سیل عظیم
آمد و تمام دروازه ها و خانه های مکه را خراب کرد و داخل
بیت الله شد و بقدر یک قامت و نیم آب بلند شد و دیوار را کوفت
بود و حجر الاسود از خانه جدا شد سلطان مراد رابع عثمانی
فرستاد تعمیر کردند و سید زین العابدین کاشی حجر الاسود را
نصب نمود و فراغ از بناء سنه ۱۰۴۰ از هجری بود و رفع الله قواعد
البیت تاریخ او است و بناء حجاج از جانب شامیه ساقط گشت

والآن که این بنا ظاهر است از سلطان مراد است اوّل کسیکه
از صوامع جبروت بحج بیت الله آمد روح القدس جبرئیل
امین بود فی سماء والعالم اوّل صیدیکه در شبکهٔ وجود افتاد
بحکم فرموده خلق الله الأرواح قبل الأجساد باربعة آلاف سنة
حقیقت روح بود فی نفائس الفنون لمولانا محمود الدین اوّل
پیغمبران آدم صفی است اوّل وصی انبیاء شیث بود اوّل کسی
که از اولاد آدم عذارش بحواس مشکین مشک آگین گشت اوّل
کس است که بعد از آدم صفی الله بتعلیم معضلات حکمت وتنبیه
ضروریات شریعت پرداخت وبنابراین حکماء اورا اوریای
اوّل گویند چه اوریا بلغة سریانی معلم است فی حبیب السیر
وغیره اوّل کسیکه درخت خرما نشاسید انوش بن شیث بود
واوّل کس است که صدقه بر مساکین افشاند در تاریخ بناکتی
وحمد الله مستوفی اوّل کسیکه بسوزن جامه دوخت شیث
بود واوّل کس است که بقلم نگاشتن فرمود وآموخت اوّل
کسیکه از پوست روباه جامه دوخت خزر بن یافث بن نوح
بود از اینجا است که لباس خز خوانند واوّل کسیستکه از مگس
نحل استخراج عسل آموخت در ناسخ اوّل کسیکه از پوست
سمور وسنجاب پوستین کرد برطاس بن کاری بن یافث بن
نوح تم بود اوّل کسیکه اسم شاهی بروی اطلاق گشت کیو
مرث است ابی القاسم فردوسی گوید: نخستین خدیوی که کشور گشود

سر تاجداران کیومرث بود در نظام التواریخ است وغیره و
اوّل کسیست که در مملکت ایران بر جهار بالش سلطنت نشست
وتشئید قوانین حکومت فرمود وباتفاق مورخین جهان اوّل
کسیستکه بعد از طوفان نوح در عالم قانون جهانگیری نهاد
عکس قول شیخ ابوحامد محمد بن محمد غزالی است که در
کتاب نصیحة الملوک گفته کیومرث برادر شیث بود شیث قانون
شریعت داشت وکیومرث قانون حکومت وسلطنت وهو
اوّل من بنی وسکن الدور وکانوا قبل ذالك یسکنون الکهوف
والمقابر فی اخبار الدول وآثار الأول واوّل کسیستکه جغد را
مشئوم شمرده روزیکه عزیمت دیدار فرزند داشت در راه
جغدی را دید که چند کرت آوازی موحش کرد آنرا بفال بد
گرفت چون بمسکن سیامک شتافت وی را کشته یافت لاجرم
جغد را مشئوم دانست در ناسخ اوّل من تکلم بالعبرانیة شیث
وهو اوّل من لبس القلنسوة والنعلین واوّل من علم الکتابة
وعلم الحساب والشهور والسنین فی سبائك الذهب اوّل
کسیکه مقراض ساخت وقطع اثواب کرد متوشلخ بن ادریس
نبی بود قرطاس حکیم گفته که اوّل مخلوقات هواء است ومجموع
اجرام علویه واجسام سفلیه از هوا مکون شده چنانچه کواکب
وعقول ونفوس از هوای صافی مخلوق گشته اند وجماد ونبات
وحیوان وانسان از هوای کثیف در وجود آمده اند فی خزائن

ملا احمد النراقی اوّل قبیلة قتلها الله تعم وان عناق دختر آدم است
اورا بیست انکشت بود که در هر انکشت دو ناخن داشت و هر ناخن
را بمثابه داسی بزرک داشت و هرکاه مینشستی یک جریب زمین
را طولا و عرضا فرو میکرفت فسلط الله علیها اسدا و ذئبا و
نسرا فقتلوها در ناسخ اوّل کسیکه کیل و ترازو ساخت
شعیب نبی بود و حق مردمانرا تمام میدادند قوم بکیل او
کیل میکردند در خبر است که بدست خود ساخت و چون
شروع کردند در کم دادن کیل و ترازو و دزدی در او پس
ایشانرا زلزله کرفت و بان معذب کردیدند تا اینکه هلاک
شدند اوّل کسیکه در ترکستان رایت جهان ستانی بر
افراشت ترک بن یافث بن نوح بود در ناسخ و اوّل کسیستکه
خانها از چوب و کیاه ساخت اوّل کسیکه اختراع خیمه و
خرکاه کرد طهماسب کیانی بود که نسب او بکیقباد میرسد اوّل
کسیستکه جامه از چرم حیوانات ترتیب داد در ناسخ اوّل
سر بریده که سخن کفت سر یحیی بن زکریا بود در مجلس امیرودس
پادشاه فرمود با ربیبه خود زنا مکن او متنبه شده امر کرد
تا سر حضرت یحیی را بحاک سپردند اوّل قتلی که واقع شد قتل
هابیل است بدست قابیل در تاریخ ابن اثیر اوّل من عمل
الزیج کشتاسب الملك اوّل من اسلم من الانصار ابو رافع بن
مالك در سبائك الذهب اوّل ملوك اشکانیان اشك است

فی اخبار الدول اوّل کسیکه رسم نمک در طعام پدید آورد
فودك خان پسر ترك بن یافث بن نوح بود کویند روزی فودك
در شکارکاه لقمه در دهان میکذاشت از دستش رها شد در شوره
زاری افتاد و نمك آلوده شد چون فودك آن لقمه را بر کرفت و
بخورد آن طعم را ملایم ذائقه یافت از آن پس رسم شد که نمك در
طعام باشد در ناسخ اوّل پادشاه سریانی نمرود بن کوش بن
زعمة بن نوح ع بود در ناسخ اوّل من سن الحداء للابل مضر بن
نزار وکان من احسن الناس صوتا فی سبائك الذهب اوّل
ملك نصب الاعلام وبنی الامیال والعلامات علی الطرق و
المناهل ابرهة بن حارث بن قیس فی سبائك الذهب اوّل
کسیکه سنت صوم در میان آشکار ساخت طهمورس بن دیوبند
بن هوشنك بود چه در کتاب روضة الصفا و اخبار الدول
و آثار الاول و ناسخ التواریخ است که در زمانش قحطی بسیار
عظیمی حادث کشت و علامتی غریب روی داد میفرمود تا اغنیاء
همه روزه کیرند و طعام چاشتکاه خود را بفقرا بخشش کردند تا آن
بلا برخواست و در روضة الصفا است در آن اوان قحطی عظیم
روی نمود چنانچه کروه مردم آب می شد تا کرده از تنور روزق
میکشیدند و بعضی بینوایان روز بدیدن قرص خورشید
بشب میبردند و شب بمشاهدهٔ کلیچه قمر بروز میرساندند
غذای اوست که ببینند و قرص در شب ورخ بروز دیدن خورشید و شب مه تابان

واول کسیستکه مرغان شکاری را صید اموخت در روضة
الصفا واول کسیست که خط پارسی بر کتاب نوشت واول کسیست
که ابریشم از کرم قز اندوخت واول کسیست که حمل اثقال بر دواب
نمود اول کسیکه تاج بر سر نهاد جمشید جم بود واول کسیستکه
عید کرد و نام ان نوروز نهاد واول کسیستکه لعل و کوهر از
معدن بر اورد واول کسیست که جامهای حریر با رنکهای مختلف
ملون کرد واول کسیست که الات حرب چون شمشیر وخنجر
وخود ومغفر بکمال رسانید واول کسیست که حمام بنا نهاد
واول کسیست که در علم طب استنباط بدیع کرد واول کسیت
که رسوم جادها در مسالك ومعابر مقرر داشت واول کسیت
که در زمان وی شراب ارغوانی پدیدار کشت اول کسیکه
رجعت خواهد نمود امام حسین علیه السلام بود در حق الیقین
اول کسیکه تاج ساخت وبر سر نهاد شابور بن هرمز بود در
حیوة القلوب اول کسیکه نوره اختراع کرد سلیمان بن داود
علی نبینا واله وعلیه السلام علی بن ابراهیم روایتکرده که از
پیش از امدن بلقیس سلیمان امر کرده بود جنیان را که خانهٔ
از شیشه برای او ساخته بودند وبر روی اب کذاشته بودند
پس بلقیس امد کفتند باو که داخل شو در عرصه قصر پس او
کمان کرد که اب است جامه خود را از ساقهای خود بالا کرد
پس ظاهر شد که موی بسیار در ساق او بود پس سلیمان کفت

این عرصه

این عرصه ایست تمام از شیشه ساخته اند واب نیست بلقیس
کفت که من ستم کرده بودم بر نفس خویش که غیر از خدا را میپرستیدم
واسلام اوردن ومنقاد شدن با سلیمان برای خداوندیکه
پروردکار عالمیان است وعلی بن ابراهیم نیز روایت کرده است
که پس سلیمان او را بعقد خویش در اورد وشیاطین را حکم
فرمود که چیزی بسازید که موها از پای وی زایل سازند پس
حمامها بعمل اوردند ونوره را برای او ساختند پس حمام ونوره
از چیزهائیست که شیاطین برای بلقیس ساختند وهمچنین
اسیائی که اب میکرداند در زمان ان حضرت بهم رسید
پس معلوم شد که اول اسیائی که ساخته شد جنیان
ساخته بودند ودر حدیث امد که چون بخواهید نوره
بکشید در وقت ان انکشت خود را محاذی بینی برده بکوئید
اللهم ارحم سلیمان بن داود کما امرنا بالنوره وسلیمان اول
کسیست که داخل حمام شد واول کسیست که بلغت ادمیان و
جنیان و وحوش وطیور وسباع وبهائم سخن کفت ومتکلم
کشت واول کسیست که بر بساط نشست وعالم را سیر کرد وطواف
کرد اول کسیکه بپارسی سخن کفت هوشنک شاه بود اول
کسیکه با امام زمان در وقت ظهور بیعت کند جبرئیل امین
بوده باشد اول کسیکه بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ کفت ویاد نمود
سلیمان بود اول کسیکه سر نامه را مهر زد وی بود اول

کسیست که خانه مبارکه کعبه را جامه بافته پوشانید در حضرت
جنابش جامهای مصری سفید بر خانه کعبه پوشانید اول
کسیکه مثله کرد ضحاک بود و اول کسیست که تازیانه زد و اول
کسیست که مردمان را بردار کشید اول کسیکه در شکم مادر
چهار ماه بیش نزیست و چهار ماهه متولد شد دی پونانک
پادشاه چین بود در ناسخ اول کسیکه از بطن مادر ختنه کرده
بیرون آمد لوط نبی ع بود در رابع بحار الانوار است از امیر
المؤمنین ع روایت میکند که فرمودند بمردی از یهود اَنتُم
تقولون ان اول عین نبعت علی وجه الأرض العین التی فی
بیت المقدس وکذبتم هی عین الحیوة التی غسل فیها یوشع بن
نون السمکة فهی العین التی شرب منها الخضر ولیس یشرب
منها احد الاحیی وانتم تقولون ان اول شجرة نبتت علی وجه
الأرض الزیتون هی الشجرة العجوة التی نزل بها آدم من الجنة
معه اول من عملت له السیاط الاصبحیة حارث بن مالک بن
زید فی سبائک الذهب اول من ملک فی بنی عباد القاضی
محمد بن اسماعیل بن قریش بن عباد فی سبائک الذهب
اول کسیکه در علم طب سخن گفت اسقلینوس حکیم بود و اولاد
خود را وصیت کرد که این صنعت را بغرباء و اجانب تعلیم ننمایند
تا عزت و شرف این علم مخصوص خانه دان او باشد و رای او
در علم طب تجربه بود و بقیاس و استدلال عمل میکرد و مدت

هزار و چهارصد و شانزده سال قول حکماء در مسائل طبی بر
این منوال بود در روضة الانوار اول سریکه در اسلام بر نیزه
رفت سر عمرو بن الحمق الخزاعی بود که امیر المؤمنین ع او را خبر داده
بود در ناسخ اول کسیکه وارد بهشت میشود علی بن ابی طالب
علیه السلام است زیرا که لواء پیغمبر در دست اوست و صاحب
لواء مقدم است در حق الیقین اول کسیکه در غدیر خم بیعت
با امیر المؤمنین علیه السلام کرد عمر بود گفت بخ بخ لک یا امیر المؤمنین
اصبحت مولای و مولا کل مؤمن و مؤمنة اول کسیکه بعد
از طوفان نوح در مملکت هندوستان لوای سلطنت بر
افراشت کشن بن یورب بن هند بن حام بن نوح بود در ناسخ
اول کسیکه آهنگری و درودگری برهم تلقین کرد براهمن از
نسل بنک بن هند بن حام بن نوح ع بود در ناسخ اول کسیکه
فیل را بدست آورد و رام کرد و سوار شد کشن بن هند بود
اول شهریکه در هندوستان بنا کرد شهر اوه بود در ناسخ اول
بنای نیکوئی در روی ارض بنا شد بهشت شداد بن عاد بود بمصداق
آیه کریمه اِرَمَ ذاتِ العِمادِ الَّتی لَم یُخلَق مِثلُها فِی البِلادِ اول
کسیکه اختراع ساز و چنگ و سلاح نبرد نمود قالع بن عابر ع
بود و قالع قاسم را گویند اول کسیکه بمرض فجاء بمرد داود ع
نبی بود که بر منبر رحلت کرد فی رابع بحار الانوار اول زبانی
که آدم و اولادش بدان تکلم میفرمودند سریانی بود در ناسخ

اوّل کسیکه امر کرد بوضع زربفت بهمن بن اسفندیار بود اوّل
ایه که بر رسول خدا نازل گشت ایۀ اِقْرَءْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِیْ خَلَقَ
بود در حیوة القلوب اوّل کسیکه پرسش بد و تحیت فرستاد
قالع بود که برای هود علیه السلام فرستاد بنحن انعم صباحا و
ابیت اللعن در تاریخ اوّل کسیکه سپاه نشانید در هر منزلی دارا ب
کیانی بود اوّل پادشاهیکه دامن عصمت را از شهوت بمعصیت
ملوّث کرد خسرو بن بلاش بود که با خواهر خود زنا کرد اوّل من
امر بتصنیف کتب الجدل فی الرّد علی الزّنادقه والملحدین محمّد
مهدی عباسی بود که سوم خلفاء است فی سبائك الذهب اوّل
کسیکه کمربند اختراع کرد و بر کمر بست اردشیر بن ساسان بود و
اوّل کسیست که جاسوسان در عالم گذاشت اوّل کسیکه سبزه
در سفره گذاشت کیخسرو بن سیاوش بود اوّل کسیکه اهن از
سنگ بیرون اورد و در کوره گداخت و از ان سلاح جنگ ساخت
هوشنگ بن سیامك بن کیومرث بود در تاریخ و اوّل کسیست که
سگان تازی را صید کردن اموخت و اوّل کسیست که کلا برا
برای حفظ رمه معین ساخت و اوّل کسیستکه خدمه را در نزد
خود بقیام امر کرد و اوّل کسیستکه زر و سیم و معادن برآورد
و جواهر شاداب استخراج کرد و اوّل کسیستکه قطع شجره اموخت
و اوّل کسیستکه پرداختن تخته و درب ساختن اموخت و اوّل
کسیستکه تصنیف کتابی کرد و نام او جاودان خرد نهاد که اوّل

مرتبه

مرتبه کنجور بن اسفندیار که یکی از وزراء سلاطین عجم است
از فارسی قدیم بزبان متداول ترجمه کرد و حسن بن سهل برادر
ذو الریاستین که وزارت مامون عباسی داشت بزبان عربی نقل
نمود و استاد عالم ابو علی مسکویه بالحاق حکمتهای فرس و هند
و روم و عرب انرا انجام داد و نام ان اداب العرب والفرس نهاد
و فقیر انرا دیده ام و مطالعۀ ان دلیل ظاهر است بر حصانت
نفس و کمال و فهم و فضل و دانائی او و این کتاب را هوشنگ
برای پند واندرز فرزند خود و دیگر ملوك از پی او سلطنت
کنند نگاشت مؤلف گوید همانا عبارت بعضی کلمات ان
کتاب اینست که میفرماید از خداست اغاز و بدوست انجام
و بدوست توفیق و اوست ستوده کسیکه شناخت اغاز
را شاکر شد و کسیکه شناخت انجام را مخلص شد و کسی
که فضل و کرم او را دانست موافقت و انقیاد پیشه کرد
و از راه مخالف برکنار امد اگر بخواهم تمام نصایح بنگارم از
مقصود خارج خواهیم شد اوّل کسیکه دارو ها برای رنج
اسب ساخت بهرام بن بهرام ساسانی بود اوّل کسیکه
پوشش از پوست سمور و سنجاب و دیگر جلود کرد و دیگر انرا
نیز پوشانید هوشنگ شاه بود اوّل شهرے که در زمین
بنا شد شهر چین بود که ترك بن یافث بن نوح ع بود که بنای
او مشتهر شد در حدیث امده از حضرت صادق فرمود

اولنا محمّد واخرنا محمّد واوسطنا محمّد وکلّنا محمّد فی شرح
الزیاره وغیره اوّل کسیکه کاسهٔ چوبی ساخت ازبرای اشامیدن
اب وغیره قینان بن انوش بن شیث علیه السّلام بود اوّل کوهی
که وضع کشت بر روی زمین کوه ابو قبیس بود در کشکول شیخ
یوسف اوّل مسجدی که بنا شد مسجد الحرام بود فی کشکول اوّل
کسیکه در زمان جاهلیّة مال خود را در راه خدا داد عبد المطّلب
در روضة الصّفا اوّل من تکلّم بالعربیّة عابر اعنی هود النّبی علیه السّلام
اوّل کسیکه بزبان عربی سخن کفت یعرب بن قحطان بن هود ع بود
وخود کوید انا ابن قحطان الهمام الاقبل یاقوم سیروا فی الرعیل
الاوّل انا البدو فی اللسان الهل المنطق الابین غیر مشکل
در ناسخ اوّل کسیکه طبل وزنک ودرای وضع کرد دیکو کاو شنیک
شی بود در ناسخ اوّل کسیکه در یمن درجه سلطنت یافت و
از جمله ملک بزرک شمرده شد حارث رائش بود واو پسر قیس
بن صفی بن سالار بن سبا الاصغر بن حمیر بن سبا الاکبر در
ناسخ اوّل کسیکه در مهد سخن کفت زاب بن طهماسب بن
منوچهر بود در تاریخ مناهج الطّالبین اوّل کسیکه علم نیرنجات
وسیمیا در عمل اورد کیقباد شاه بود در مناهج واوّل کسیست
که در راهها فرسنک ومیل تعیین کرده اوّل کسیکه در جهان
کریه وناله کرد حضرت ادم علی نبیّنا واله وعلیه السّلام بود
اوّل کسیکه در عالم مرثیه کفت کیکاوس بود جهة پسر خود سیاوش

رعیل اول یعنی صف اول منه

در مناهج اوّل کسی که از ملوک خلایق را وعظ کفت کیخسرو بن
سیاوش بود در مناهج اوّل العلم معرفة الجبّار واخر العلم تفویض
الامر الیه فی امثله عرب اوّل کسیکه جمع کرد مردم را در نماز جنازه
بر چهار تکبیر عمر بن الخطّاب بود وحال انکه رسول خدا فرموده
بود بر جنازه پنج تکبیر بکویند چنانچه ابن بطه کفت پیغمبر
صلّی الله علیه واله بر نعش حمزه سیّد الشّهداء پنج تکبیر کفت در صفی
اوّل کسی که از اهل بیت اطهار شهید شد عبد الله بن مسلم بن
عقیل بود فی مخزن البکاء للبرغانی وروضة الصّفا اوّل کسیکه
در روز عاشورا تیر بجانب امام حسین علیه السّلام افکند
عمر بن سعد بود کفت کواه باشید که اوّل کسیکه بطرف لشکر
امام حسین علیه السّلام تیر انداخته من بودم شخصی از شیعه
ان جناب جواب داد که اوّل کسیکه ازین مردم بدوزخ خواهد
رفت تو خواهی بود در روضة الصّفا اوّل کسیرا که در روز قیامت
بطلبند ودر پیشکاه حضور خود خوانند حضرت نوح علی نبیّنا
وعلیه السّلام خواهد بود پس از او بپرسند که ایا تبلیغ رسالت
کردی کوید بلی کویند که کواهی میدهد از برای تو کوید محمّد بن
عبد الله ص پس نوح بیرون اید و پا بر سر مردم کذارد تا بیاید
بنزد محمّد صلّی الله علیه واله واو بر روی تلّی از مشک وعلی
نیز با او باشد واین است معنی قول حق تعـ فلمّا راه زلفة سیئت
وجوه الّذین کفروا یعنی چون ببینند علی را صاحب قرب و

منزلت نزد حق تع و بر بالای تل مشك در خدمت رسول
خدا ببیند متغیر کردد و سیاه کردد روی کافران پس نوح کوید
یا محمد حق تع از من کواهی طلبیده بر تبلیغ رسالت حضرت نوح ع
کوید ای جعفر وای حمزه بروید و کواهی دهید از برای نوح که او
تبلیغ رسالت کرد حضرت امام جعفر صادق ع فرمود که پس
جعفر طیّار و حمزه شاهد انبیاء خواهند بود بر تبلیغ رسالت
ایشان راوی یوسف بن ابو یوسف است کفت فدای تو شوم
علی در انوقت کجا است حضرت فرمود شان و منزلت و جاه علی
ازان بالاتر و بزرکتر است که او را برای کواهی انبیاء بفرستند
در غایة المرام و حق الیقین و غیره اوّل خلافیکه در اسلام شد
منع از کاغذ و قلم بود برای پیغمبر و این اوّل فتنه و فساد و خلافی
بود که در اسلام بهم رسید در حق الیقین اوّل کسیکه ردّ شمس
از برای او شد یوشع بن نون نبی ع بود چنانچه در ادعیه و خبر
رسیده یا رادّ الشّمس لیوشع بن نون نور الشّمس بعد غروبها
و در روایت دیکر اوّل کسیکه ردّ شمس برای او شد سلیمان بن
داود ع بود خداوند میفرماید اذ عرض علیه بالعشیّ الصّافنات
الجیاد و یاد کردان وقتی را که عرض کردند بر او در وقت
پیشین اسبان نجیب بر سه دست و پای ایستادند و از یکپا سر
سم را بر زمین میکذاشتند نیك رفتار و تند رو بودند و کفته
اند که هزار اسب نفیس بودند که از داود ع بان حضرت رسیده

بود و بعضی کفته اند که اسبان بال دار بودند که از دریا برای
ان جناب بیرون امده بودند فقال اِنّی اَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَیْرِ
حَتّی تَوارَتْ بِالْحِجابِ یعنی پس کفت بدرستی که من دوست
میداشتم اسبان را تا پنهان کشت افتاب در پرده یعنی پست
شده یا غروب کرده رُدُّوها عَلَیَّ فَطَفِقَ مَسْحاً بِالسُّوقِ وَالْاَعْناقِ
یعنی برکردانید اسبانرا بر من پس شروع کرد بزدن ساقها و
کردن اسبها یا انکه برکردانید افتابرا برای من پس مسح کرد
ساق و کردن خود را برای وضو و نماز کرده وَلَقَدْ فَتَنّا سُلَیْمانَ
وَاَلْقَیْنا عَلی کُرْسِیِّهِ جَسَداً ثُمَّ اَنابَ یعنی و بتحقیق امتحان کردیم
سلیمانرا و انداختیم بر کرسی او بدنی را پس انابه کرد و توبه
نمود بسوی ما و علیّ بن ابراهیم کفته است در تفسیر این ایات
که سلیمان اسبانرا بسیار دوست می داشت و مکرر میطلبید
و بر او عرض میکردند پس روزی مشغول اسب دیدن شد
تا افتاب فرو رفت و نماز عصر از او فوت شد غم عظیمی باین
سبب او را عارض شد پس دعا کرد که حق تع افتاب را برا و
برکرداند که صلوة عصر بکند پس برکشت افتاب تا نماز
عصر را ادا کرد پس اسبان را طلبید و بشمشیر کردن انها را زد
و پی کرد تا همه را کشت چنانچه حق تع فرموده است شروع کرد
بمسح و ساق کردن اوّل کسیکه سعی میان صفا و مروه کرد ادم
علی نبینا و اله و علیه السّلام بود در طلب حوّا هفت مرتبه

ازصفا بمروه آمد و برگشت باین سبب مقرر شد که هفت
شوط درمیان صفا و مروه بنحویکه آدم کرد طواف کنند در
حیوة القلوب امیدوار هستم که خداوند متعال نصیب نماید
که مشرف شوم اول نانی که آدم بخورد کماج بود درمناهج الطالبین
اول ملوك البحیره من بنی فهم خذیمه الدرش ابن مالك فی
سبائك الذهب اول من مشت الرجال بین یدیه بالسیوف
المرهفة موسی الهادی که از خلفاء بنی عباس است در سبائك
الذهب اول اسبی نامدار که در ایام عرب پدید آمد اسبی بود
از اسبان سلیمان ع سبب آن بود که قومی ازجانب عمان برای
ساختن مهمات پیش سلیمان رفتند چون حاجت ایشان
بانجاح مقرون شد وقت مراجعت گفتند ای پیغمبر خدا از
اینجا تا دیار ما مسافت بسیار زادی فرمای تاما را بمنزل
رساند سلیمان ع اسبی بدیشان داد و گفت مردمان بهر
منزل که فرود آئید چندانکه خواهید باو صید کنید که
هیچ صید از او نجهد ایشان بهر منزل که فرود میامدند
چندان صید میکرفتند که ایشان را کفاف دهد آن اسب
را زاد نام نهادند چون نام او در عرب منتشر شد آن اسب
را بر مادیان خود انداختند و از او نتاج گرفتند و اسبان
عرب از آن وقت پادید آمدند فی نفائس الفنون محمود
الدین اول کسی که سوار کوی باخت طهمورس بود درمناهج

واول کسیتکه باز شکار انداخت واول کسیتکه پارسی نوشت
واول کسیست که مردمان را بر اسب سوار کرد واول کسیست که
استر پدید کرد اول کسیکه از ملوك دعوی خدائی کرد جمشید
بود درمناهج واول کسیتکه دیوان و علم حساب ظاهر کردانید
واول کسیست که از آهن سلاح فرمود و پیش از آن سلاح از چوب
و سنك داشتندی واول کسیست که شمشیر فرمود ساختند و
اول کسیست که جوشن و خود بنیاد نهاد واول کسیست که زین
بر اسبان نهاد واول کسیتکه کرباس فرمود بافتند و پیش
از آن جامها از پشم و پوست جانوران می پوشیدند واول
کسیتکه بفرمود پنبه کاشتند و برشتند و بافتند واول
کسیتکه رنکها در جهان پدید آورد پیش از وی هیچ رنکی در
عالم نبود درمناهج الطالبین واول کسیست که منشار بر سرش
نهادند اول کسیکه از اصحاب حضرت سید الشهداء ع
بمبارزت شهید شد حر بن یزید الریاحی بود در بحار الانوار
از عبدالله بن عباس روایت است که اول ما نزل به جبرئیل
علی محمد ص قال استعذ یا محمد بالله السمیع العلیم من الشیطان
الرجیم ثم قال بسم الله الرحمن الرحیم اقرء باسم ربك الذی خلق
خلق الانسان من علق فی نفائس الفنون محمود الدیلمی اول
کسیکه شهرها در اسلام بنا کرد حجاج بن یوسف سقفی بود در
زهر الربیع اول کسیکه کاغذ ساخت یوسف علی نبینا و آله و

علیه السلام بود اول کسیکه سر راه بر حسین ع گرفت حر بن یزید
الریاحی بود در روضة الصفا بخدمت امام حسین مبادرت
نمود گفت ای قرة العین البتول اول کسیکه بر تو خروج کرد
من بودم اکنون رخصت فرمائی تا اول کسی باشم که پیش تو جان
فدا کرده باشم اول کسیکه بضبط عالم و عالمیان پرداخت کیقباد
بود در روضة الصفا اول کسیکه آرد ساخت ذو القرنین بود
اول کسیکه عود سوزانید و انواع بخور ساخت خمانی دخت
بهمن بود و اول کسیست که غلامان را خصی کرد و خواجه سرا پدید
آورد فی مناهج الطالبین اول خلیفة استخلف سلطان الواثق
بالله هرون قال السیوطی فی کتابه و فی سبائك الذهب اول
خلیفة ولی الخلافة فی مصر من بنی العباس احمد المستنصر فی
سبائك الذهب اول کسیکه از اهل بیت شهید گشت در
روز عاشورا علی بن الحسین ع بود که امام عصر عجل الله فرجه
در زیارت ناحیه میفرماید السلام علیك یا اول قتیل
من نسل خیر سلیل من سلالة ابراهیم الخلیل اول من تسمی
ابراهیم ابراهیم علی نبینا و اله و علیه السلام و هو اول من
استنشق بالماء و هو اول من شاب و هو ابن مائة و خمسین سنة
قیل لما اتی علیه ستة تکلم و هو اول کلامه فقال ع یا اماه من
ربی قالت انا قال ع و من ربك قالت ابوك قال ع و من رب
ابی قالت نمرود قال ع و من رب نمرود فلطمته و قالت اسکت

و هو اول من هاجر من وطنه فی طاعة الله تع حفظا لایمانه
حین ساله النمرود و هو اول من جرد من ثیابه فی سبیل الله فلذلك
کساه الله تع فی ذلك المحل قمیصا من الجنة اول کسیکه نامیده شد
موسی موسی علی نبینا و اله و علیه السلام بود پس از آنکه آسیه
یافت او را و نام او را موسی نهاد و بلغت عبری موشه است زیرا
که یافت او را میان آب و درخت و مو در لغة عبری ماء است
و سو و شه و سا در لغة عبری شجر است اول من سمی محمد و احمد رسول
الله صلی الله علیه و اله و اول عین تنظر الی الله عز و جل هو النبی ص
و هو اول الانبیاء فی الخلق و آخرهم فی البعث فی نزهة النواظر
اول نذیر من الشرك نوح النبی ع قال السید مؤمن الشافعی فی
نور الابصار فی ذکر النبی صلی الله علیه و اله و اما امرؤه فمنهم
باذان بن ساسان من ولد بهرام امره علی الیمن و هو اول امیر
فی الاسلام علی الیمن و هو اول من اسلم من ملوك العجم و فیه لم
یتزوج علی علی فاطمة حتی ماتت و کانت اول ازواجه قال
ابن عباس لیس آیة من کتاب الله تع یا ایها الذین آمنوا الا و
علی اولها و امیرها و شریفها فی نور الابصار الشافعی ابان بن
عثمان عند العایشه فی حرب الجمل فقیل و کان اول من
انهزم اول من اذن لرسول الله صلی الله علیه و اله بلال
بن رباح و لم یؤذن بعده لاحد من الخلفاء الا عمر لما فتح
الشام اذن بلال فذکروا الناس النبی فبکوا بکاء شدیدا

نور الابصار للسيد مؤمن الشلبنجي الشافعي اول من ملك من
ال عثمان في ممالك الروم الأمير عثمان الغازي بن الامير
ارطغرل بن سليمان شاه في اخبار الدول وكان السلطان
اورخان بن السلطان عثمان خان بنى بازنيق جامعًا ومدرسته
وهي اول مدرسة بنيت في الدولة العثمانية اى اخبار الدول
ابى جعفر المنصور عبد الله بن محمد العباسي اول ما فعل ان
قتل ابا مسلم الخراسانى وهو اول خليفة المنجمين وعمل باحكام
النجوم وهو اول خليفة ترجمت له الكتب السريانية والاعجمية
بالعربية ككتاب كليله ودمنة واقليدس وهو اول من رخم
الحجر قال صاحب تاريخ الدول قرمانى وفى سنة ثمان وخمسين
ومائة شكى الناس ضيق المسجد الحرام فاشترى المنازل التى
حوله حتى زاد فيه وعمر مسجد الخيف بمنى ورخم الحجر وهو اول
من رخمه محمد مهدى امر بعمارة طريق مكة وقصر المنابر وصيرها
على مقدار منبر رسول الله صـ وهو اول من جهز الصر وعينه
لاهل الحرمين محمد ابو عبد الله بن المتوكل وهو اول خليفة
احدث الركوب بحلية الذهب وكان الخلفاء قبله يركبون
بالحلية الخفيفة من الفضة اول من ملك منهم بالمغرب
ابو محمد عبيد الله المهدى اول من ضرب على الخمر ثمانين جلدة
وهو اول من حرم المتعة وهو اول من نهى عن بيع امهات الاولاد
وهو اول من جمع الناس فى صلوة الجنائز على اربع تكبيرات وهو

اول من نصب القضاة فى الامصار فى اخبار الدول واخرج
البخارى فى تاريخه عن ابن المسيب قال اول من كتب التاريخ عمر
بن الخطاب بسنتين ونصف من خلافته فكتب لستة عشرة من
الهجرة بمشورة على ع واخرج ابن سعد عن شداد قال كان اول
كلام تكلم به عمر حين ولى الخلافة وصعد المنبر ان قال اللهم
انى شديد فليننى وانى ضعيف فقونى وانى بخيل فسخنى اول
المهاجرين عثمان فى اخبار الأول اول من كتب باسمك اللهم
امية بن الصلت الثقفى فى تاريخ الدول اول من سكن الارض
امة يقال لهم الجن والبن نزل على ادم عشر صحائف فى عشرين ورقة
وهى حروف المعجم وهى اول كتاب فى الدنيا فى تاريخ الدول اول
شئ اكله ادم فى الجنة العنب واخر شئ اكله قبل الحنطة العنب
فى تاريخ الدول اول من كتب بالخط العربى عبد الضخم بن ارم
بن سام بن نوح على نبينا واله وعليه السلام بود فى سبائك
الذهب اول ملوك كيانيه كان كيقباد فى اخبار الدول وانا
الأول اول من اتخذ انواع الاطعمة وقسم الغنايم على جيوشه
هوزاب بن طهماسب فى اخبار الدول اول من نظر فى علوم
النجوم والحساب ادريس على نبينا واله وعليه السلام وهو
اول من سبى من ولد قابيل بن ادم ع فاسترقهم فى تاريخ ابن
اثير وحضرت ادريس اول كسيست كه خط نوشت در تاريخ ابن
اثير وانچه در مناهج جار الله الهلالى است بارى تعالى ز كتب

سماوی سی صحیفه بید وفرستاده هم را بخط خود نوشت واول
کسیکه رسم جهاد وغزا او نهاد در راه خدا و در تقویت شرع شمشیر
زد در مناهج الطالبین واول کسیکه جامه دوزی کرد برای
بنی آدم در حدیث آمده که بهر دوزی تسبیحی میگفت وپیش از
وی کسی جامه بریختن ودوختن را ندانستی پوست چهارپایان
برقامت راست کردی ودر خویشتن بستندی وپیراهن وزیر
جامه را آن جناب ساز کرده مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه
فرمود ای پسر عباس اول سخنیکه حق تعالی با من گفت این بود
که فرمود ای محمد نظر کن بزیر خود چون نظر کردم دیدم که حجابها
شکافته شد ودرهای آسمان گشوده شد الخ اول کسیکه قرآن
را جمع کرد وترتیب داد ونوشت امیر المؤمنین علی ع بود در حق
الیقین اول کسیکه وضع لغت وخط عربی کرد اسمعیل ع
بود در نفائس الفنون اول کسیکه در ترکیب اغذیه وتدبیر
ادویه مستحدثات بدیع اندوخت مرتاد که اول سلاطین
عجم قبل از هبوط آدم است در ناسخ وغیره واول کسیکه پشم
از گوسفند باز کردن آموخت اول کسیکه علم فال بینی که
مانند رمل چیزیست اختراع کرد اول از طبقه دوم جن
قبل از هبوط آدم بود در ناسخ ودر باب رمل چند کتب انشاء
کرده ومرتب داشت واول کسیست که شیوهٔ زناشوئی و
زفاف بمیان آورد واول کسیکه برای صید ها دام ساخت

اول کسیکه نحو تعلیم کرد امیر المؤمنین ع بود که ابا اسود دئلی
داخل شد بر امیر المؤمنین علیه السلام حضرت رقعه بجانب
او انداخت نوشته بود بسم الله الرحمن الرحیم الکلمة ثلثة
اشیاء اسم وفعل وحرف جاء لمعنی فالاسم ما انباء عن المسمی و
الفعل ما انباء عن حرکة مسمی والحرف ما اوجد معنی فی غیره
ابو الاسود گفت یا امیر المؤمنین این کلام نیکو را چکنم با او بدرستی
که من نمیدانم فائده اش را حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود
من شنیده ام در بلاد شما غلط فاحش را دوست دارم که نوشته
بنویسم هر کس در او نگاه کند تمیز دهد بین کلام عرب و کلام
آن جماعت ابو الاسود گفت وفقنا بربك یا امیر المؤمنین للصواب
فی زهر الربیع للسید الجزائری اول چیزیکه قوم هود را بر وقوع
عذاب شریف وتنبیه کرد باد بود که در آمد ایشان را که نگاه
کردند ومردان وکودکان وچهارپایان را دیدند که در هوا
بین الارض والسماء پرواز کردند وباد سنگها را از زمین
بهوا پران می کرد بر سر مغزهای ایشان میزد وهلاک می
کرد در مناهج الطالبین اول کسیکه در زمین آتش پرستید
قابیل بود فی کامل ابن اثیر ومناهج وغیره است قابیل چون
هابیل را کشت ابلیس بیامد وگفت دانی که آتش چرا قربانی
برادرت را قبول کرد واز آن تورا نه قابیل گفت نمیدانم گفت
برای آنکه هابیل آتش پرستیدی تو نیز آتش را سجده کن

تا از تو خوشنود شود و مملکت زمین با تو بماند قابیل بقول شیطان رجیم عمل کرد اول کسی که هوشنگ در جلوس سلطنت گفت این بود که ما بخدائیم خوشنود و بر خشمیم از برای بنی ادم و شیطان و اول کسیکه ملقب به پیشداد شد در مناهج که از غایت معدلتش باین لقب خوانده شد و اول کسیکه فرش و زیلو و قال بر زمین انداخت و اول کسیست که بر تخت جلوس کرد پیش از آن شاهان را این رسم و آئین نبود در مناهج و اول کسی است که مردم را بر شتر سوار کرد علامه مجلسی باسانید معتبره بیان نقل کرده از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که از حضرت رسول خدا پرسیدند که بچه سبب تو سبقت گرفتی بر پیغمبران و از همه بهتر شدی و حال آنکه بعد از همه مبعوث شدی فرمود زیرا که من اول کسی بودم که اقرار به پروردگار خود کردم و اول کسیکه جواب گفت در وقتیکه حق تعالی میثاق و پیمان گرفت از همه پیغمبران و گواه گرفت ایشان را بر نفسهای ایشان که گفت اَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ یعنی آیا نیستم من پروردگار شما گفتند بلی پس اول پیغمبری که بلی گفت من بودم پس سبقت گرفتم بر ایشان در اقرار بخدا در حیوة القلوب اول کسیکه روز عاشورا از انصار حسین شهید شد مسلم بن عوسجه بود که در زیارت ناحیه اگر خوانده باشی آقا میفرماید و کنت اول من شری نفسه و اول شهید شهد الله و قضی نحبه اول کسیکه

سنت نهاد دو رکعت نماز را در نزد قتل خبیب بن عدی از کبار اصحاب سید مختار بود عن ابو هریره اول من سن الرکعتین عند القتل لانه قتل جبرا خبیب در غزوه رجیع اسیر گشت بمکه آوردند منافقان فروختند او را دختر حارث بن عامر بصد شتر خرید که در ازای پدرش حارث که مقتول یوم البدر بود شهید نماید در ناسخ اول کسیکه گفت انا لله و انا الیه راجعون امیر المؤمنین علیه السلام بود در مصیبت برادرش جعفر طیار پس از اینکه خبر قتل جعفر بسمع امیر المؤمنین علیه السلام رسید فرمود انا لله الخ و در نور العینین و در ضیاء التفاسیر از میر محمد صادق موسوی خوانساری آمده در حدیث است که بَشِّرِ الصَّابِرِينَ در حق امیر المؤمنین علیه السلام است که چون خبر شهادت برادرش جعفر را از موته آوردند حضرت فرمود انا لله و انا الیه راجعون و هیچکس پیش از امیر المؤمنین این کلمات را نگفته بود حق تعالی فرمود من این را سنت کردم تا بعد از وی هر مصیبت زده که اقتداء بوی کند من صلوات و رحمت نامتناهی باو کرامت فرمایم عبد الله بن عباس گفت که اول چیزی که بعد از قلم مخلوق شد لوح محفوظ بود اول کلمه که قلم بفرمان حضرت باری تعالی بر لوح نوشت این بود بسم الله الرحمن الرحیم انی انا الله لا اله الا انا و محمد صلی الله علیه و آله رسولی من استسلم بقضائی و صبر علی بلائی و شکر علی نعمائی

ورضی بحکمی بعثته یوم القیامة مع الصدیقین ومن لم یتسلم
بقضائی ولم یصبر علی بلائی ولم یشکر علی نعمائی ولم یرض بحکمی
فلیتخذ الهاً سوائی بعد از ان انچه در علم الله مقدر بود در شان
مخلوقات تا روز قیامت قلم بحکم الله بر صفحات لوح ثبت کردانید
اول خونی که بر زمین ریخت خون هابیل بوده در انروز ربع
مردم کشته شدند قاله المجلسی فی حیوة القلوب اول من
کتب الشرح المزجی من اصحابنا هو الشهید الثانی ره فی روضات
الجنات مؤلف این وجیزه کوید که اول کسیکه شرح مزجی
نوشت از علمای امامیه خواجه نصیر الدین طوسی بود واکنون
ان شرح حاضر است کویا بنظر مصنف روضات نرسیده باشد
اول کسیکه در جهان خطبه خواند کیومرث بود چون
مملکت او را مسلم شد بهر شهری که رسیدی خطبه کردی
وخدای جل جلاله را حمد وثنا کفتی در مناهج الطالبین
مؤلف کوید خطبه غرا را بلسان سریانی املا کرد بزبان
عربی این الفاظ امده الحمد لله الذی من علینا بکرامته واصطفی
بدینه وامانته احمده علی الائه ونشکره علی نعمآء الذی علی
انبیآئه یقول دعوته وشمول نعمته عباد الله انتبهوا من
نومة الغفول واستیقظوا من رقطة الذهول وانظروا
العیون الاعتبار الی ما صبت من البوار علی یفات زمانکم
والمجاهرین بالعصیان جمعوا للدارین من البغی والخسار

حتی ابتلاهم الله بحر السیف وحر النار الخ چون مبنای این رساله
بر اختصار است از باقی خطبه چشم پوشند اول منجنیقی که در
دنیا ساخته شد منجنیقی بود که برای ابراهیم در کوفه ساختند در شهری
که انرا کوثا میکویند در قریه که انرا قطانا مینامند وشیطان
اورا ساخت وچون ابراهیم را در منجنیق نهادند وخواستند که
باتش اندازند جبرئیل امد وکفت السلام علیک یا ابراهیم
ورحمة الله وبرکاته ایا تورا حاجتی هست کفت اما الیک
فلا بتو حاجتی ندارم پس در انوقت ایزد منان ندا کرد باتش
که سرد باش در حیوة القلوب اول کسیکه سفیدی در
محاسنش پدید امد وحال انکه پیش از ان بیاض در لحیه
افراد انسان ظاهر نکشته بود چون پدید امد ابراهیم مضطرب
کشت حقیقت انحال را از بارکاه احدیت سؤال نمود خطاب
رسید که ای ابراهیم این وقار است که بتو ارزانی داشتیم ان
حضرت مسرور کشت کفت اللهم زدنی وقاراً واول پیغمبری
است که در راه خدا هجرت فرمود اول کسی را که روز جزا حله
خواهند پوشانید ان جناب خواهد بود واول کسیست که
قتال بشمشیر کرد وقسمت غنیمت نمود واول کسیست که سفره
ضیافت کسترد واول کسیستکه مسواک کرد واول کسیستکه
قطع موی لب کرد واول کسیست که مضمضه واستنشاق
کرد واول کسیست که فرق موی کند وموی بغل وستردن

انه نمود واول کسیست که ناخن چید واستنجا باب وپوشیدن
سراویل بیاموخت واول کسیست که ختنه کرد در سبائک الذهب
وهو اول من صانع ها نوق فی سبائک اول کسیکه از مردان برسول
خدا ص ایمان اورد وبنبوت او اقرار کرد علی بن ابیطالب علیه السلم
بود در حیوة القلوب واول کسیکه از زنان بحضرت سید
انبیاء ایمان اورد وجمیع مال خود را در رضای او صرف کرد
خدیجهٔ مجلله بود اول جماعتیکه پیش از همه محشر باین
که شیعیان امیر المؤمنین هستند وارد بهشت می شوند
حواریون محمد ص وعلی ع وامام حسن ع وامام حسین ع وعلی بن
الحسین وامام محمد باقر وامام جعفر صادق می باشند در
بحار اول روزها نوروز است که در او افتاب طلوع کرده است
وبادهای ابستن کننده درختان وزیده است وگلهای زمین
وشکوفها افریده شده است در زاد المعاد اول کسیکه بعربی
تکلم نمود حضرت اسماعیل بود در حبیب السیر اما اکثر اهل
تحقیق گفته انه اول من تکلم بالعربیة یعرب بن قحطان بن
هود کما ثبت مؤلف گوید بر ارباب دانش مکشوف باد که
تفریق بین الروایتین بدین طریق ممکن است که بگوئیم
اول کسیکه از اهل یمن بعربی تکلم نمود یعرب بن قحطان بود
واول کسیکه از متوطنان مکه بدان لغت سخن گفت اسمعیل
ذبیح الله بود اول کسیکه دار کشید وقطع اعضا کرد ضحاک

ماردوش

ماردوش بود فی اخبار الدول واول کسیستکه مثله کرد وگوش
وبینی را برید واول کسیست که تازیانه زد فی ناسخ التواریخ
واول کسیست که مال مردم را بظلم گرفت فی خزائن اول کسیکه
طنبور بساخت قوم لوط بودند اول کسیکه خندق ساخت
منوچهر بن ایرج بود وهو اول من وضع الدهقنة وجعل لکل
قریة دهقانا فی اخبار الدول اول کسیکه قرار داد نافله ماه
رمضان را بجماعت کنند وبشهرها نوشت که چنین کنند
وخانه رویبر ثقفی را سوزانید که نبیذ میفروخت عمر بود واول
کسیستکه عسس وشبگردی را اختیار کرد واول کسیستکه
تازیانه برای تادیب مردم مقرر کرد ومیگفتند که تازیانه
با عمر مهابتش بیشتر از شمشیر با حجاج بود واول کسی بود که عمال
خود را جریمه نمود ونصف اموال ایشان را گرفت ومسجد حضرت
رسول ص را خراب کرد وزیاد کرد واز جمله انچه داخل کرد خانه
عباس بود اول کسیکه سبحان الله گفت جبرئیل بود چون
خدای تع وی را بیافرید چشمش بر عظمت عرش افتاد گفت
سبحان الله هر که بگوید ثواب جبرئیل یابد در بحر المعانی
اول کسیکه الحمد لله گفت ادم علی نبینا واله وعلیه السلم
بود وچون روح بقالب وی در امد پرتوان بر منظر دماغ
افتاد ادم ع عطسه زد وگفت الحمد لله هر که بگوید از فضل
ادم ع نصیبی یابد واول کسیکه لا اله الا الله گفت نوح ع

نبی بود که چون طوفان از تنور امد ونظر نوح بر هیبت و شدت
ان بلا افتاد لا اله الا الله الخ کفت هر که بکوید از ثواب نوح علی نبینا
واله وعلیه السلام بهره یابد در بحر المعانی اول کسیکه الله
اکبر کفت ابراهیم علیه السلام بود که چون حق تعم کبشی فدای
اسماعیل فرستاد که فَدَیْنَاهُ بِذِبْحٍ عَظِیمٍ وابراهیم علیه السلام
کبش را دید کفت اللّٰهُ اَکْبَرُ هر که بکوید از فیض ابراهیم قسمتی
بوی رسد اول کسیکه لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ
کفت حضرت رسالت بود که هر که بکوید شفاعت رسول الله
دریابد در بحر المعانی اول کسیکه برای وی قرعه زدند
مریم بنت عمران بود اول کسیکه بی واسطه ایزد متعال
با او سخن کفت حضرت موسی علی نبینا واله وعلیه السلام
بود که متکلم خدا شد اول کسیکه مصافحه کرد در روی
زمین حضرت خلیل الرحمن وذو القرنین بودند چون مقابل
یکدیکر رسیدند وابراهیم ملاقات کرد او را با او مصافحه
کرد در حیوة القلوب اول کسیکه جهة اخراج املاک وضبط
املاک جریدها وحساب مرتب داشت انوشیروان بن قباد
بود واول کسیست که درخت کل ومرزنجوش از بلاد روم بر
ایران اورد واول کسیست که جوارش کمونا فرمود ساختند
اول چیزیکه قلم نوشت این بود اَنَا التَّوَّابُ اَتُوْبُ عَلٰی مَنْ تَابَ
اول عضوی از اعضاء ادمی که خدا خلق کرد فرج بود ثم

قال هذا امانتی عندك فلا تضعها الا فی حقها اول قریه
که در زمین بنا شد قریه ثمانین بود که نوح نجی الله بنا کرد وقتی
که بیرون امد از کشتی وموسوم ساخت انرا بثمانین خیرائین و
سمیت باسم الثمانین والذین کانوا معه فی السفینه مؤلف
کوید از نزهة القلوب احمد الله مستوفی امده سوق ثمانین
دیهی بوده است در پای کوه جودی که نوح پیغمبر بوقت انکه
از طوفان خلاص شد ساخت وان اول مقامی است که بر روی
زمین بعد از طوفان ساخته اند واکنون خراب است اول
حائطی که بعد از طوفان بروی زمین وضع کردید حائط حران
دمشق بود فی تاریخ ابن عساکر اول کسیکه تعیین ساعات
دوازده کانه را کرد نوح ع بود در کشتی از برای شناختن اوقات
نماز همچنانکه کفته است ابن عباس اول کسیکه مسجد بنا کرد
عمار بن یاسر بود ودر او نماز کذارد اول کسیکه خطبه بر منبر
انشا کرد حضرت ابراهیم بود اول درختیکه نوح ع بعد از طوفان
غرس کرد شجره اس بود اول ایه که بر خاتم رسل نازل شد
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ بود اول کلمهٔ که حضرت رسول فرمود در
وقتیکه داخل مدینه شد اینست ایها الناس اطعموا الطعام
وافشوا السلام وصلوا الارحام وصلوا باللیل والناس نیام
فادخلوا الجنة بسلام چنانکه این خبر از عبد الله بن سلام
رسیده است در روضات الجنات اول من اتخذ الخصیان

بخاص خدمتہ معویۃ اوّل من جعل القضاۃ الأربعۃ من کلّ
مذاهب قاضی القضات الطّاهر بیبرس بمصر فی سنۃ نیف
وسبعین وستّ مائۃ ثمّ جعل ذالک فی الشّام وحلب اوّل
کسیکه حفظ کرد قرآن مجید را ابو الأسود الدّئلی بود بامر
عبد الملک بن مروان وقیل الحسن البصری اوّل من وضع
الهمزۃ والتّشدید والرّوم والاشمام الخلیل علیه السّلام
اوّل کسیکه تصنیف کرد غریب القرآن را ابو عبیدہ معمّر بن
المثنّی بود که اخذ کرده از اصلیّه نافع بن الأزرق از ابن عبّاس
واوّل کسیست که تصنیف کرد غریب الحدیث را وقیل النّظر
بن شمیل اوّل کسیکه تصنیف کرد احکام قرآن را امام شافعی
بود اوّل من دوّن الحدیث ابن شهاب الزّهری کما ذکره الحافظ
ابو النّعیم اوّل من صنّف فیه ورتّبه علی الأبواب مالک اوّل
کسیکه در علم رجال سخن کرد شعبه بود اوّل کسیکه تکلّم کرد
در مختلف الحدیث وتصنیفی ساخت شافعی بود اوّل من
رتّب انواعه ونوّعه الأنواع المشهورۃ الآن ابن الصلاح فی
مختصرۃ المشهوری اوّل کسیکه در مغازی تصنیف کرد
عروۃ بن الزّبیر بود اوّل کسیکه اورا شاهنشاه نام گفتند
عضد الدّوله ابو الشّجاع قباخسرو بن حسن من آل بویه
بود واوّل کسیستکه بر منابر بغداد بعد از خلیفه نام او
مذکور گردید اوّل کسیکه از نقباء دوازده گانه با حضرت

رسالت بیعت کرد ابو الأمامۃ بود اوّل کسیکه علم نحو را با
ارشاد وانی امیر المؤمنین علیه السّلام تدوین فرمود ابو الاسود
ظالم بن عمرو الدّیلی البصری بود اوّل کسیکه از صحابه در روز
صفّین بدرجه رفیعه شهادت رسید ابو السّفاح البجلی بود ابن
داود گوید عبد الله بن علیّ بن ابی شعبۃ الحلبی اوّل کسیست که
از اصحاب حضرت امام جعفر الصّادق علیه السّلام که در
فقه وحدیث امامیه تصنیف فرمود اوّل کسیکه در فقه
تصنیف کرد ابو حنیفه بود اوّل کسی که حدیث کوفیان را در
بلدۂ قم منتشر ساخت شیخ ابراهیم بن هاشم الکوفی القمی بود
اوّل کسیکه از مجتهدان امامیه با مالک موافقت کرد در
آنکه آب قلیل بمجرّد ملاقات نجاست نجس نمیشود حسن بن
علیّ بن ابی عقیل العمّانی بود اوّل من قاس امر الدّین بو أیه
ابلیس اخرجه ابو نعیم فی الحلیۃ اوّل کسیکه در علم کلام
تصنیف ساخت ابو حذیفه واصل بن عطاء المعتزلی و
هو اوّل من سمّی معتزلیا واوّل من قال الحق یعرف من وجوه
اربعۃ کتاب ناطق وخبر مجتمع علیه وحجّۃ عقل واجماع من
امّۃ اوّل من صنّف فی الأصول الفقه الشّافعی بالأجماع
اوّل من وضع اللّغۃ علی الحروف الخلیل بن احمد بن قمیم
الأزدی البصری واوّل کسیستکه اختراع علم عروض کرد
واز امیزان شعر ساخت ومنشاء اختراع او آن بود که

روزی در بصره در کوچه کازران میکذشت از کوفتن کدین
ایشان اوازهای مختلف شنید و با خود کفت که از اینجا
اصلی را میتوان استنباط نمود که کسی بران سبقت نکرفته
باشد انکاه علم عروض را بر وجهی که در میان مردم شایع است
وضع نمود کذا فی تذکره عبد الله معتز اول کسیکه در ولایت
قم ساکن شد سعد بن مالك بود در کتاب خلاصة الأقوال
علامه مسطور است که علی بن اسماعیل بن شعیب الأسدی
الکوفی البصری اول کسیستکه بر قانون علماء کلام در مذهب
اهل بیت کرام تکلم نمود و دران علم تصنیفی فرمود اول من
قصد القصاید مهلهل وقیل امراة القیس اول من نظم
الشعر الفارسی ابو العباس بن جیود المروزی واین قول
سیوطی است مؤلف کوید دیده شده اول من قال الشعر
بلغة الفرس هو بهرام جور الملك المشهور حیث قال

منم ان پیل دمان و منم انشیر یکه	نام من بهرام کور و کنیتم بو جبله

اول کسیکه زبان بسخن موزون برکشاد هوشنك دوم
پادشاه قدیم عجم بود در مجمع الفصحاء وقیل بل الأول
منهم ابو جعفر بن حوض (حفص) بن سعد بن سمرقندی کان فی سنة
ثلثمائة والشعر هذا اهوی کوهی در دشت چکونه رودا
یار قدارونی چکونه رودا اول کسیکه بواسطه خوابی که دیده
بود از مطالعه اهل کتب اهل سنت اجتناب ورزید و به

۲ن اوندارد یار دیباری چگونه بودا

تحصیل

بتحصیل علوم حکمت و کلام اشتغال نمود امیر صدر الدین
محمد الدشتکی الشیرازی ره بود اول کسیکه علم صرف را وضع
کرد ابو مسلم معاذ بن المسلم الهراء النحوی الکوفی بود واینکه
شیخ کافجی کفته که واضع ان معاذ بن جبل بود خطاء است در
مجالس المؤمنین اول شبهه که در عالم پیدا شد شبهه ابلیس
بود منشاء صدور ان استبداد بود برای خود در مقابله
نص الهی و استکبار بماده افرینش خود که اتش بود بر ماده
افرینش ادم که کل بود حیث قال انا خیر منه خلقتنی من نار
وخلقته من طین مؤلف کوید از ائمه طاهرین مرویست
که فرمودند سجده و تعظیم بر ادم از جهة نور محمد و ال محمد
صلی الله علیه واله اجمعین بود همه ملائکه سجده کردند
و پیشانی مسکنت بر زمین نهادند جز ابلیس کانکه تکبر نمود

که خود را برا از او تصور نمود	بفرمود ایزد که ای بی ادب
چه باشد ترا زین تکبر سبب	بکفتا کزین کار باید خوشم
که ادم ز خاك و من از اتشم	کجا خاک را سجده ز اتش خوش است

که اتش بطبع خود سرکش است پس بر عارفان معلوم شد شیخ
ادیب اریب شاعر معاصر شیخ الرئیس خراسانی حائری کوید
تا که شد از تارکش تاج تبارك را شرف قول کرمنا بنی ادم شد
ادم را خطاب کشت مسجود ملائك ادم خاکی از انك
داشت اندر جبهه نور پاکان و الأجناب ور نه بر ادم

ملك در سجده ذا امر عجيب نور وانكه بنده خاك انه شيء عجاب
و ايضاً اول شبهه كه در ملت محمدى عليه و اله شرائف
التحيات بظهور رسيد رمع بن بطاخ معروف بود چه او
نيز در مقابله نص حضرت رسالت پناهى كه ايتونى بدوات
وقرطاس اكتب لكم كتابا لن تضلوا بعدى يعنى بياوريد پيش من
دوات وكاغذ تا از براى شما چيزى بنويسم كه اگر بان عمل كنيد
هرگز گمراه نشويد اول من صنف فى البديع وسماه بهذا الاسم
عبد الله بن المعتز اول كسيكه تصنيف كرد در معانى بيان
شيخ عبد القاهر جرجانى اول كسيكه احداث كرد فلسفه و
حكمت روم بود در زمان حضرت موسى اول من اشتهر بالفلسفه
ونسبة اليه الحكمه فلوطوخى بمصر اول من تكلم فى الرياضات
وافرده علما اوقليدوس اول كسيكه حله را عمارت كرد و در
انجا نزول نمود امير سيف الدوله صدقة بن منصور بن على
بن مزيد الاسدى اول كسيكه قاهره مصر را احداث كرد جوهر
غلام معز الدين الله علوى فاطمى اسماعيلى بود اول كسيكه
موصل را احداث نمود زوايد بن بيوراسف نام داشت و
نام او در لسان فرس نوادرشير بود ابن مقنع گويند كه اول
شهريكه بعد از طوفان نوح بنا كردند و بانى ان معلوم نيست
اول كسيكه اخراج علم طب كرد ارسطاطاليس بود از اهل
استخر در عهد اردشير بن دارا بوده اول كسيكه وضع كرد علم

طب را

طب را بقراط بود اول كسيكه تاريخ نهاد هجرت نبوى را
عمر بن الخطاب بود بمشورت مولاى متقيان امير المؤمنين
عليه السلام در سال شانزدهم هجرت وهو اول من وضع اسم
الديوان لدفتر يكتب فى اهل الجيش واهل العطية كما فى القاموس
وكانه توسع فيه بعد ذلك فسمى اتباع الملوك والامراء والحكام
الدنيويه جميعا باهل ديوان اول كسيكه جرجان را بنا كرد
يزيد بن مهلب بن صفره بود اول كسيكه از سادات عظام
موسويه در مشهد مقدس رضوى نقيب شد سيد طاهر بود
واز ان وقت تا اين زمان نقابت موسويه در نسل او باقيست
فى مجالس المؤمنين لمولانا القاضى نور الله الحسينى التسترى
نور الله مرقده اول كسيكه در شهر مصر در ترتيب حالات و
مقامات اهل بلد سخن گفت ذو النون مصرى بود اول من
تغنى ابليس ثم زمر ثم حوا اورده فى الغروس عن على بن ابى
طالب عليه السلام واول من دل على تركيب الافلاك و
قدر مسير الكواكب وكشف عن وجوه تاثيراتها ادريس عليه السلام
ذكره الثعالبى فى لطائف المعارف قلت وفى اخبار الامامية
ان اول من وضع علم الرمل واخبر بالملاحم وكتب اختيارات
السنة هو دانيال عليه السلام اول من زاد فى الكتاب بعد
الحمد لله واسئله ان يصلى على محمد صلى الله عليه واله كان
هرون الرشيد اول كسيكه حكم بلعن اعداى اهل بيت

علانیه کرد خاتم المجتهدین شیخ علی بن عبد العال الکرکی
قدس سره العالی و رساله لعنیه از مصنفات او است زیاده
از بیست نفر اصحاب را اسم برده است وآن نسخه در نزد مؤلف
موجود است اوّل اسبی که در راه اسلام پی کردند اسب
جعفر بن ابی طالب در موته بود چون بجادله کرد و از مرکب
پیاده شد اسب او را پی کردند در مجالس المؤمنین اوّل
من اتخذ الدفاتر للحساب فی الدیوان خالد بن برمك فی
ایام السفاح وکانت قبل ذلك تکتب فی ادراج اوّل من
خلع علی من ولده من اهل الدوله الرشید خلع علی جعفر
البرمکی حین ولده الوزارة اوّل من مات حتف انفه
رسول الله صلعم سید اجل مرتضی ره در کتاب مستفی این
دو بیت را از عبد الله بن ابی سفیان بن حارث در مدح
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل نموده است

وکان ولی الأمر بعد محمد	علی وفی کل المواطن صاحبه
وصی رسول الله حقا وجاره	واوّل من صلی ولدن جانبه

قال السیوطی اوّل من قال جعلت فداك ابن عمر قیل علی بن
ابیطالب قلت وکلامه ذلك منه ع فی مجالس مخاطبته مع
رسول الله صلی الله علیه واله کما نقل عن صاحب الکشاف
اوّل کسیکه آجر را پخته کرد هامان بود اوّل کسیکه انصار
را بر خلافت سعد بن عباده داشت خزیمه بود که او کفته علی ع

علیه السلام در خانه ساکن شده بتجهیز رسول خدا مشغول
شد و قرشی دیگر لائق اینکار نیست شیخ ابو جعفر طوسی ره در
کتاب امالی از قیس بن سعد روایة نموده قال سمعت علی بن
ابیطالب علیه السلام یقول انا اوّل من یجثو بین یدی الله
عزّ وجل یوم القیمة للخصومة یعنی حضرت امیر المؤمنین ع فرمود
که من اوّل کسی خواهم بود که نزد خدای تعالی جهة خصومت بمخالفان
خود زانو بر زمین خواهم زد در خبر است که مرد شامی خدمت
علی ع سؤال کرد از اوّل زنیکه دامن خود را بر زمین کشانید
فرمود هاجر بود هنگامیکه فرار کرد از دست ساره و سئل
عن اوّل من جرّ ذیله من الرجال قال قارون اوّل کسیکه
نعلین پوشید ابراهیم بود در عیون اخبار الرضا اوّل کسی
که از انصار در روز سقیفه با ابی بکر بیعت کرد بشر بن
سعد بن ثعلبه الخزرجی الانصاری بود در تواریخ الأمه
اوّل کسیکه در شعب عقبه بحضرت رسالت بیعت کرد
براء بن معرور انصاری بود و اوّل کسیکه رو بکعبه
نماز کرد و اوّل کسیکه بثلث مال خود وصیّت نمود اوّل
سری که در اسلام از شهری بشهری بردند سر عمر بن الحمق
الخزاعی ره بود که زیاد از تن جدا ساخت و بنزد معاویه
فرستاد اوّل کسیکه خواند در اخر خطبه انّ الله یأمر
بالعدل والاحسان الخ عمر بن عبد العزیز بود اوّل کسی

که قرائت کرد در اخر خطبه اِنَّ اللّٰه وَمَلٰئِکَتَهُ الخ مهدی عباسی
بود اول کسیکه تمنای مرگ کرد یوسف نبی بود قال السیوطی
اول من نقل من قبر الی قبر علی بن ابیطالب ع قلت وهو باعتقاد
المخالف لما هو الحق والتحقیق ثم قال اول من اتخذ الکیمیا
قارون وهو ایضاً اول من لبس الثیاب الحمر من اطال الثیاب
وسحبها کما ذکره الثعالبی اول زنیکه رسول خدا تزویج کرد
خدیجه بنت خویلد بود اول از پسران ادم صفی الله قابیل
بود اول فتنة فی بنی اسرائیل کانت فی النساء اول قضیة
ردت من قضاء رسول الله علانیة دعوة معاویة زیاد اخرجه
ابن عساکر عن سعید بن المسیب وغیره واخرج عن عمرو بن نجبه
قال اول ذل دخل علی العرب قتل الحسین علیه السلام و
ادعاء زیاد اول هاشمیة ولدت هاشمیة ولدت الهاشمی
ام علی بن ابیطالب علیه السلام فاطمة بنت اسد اول من نجی
النجی فی الاسلام علی بن ابی طالب علیه السلام وکانت
الخلفاء قبله یحبسون فی الدیار اول من استخرج الخمر فی زمن
نوح النبی علیه السلام وهو اول من اتخذ الکلب للحرسه
اول من اتخذ الجار بالجار والولی بالولی مروان بن الحکم
اول ذنب عصی الله به الحسد اول من اتخذ السلاح وجاهد و
استرق الرقیق ادریس علی نبینا واله وعلیه السلام بود اول
من قاتل فی سبیل الله ابراهیم علیه السلام حیث اسر لوط والروم

نمرا ابراهیم حتی استنقذ وهزمهم وهو اول من عمل الفتی کما عن
ابن عباس وعنه ایضاً اول من رکب الخیل اسماعیل وکانت
قبل ذالک وحشا اول ما یرفع من هذه الامة الحیاء والامانة
عن النبی انه قال فی زینة المجالس ان اول من سجد الی ادم
من الملائکة سجدة تحیة اسرافیل فکتب الله علی جبهته کل
القران اول من اتخذ المهرجان افریدون فی کامل البهائی
اول من ارتج علیه فی الخطبه عثمان اول من خطب جالسا
حین کثر شحمه وعظم بطنه معاویة اول من استراح فی الخطبه
یوم الجمعة عثمان بن عفان فی کتاب السیوطی وهو اول
من خطب فی العید قبل الصلوة واول من فوض اخراج
زکاتهم اول غزوة غزاها رسول الله صلی الله علیه واله
بنفسه غزوة ودان فی صفر من السنة الثانیة قبل بدر و
لم یحصل منها طلاق قال الغزالی فی کتاب احیاء العلوم
اول من سن دعوة المبتدعه بالمجادلة الی الحق علی بن ابی
طالب علیه السلام وقد ناظره الملحدة فی مناقضات
القران فی کتاب صراط المستقیم للشیخ نور الدین علی البیاضی
ره قال رسول الله صلی الله علیه واله اول من یاکل من
شجرة طوبی علی بن ابی طالب علیه السلام ایضاً فیه قال
علی حین بلغه انه یکذب علی من اکذب علی الله تعالی
فاول من عبده ام علی رسول الله فانا اول من صدقه ایضا

فيه عن سلمان قال النبي صلى الله عليه واله اولكم ورودا على
الحوض اولكم اسلاما على بن ابي طالب عليه السلام ايضا
فيه عن ابوذر قال النبي لعلي صلوات الله عليهما انت اول من امن بي
ايضا فيه عن زيد بن ارقم قال اول من صلى مع النبي صـ على
بن ابيطالب عليه السلام ايضا فيه قال خزيمه في ابيات

اذا نحن بايعنا عليا فحسبناه ابو الحسن مما نخاف من الفتن
الى قوله واول من صلى مع الناس كلهم سوى خيرة النسوان
والله ذو المنن ايضا فيه وقال كعب بن زهير حمد النبي وخير
الناس كلهم فكل من واحد بالفخر مفخور صلى الصلوة مع الامي
اولهم قبل العباد ورب الناس مكفور وقال ربيعة بن حارث
عند البيعة ماكنت احسب ان الامر منصرف عن هاشم ثم عن ابي
حسن اليس اول من صلى لقبلتهم واعلم الناس بالاثار و
السنن الى قوله ماذا الذي ردكم عنه فنعلمه ها ان اول
بيعتكم من اول الفتن ايضا فيه قال مالك بن عباده
رايت عليا لال بيت قرنه اذا ما دعاه حاسرا ومن صلا
هذا وفي الاسلام اول سلم واول من صلى وصام دهلا
وايضا فيه قال زفر بن زيد حوطوا عليا واحفظوه فانه وصي
وفي الاسلام اول اول وقال قيس بن سعد بن عباده
هذا علي وابن عم المصطفى اول من اجابه حين دعى ايضا
فيه عن ام سلمه والله لقد اسلم علي بن ابيطالب عليه السلام

اول الناس وماكان كافرا روى قتاده عن الحسن ان علي
اول من امن وهو ابن خمسة عشر سنة عن علي بن ابيطالب عليه السلام
قال اول من بغى في الارض وجاهر بالمعاصي واستخدم الشياطين
وحوهم في وجوه التسخير عنق ام عوج وكان قد انزل الله على ادم
اسماء العظيمة تطيعها الشياطين وامره ان يدفعها الى حواء
لتحرس بها فاغفلها عنقا وسرقها واستخدمت بها الشياطين
وتكلمت بشيء من الكهانة فدعا عليها ادم وامنت على ذالك
حوا فارسل الله اليها اسدا اعظم من الفيل فهجم عليها
وقتلها وذالك بعد ولادتها عوج بسنين في كنز اللبيب
لمعاصرنا الاديب الشيخ الفاضل احمد البغدادي دام عمره
اول من عاقب بالنار امرء القيس الثاني المعروف بالمحرق
في كنز اللبيب اول من قال الموت دون الجمل المجلل عبد
الرحمن بن عتاب بن اسيد بن ابي العاص بن اميه وكان
يقاتل يوم الجمل ذكره تجز في التواريخ اول من قال من مال
جد وجد غير محمود جد بن الحصين الحضرمي في المجمع
قال محمد بن كعب القرظي ان رسول الله صلى الله عليه واله
قال ان اول الناس دخولا الجنة لعبد اسود كذا في المجمع اول من
قال الحديث ذو شجون جنة بن اد بن طابخة بن الياس بن
مضر قال المفضل اول من قال ان البلاء موكل بالمنطق
ابو بكر اول من قال ان البيع مرتخص وغال احجة بن حلاج

الأرحی سید یثرب اوّل من قال ربّ ذارع لنفسہ حاصد سواہ
امو بن الضرب اوّل من قال ربّ رمیۃ من غیر رام الحکم بن عبد
الیغوث المنظری وکان ارمی اهل زمانہ قال المفضّل اوّل من
قال ذکرتنی الطعن وکنت ناسیا زهیم خون الهلالی اوّل من
رای اللحیۃ شیث بن آدم علیہ السّلام اوّل من جاهد فی سبیل اللہ
ادریس علیہ السّلام وعن عایشۃ انّ قال رسول اللہ صلی اللہ
علیہ واله وسلّم اوّل من یلحقنی منکنّ اطولکنّ بای فکنّا نتطاول
بالأیدی حتّی ماتت زینب بنت جحش فقلنا ما هذا الّا من
صدقتها وکانت امرأۃ ذات صنعۃ بیدها اوّل کسی کہ کفت
این مثل راغثّک خیر من سمن غیرک معن بن عطیہ مدحجی بود
بسبب انکہ در حربی کہ میان قبیلہ بنی مدحج وقبیلہ دیکر از
عرب واقع شدہ بود وبرادر معن روق را با مهتر بنی مدحج
اسیر کردہ وروق بحماقت وبیعقلی مشهور بود معن برفت و
برادر خود را از ایشان درخواست وباخود بحی رسانید
ایشان کفتند سیّد بنی مدحج وشاعر ایشانرا در دست
خصم بکذاشتی وروق احمق را بخواستی معن کفت غثّک خیر
من سمن غیرک در مناهج ونفائس الفنون محمود الدیلمی خیر
قلیل وفضحت نفسی کویند اوّل کسیکہ این مثل راز دفاقت
بود زن مرّۃ الأسدی واو خوبترین زنان عرب بود چون بحسن
فاش شد این مثل زد یعنی این حسن اندک چیز نیست ونفس

من بدان رسوا شد فی نفائس الفنون محمود الدیلمی اوّل
کسیکہ این مثل راکفت عش رجبا تری عجبا حارث بن عباد
بود وسبب ان بود کہ چون پیر شد یکی از زنان او بدخوئی
اغاز کرد حارث اورا طلاق داد مردی دیکر اورا بخواست زن
در مراعات ان مرد بغایت میکوشید وخوی نیک پیش می
کرفت انمرد پیش حارث نعت وشکر این زن میکفت حارث
این مثل زد فی نفائس الفنون اوّل کسیکہ این سخن کفت رسول
خدا صلّی اللہ علیہ واله بود کہ یا خیل اللہ ارکبی اوّل کسیکہ
این سخن راکفت ربیعۃ بن جواد الأسلمی بود کہ ما جعل العبد
کو تبر فی مجمع الأمثال الکرمانی اوّل کسیکہ این سخن کفت اکثم
بن صیفی بود کہ من استرعی الذئب ظلم فی مجمع الأمثال اوّل
کسیکہ این سخن کفت عامر بن الظرب بود کہ من طلب شیئا وجدہ
اوّل کسیکہ کفت من عزّ بزّ جابر بن رالان از بنی ثعل بود اوّل
کسیکہ کفت من یشتری سیفی وهذا اثرہ حوث بن ظالم بود اوّل
کسیکہ این مثل بزد کہ ما وراءک یا عصام حارث بن عمرو ملک
کندہ بود از ممالک عرب فی تاریخ مناهج جار اللہ الهلالی اوّل
کسیکہ این سخن کفت هذہ تبلک والبادی ظلم فرزدق شاعر
بود اوّل کسیکہ کفت العجب کلّ العجب بین جمادی ورجب
عاصم بن مقشر الضبّی بود اوّل کسیکہ کفت فی الصیف ضیعت
اللبن قول بنت العبد بود کہ مال ومنال بسیار داشت

از مرد خود طلاق کرفت و پشیمان شد میخواست که مرد رجوع
کند و شوهر او را نمیخواست برفت و شوهر دیکر کرد زوج اولین
را باز رغبتی تمام پیدا شد پیش زن فرستاد و اظهار تعلقی می
کرد زن کفت اترکتنی حتی اذا علقت ابیض کالشطن انشات
تطلب وصلنا فی الصیف ضیعت اللبن اول کسیکه کفت اسع
بجدک لا بکدک حاتم عبد الهمدانی بود اول کسیکه کفت شر عنک
خداش بن حابس التمیمی بود اول کسیکه کفت ذهب امس بما فی
ضمضم بن عمرو الیربوعی بود اول کسی که این سخن کفت خیر قلیل
وفضحت نفسی زن مره اسدی بود که خوب تر ازوی در زمان
عرب نبوده بحسن وجمال در جهان معروف کشت این مثل
بدان زد یعنی حسن چیزی اندک است و نفس من مبارک بدان
رسوا شد فی مناهج الطالبین اول کسیکه کفت ضالف تذکره
حظیه ام عتبه بود اول کسیکه کفت بواد غیر ذی زرع ابو العینا
بود در تاریخ آمده که وقتی ابو العینا از همدان باصفهان آمد
اتفاقا ان روز که وارد شد کودکان چنانکه عادت ایشان
جنک است سنک بیکدیکر میزدند سنکی بر سر ابو العینا
آمد بشکست اشنائی داشت بسی طلب کرد و نیافت با حالت
رنجور و مهجور با سر شکسته در کوشه مسجدی نشست و پای وی
از خستکی راه آبله کرده بود و کرسنه هم بود بامید آنکه در آن
مسجد از امام یا ماموم بجا آوا کرده شوند هیچ آفریده ملتفت

او نشد در انتظار طعام شب را بصبح برد بیخوابی کذرانید و از
غایت جوع آرام نداشت روز دیکر برخواست و بنزد آشنای خود مهلب
شتافت که وزیر مملکت بود از ابو العینا پرسید که در کدام روز
بشهر در آمدی کفت فی یوم نحس مستمر کفت در کدام ساعت
کفت فی ساعة العسرة کفت کجا فرود آمدی کفت بواد غیر ذی زرع
مهلب را حسن جواب او خوش آمد و تمامت اسباب او را مهیا
داشت و مرتب فرمود اول کسیکه کفت العود حق بان یحمد خداش
بن حابس تمیمی بود و حکایت او در کتب امثال مرقوم است که
بر زنی رباب نام عاشق شد آخر بوصل او رسید فی نفائس در
حدیث است که رسول خدا صلی الله علیه و اله در روز دو
شنبه دوازده شب از ربیع الاول کذشته بجانب مدینه
رفت و نصف النهار آن روز بود که بقباء آمد و در خانه
کلثوم بن هدم فرود آمد و تا روز جمعه انجا اقامه فرمود
پس عزم مدینه کرد و در بنی سالم نماز جمعه کذاشت و آن
اول صلوة جمعه بود که در اسلام کذاشته شد در مناهج
اول کسیکه هجرت کرد برای دین ابراهیم بود کما قال الله تعالی
وَاِنّی ذاهِبٌ اِلی رَبّی سَیَهْدِینِ رَبِّ هَبْ لی مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً
وَاَلْحِقْنی بِالصّالِحِینَ و مراد باین ذهاب هجرتست یعنی از
دار کفر هجرت کنم و در راه رضای تو بیرون روم در مناهج
اول جماعتیکه بندای خلیل الرحمن بحج خانه خدا شتافتند

اهالی یمن بودند و ایشان بشیر و بشیر بخ اید اوّل کسیکه
ذره بافت داود علی نبیّنا واله وعلیه السلام بود چنانچه خداوند
در قران مجید فرموده وَعَلَّمْنَاهُ اَلْحَدِیدَ لِدَاوُدَ وهر ذره را
چهار هزار درهم بفروختی و طعمه خود و عیال از ان دراهم مرتب
داشتی و باقی را بصدقه دادی و هرگز ذخیره ننهادی و فقراء
و مساکین را خوش داشتی در تاریخ و اوّل کسیکه زنبیل بافت
و بعضی گویند سلیمان نبی بود در مروج الذهب للمسعودی الشیعی
اوّل کسیکه در عرب برای میهمان ثرید شکست هاشم پدر
عبد المطّلب بود در مناهج اوّل کسیکه ملّة حنیفیه را تغییر داد
و اصنام و اوثان در حوالی کعبه بنهاد عمیر و بن لحا بود در اثار
امده که رسول خدا صلعم فرمود که شب معراج عمیر و بن لحا را دیدم
که در میان اتش دوزخ او را می کشیدند پرسیدم که با تو
دیگر کی هست گفت هر که متابعت من کرد تا ظهور نبوة تو با من
قرین خواهد بود در مناهج الطالبین اوّل کسیکه جهة هدیه
بیت الله شتران را قربانی کرد الیاس بن مضر بود فی تاریخ
الهلالی و اوّل کسیکه بعد از طوفان نوح و هدم و محو اثار
کعبه ارکان انرا پدید اورد و بر خلق ظاهر گردانید و اوّل
کسیکه از اولاد ان مضر که بعلّة سل وفات کرد او بود
اوّل کسیکه بعد از رسول وفات کرد و بدو پیوست زینب
بنت جحش زوجه ان جناب بود اوّل کسیکه در سقیفه

با ابوبکر بیعت کرد بشر بن سعد بود در ناسخ التواریخ است اوّل
سریکه حمل شد در اسلام و نقل از بلدی ببلد دیگر شد سر محمد بن
ابی بکر بود اگر صحیح باشد حملش بسوی معاویه مؤلف گوید
در احادیث شیعه ان سر سر عمرو بن الحمق الخزاعی است که از
اصحاب سید اوصیاء علی علیه السلام بود چنانچه گذشت
اوّل کسیکه قبا پوشید سلیمان نبی علیه السلام بود اوّل
کسیکه عمامه پوشید ذوالقرنین بود و بتحقیق پوشید عمامه
را از سبب قرنیه اوّل کلمه که ابراهیم در وقت باتش رفتن
میفرمود حَسْبِیَ اللهُ وَنِعْمَ الْوَکِیلُ اوّل کسیکه بعد از مرگ
سخن گفت هارون وصیّ موسی بود چون هارون رفت
یافت بنی اسرائیل متهم ساختند موسی را که او هارون را
کشته است زیرا که میل ایشان بسوی هارون بیشتر بود پس
خدا املهار برائت انحضرت نمود انکه امر فرمود ملائکه را
که هارون را مرده اوردند و بر مجالس بنی اسرائیل گردانیدند
و گفتند که خود مرده است و موسی بری است از کشتن او و این
وجه از حضرت سید الوصیین امیر المؤمنین علیه السلام
منقول است و در روایت دیگر انستکه موسی بر سر قبر هارون
امد و ندا در داد و هارون بامر حقتعالی از قبر بیرون امد
و گفت که موسی مرا نکشته است و باز بقبر برگشت و دیگر عزیز
نبی بود اوّل معجزه که در حضرت رسول خدا صلعم ظاهر گشت سایه

انداختن ابر بود بر سر ان حضرت در حیوة القلوب اوّل کسیکه
کتب یونانی را عربی کرد خالد بن یزید بن معویه بود فی زهر
الربیع در حدیث است که چهار روز عید فطر را عید قرار داده
شد زیرا که از برای مسلمانان اجماعی است که جمع می شوند در
ان روز پس حمد میکنند خدا را بر انچه منت کذاشته است بر
ایشان و بجهة ان روز اوّل سال است که در او اکل و شرب
حلال است بجهة انکه اوّل سال نزد اهل حق شهر رمضان
است که شهر رمضان اوّل شهور است نزد رسول خدا هم
چنانچه وارد شده است و در روایات و در تقویم المحسنین
فیض کاشی قدس سره تصنیفی که در اسلام شد خلاف است
و شیخ جلیل محمد بن شهر اشوب ره در معالم العلماء که نسخه
از ان کتاب در نزد مؤلف هست از غزالی شافعی نقل کرده است
که اوّل کتاب ابن جریج است در اثار و حروف التفاسیر از
مجاهد و عطا در مکه پس کتاب محمد بن راشد صنعانی در یمن
پس کتاب موطاء مالک در مدینه پس جامع سفیان ثوری
بعد فرمودند بلکه اصح از انستکه اوّل کتاب امیر المؤمنین ع
و بعد سلمان پس ابوذر پس اصبغ نباته پس عبد الله بن ابی
رافع پس صحیفه کامله و ابن جریج مذکور عبد الملک بن
عبد العزیز بصریست که در سال صد و پنجاه و پنج وفات
کرده و در کشف الظنون فی اسماء الکتب و الفنون دیده

شده است که از بعضی نقل که اوّل تصنیف سعید بن ابی عروبه
است که در ۱۵۶ وفات کرد و بعضی کفته اند ربیع بن صبیح
است که در سال صد و شصت وفات کرد و بعد سفیان بن
عیینه و مالک بن انس در مدینه و عبد الله بن وهب در
مصر و معمر و عبد الرزاق در یمن و سفیان ثوری و محمد بن
فضیل بن غزوان در کوفه و حماد بن سلمه و روح بن عباده
در بصره و هشیم در واسط و عبد الله بن مبارک در خراسان
اوّل کسیکه داخل خانه کعبه شد در زمان جاهلیة رسول
خدا ص بود که چون قریش کعبه را در جاهلیت خراب کردند
و خواستند بسازند نتوانستند پس در دل ایشان افتاد که
شخصی از ایشان کفت که هر یک از شما باید که پاکیزه ترین
مال خود بیاورید و نیاورید مالیرا که از قطع رحم یا حرام
دیکر بهم رسانیده باشید چون چنین کردند مانع برطرف شد
و متمکن کردیدند از ساختن ان پس شروع کردند در بناء
تا انکه بموضع حجر بود رسیدند پس منازعه کردند که کدام
یک حجر را در جای خود نصب کنند تا اینکه نزدیک شد
که در میانه ایشان حرب قائم شود پس راضی شدند بحکم
هر که اوّل از در مسجد الحرام در اید پس اوّل کسیکه داخل
شد حضرت رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم بود چون
بنزد ایشان امد و حقیقت حال خود را بعرض رسانیدند

حضرت امر کرد که جامه را پهن کردند و حجر را خود برداشت
و در میان جامه کذاشت و فرمود که رؤساء قبائل طرفهای
جامه را کرفته بلند کردند پس حضرت حجر را برداشت و در جای
خود کذاشت و حق تعالی او را باین کرامت مخصوص کردانید در
سبائک الذهب اصحاب حوارتیه کویند که اول روز یکشنبه
که اول دنیا است در عجائب المخلوقات اول کسیکه از اولاد اسماعیل
نبی الله علیه السلام کتاب اموخت و ۲۰ نوع خط بنوشت اد بن
هميسع بود در مظاهر الانوار اول کسیکه چهار نائب بر ربع
مسکون تعیین کرد که حکمت و شریعت او را رواج دادند ادریس
نبی است اول زنیکه حائض کشت حوا مادر ادمیان بود و ان
روز سه شنبه بود در عجائب المخلوقات اول کسیکه اختراع
کیوم کرد که موزه ایست معروف کیو بن کودرز بود در فرهنک
انجمن ارا مسطور است که در سفر ترکستان که بطلب
کیخسرو رفته بود و چند سال در ان بیابان میکشت و ان
موزه بود زیر ان چرم و روی ان ریسمان اکنون تکمیل یافته
متداول است و بهترین ان کیوه بیکانی است و بیکان دهی است
از اصفهان اول شهریکه در اراضی بلخ بنا کشت شهر پشنک است
در تاریخ هرات اول کسیکه کافر شد و کفر ایجاد کرد شیطان
لعین بود در عیون اخبار الرضا اول کسیکه متلفظ شد به
کلمه لا حکم الا لله برک بن عبدالله تمیمی بود در کتاب ارشاد

مفید ره موسوم بتحفه سلیمانی مؤلف کوید که این برک نامش
حجاج است و کسی است که میخواست معاویه را بقتل برساند
و با ابن ملجم و عمر بن بکر هر سه هم عهد شدند در باب قتل سه تن و قصه
انها مشهور است اول کسیکه پارسی کفت پارس بن هوشنک
بن سیامک پیشدادی بود در تاریخ در فرهنک انجمن ارای
ناصری امده اول کسی که کلاه درویشی ساخت که چندین
ترک دارد ولی الله شیخ صفی الدین شاه اسماعیل صفوی او رحمة الله
علیه بود که شاه اسماعیل صفوی مروج طریقه اثنی عشری
برای تمیز این طبقه از دیکران از ماهوت سرخ کلاه دوازده
ترک دوختن فرموده بود و در هر ترکی نام یکی از ائمه اثنی عشری
دوخته و این اعلا خلعتی و افسری بود که بر بزرکان شیعی داده
شده است اول کسیکه در مکه کاغذ ساخت میکائیل نام
کشمیری بود و ان در سنه هشتاد و هشت هجری بود در فرهنک
انجمن آرا اول کسیکه حضرت امام حسن عسکری جهة وکالت
حضرت صاحب الامر علیه السلام منصوب ساخت عثمان
بن سعید العمری اول کسیکه با رسول الله ص در مسجد نماز
کذاشت امیر المؤمنین علیه السلام بود در خصائص النسائی
اول کسیکه ختنه کرده شد از زنان هاجر مادر اسماعیل
بود که ساره او را ختنه نمود و این مرسوم ماند در نزد مردم
در مآثر سلطان امده اول پادشاهیکه نام خلیفه را از

خطبه بیفکند طاهر ذو الیمینین بود اوّل کسیکه قرشیّت
برای او ثابت شد مالک نضر است زیرا که قریش لقب نضر است
در نفائس الأخبار اوّل کسیکه در حبس منصور دوانقی هلاک
شد عبد الله بن حسن بن حسین بن علی بن ابیطالب علیه السّلم بود
اوّل سلاطین عباسیان ابو العبّاس سفّاح بود فی التّواریخ
و در کتاب بضاعة الایمان آمده که معاویه هزار کس را بعلّة
دوستی امیر المؤمنین علیه السّلام بقتل رسانید و اوّل کسی بود
که در میان صفا و مروه سواره سعی نمود و اوّل کسی بود که علانیه
شرب خمر میکرد و ساز و سرود بان ملحق ساخت و میل بخوردن
اکل و اباحه آن نمود و اوّل کسی بود که بحیله و مکر کتابت
نمود و اوّل کسی بود که سر مسلمانان برای وی بهدیه آوردند
و اوّل کسی بود که بر تخت سلطنت نشست و تشبه بلکاسره
و فراعنه شد و اوّل کسی بود که بموت مسلمانان شماتت میکرد
چنانکه در تواریخ و سیر مسطور است که وقتی که خبر شهادت
امیر المؤمنین ع بان ملعون رسید امر کرد که مردم شام بعیش
و عشرت مشغول شدند و اوّل کسی بود که با مشرکان بی اخذ
جزیه صلح کرد و اوّل کسی بود که بت فروخت و بت فروشی
را برقرار نهاد و هر ساله چندین کشتی بت بطرف هند می
فرستاد که فروخته قیمت انرا از قماش و متاع بیاورند
وانرا تجارت نام نهاد و چشم داشت ثواب هم داشت و اوّل

کسی بود که اسیر مسلمانان بفروخت و اوّل کسی بود که خلافت را
در میراث نهاد و حواله در میراث نهاد و حواله بر پسر خود کرد
و اوّل کسی بود از پادشاهان اسلام که زندان ساخت و مقصوره
در مسجد ساخت و خواجه سرایان بخدمت خود تخصیص کرد و
اوّل کسی بود که نشسته میخواند بواسطه سمن و عظم شکم بر پای
نمیتوانست بایستد و اوّل کسی بود که جسد مسلم را در جوف
شکم خر مرده گذاشت و سوزاند اوّل کسیکه اخبار را بچهار
قسم منقسم ساخت احمد بن موسی بن طاوس بود پس علامه حلّی
وی را متابعت و در زید از علمای اعلام نیز همان طریق را سلوک
داشتند در روضات الجنّات للسیّد العالم الفاضل المعاصر المیر
محمد باقر الموسوی الخونساری مدّ ظلّه اوّل از علامات
ظهور حصار بستن در دور کوفه است بحصار و خندق اوّل
جماعتی را که مختار بن ابی عبیده ثقفی بدست آوردان ده
تنی بودند که خیول بر بدن شهداء ع تاختند آوردند آنجماعت
را پس حکم کرد که ایشان را بر پشت خوابانیدند و میخهای
آهنین بر پشت و دستها و پاهای ایشان کوفتند و سواران
خود را گفت که بر روی اجساد خبیث ایشان تاختند تا قطعه
قطعه شدند پس از این ایشانرا باتش سوزانیدند اوّل کسی
که با ابوبکر بیعت کرد شیطان ملعون بود اوّل فرجی که از
بنی هاشم بغصب گرفته شد ام کلثوم بود دختر امیر المؤمنین

علی علیه السّلام بود که عمر بن خطّاب بزور خطبه کرد مؤلّف گوید
این مطلب را گواهی است فی الحدیث قال الصّادق علیه السّلام
هو اوّل فرج غصب منّا فی کامل البهائی وغیره فاضلی ردّ
کرده است ورساله ردّ موسوم بارغام اناف الخصوم است
آنچه معلوم میشود از اخبار وتاریخ بدستیاری عبّاس باتمام
رسید بعینه این عقد چون عقد آسیه بنت مزاحم بود با فرعون
اوّل کسیکه با امیر المؤمنین ع بیعت کرد طلحه وزبیر بودند
وبعد بیعت را شکستند اوّل کسیکه غالی شد در حقّ اسد الله
الغالب علی بن ابیطالب ع نضیری بود فی مفرح الأخبار
اوّل کسیکه نماز بر پیغمبر گذارد خدای عزّ وجلّ در بالای عرش
کبریائی خود پس از آن جبرئیل بعد میکائیل واسرافیل و
ملائکه مقرّبین وامیر المؤمنین علیه السّلام اوّل دفعه که
پیغمبر صلّی الله علیه وآله بیعت امیر المؤمنین علیه السّلام
را از انصار وخلفاء گرفت در دار النّدوه که موضع شوری
بود دوّم در بیعت رضوان در زیر درخت در سال حدیبیه
سوّم در روزیکه نشسته بود در خانه امّ سلمه چهارم در غدیر
خم اوّل کتابی که در حدیث ساخته اند موطّاء مالک
بود وشافعی گوید ما اعلم شیئاً بعد کتاب الله اصحّ من موطّاء
مالک اوّل کسیکه در علم درایه تصنیف کرد ابن حجر مکّی
بود در روضات الجنّات اوّل نامهای کلام الله المجید

قرآن است در نفائس الفنون اوّل کسیکه بسنگ مقناطیس
رسید وبخاصیّت او علم بهم رسانید حکیم دانشمند باهوش
مستر کلمبس بود وی مردم جزیرة العرب وبلغت عربی وتمامی
السن مردم فرنگ عالم وصاحب عزم بلند بود موجب
فنون ریاضی وهندسی بطریقه فرنگ اوست از مقناطیس
قطب نما بساخت وبجهات عالم آگهی یافت که در روشنی و
تاریکی روز یا شب در دریا وخشکی بهر سمت که خواسته باشد
رسد وجهاز با این دستگاه واسباب آن بنحویکه رواج
دارد از نتایج افکار آن وحید عصر است در کتاب تحفه
العالم سیّد عبد اللّطیف خان نجل سید نعمة الله جزائری
شوشتری مؤلّف گوید این حکیم جلیل اوّل کسیستکه عالم
دیگر را که او را ینگی دنیا وامریکا نامند ظاهر واشکار کرد
اوّل کسیکه دست بیعت شاهی بهرام گور در او ورد خسرو
کسری بود که مدّعی سلطنت بود در منتخب الحکایات
اوّل کسیکه حضرت قائم آل محمّد را شست رضوان خازن
بهشت بود با جمعی از ملائکه مقرّبین که او را با آب کوثر و
سلسبیل شستند بعد از آن شست او را حلیمه خاتون
دختر حضرت امام محمّد بن علی الرّضا علیهما السّلام در نجم
الثّاقب العلّامة النّوری مدّ ظلّه اوّل کسیکه نسب آل
ابی طالب را جمع کرد سیّد یحیی نسّابه است صاحب کتاب

انساب آل ابی طالب واز معروفین و رواة است واوجد عالم
جلیل سید حسن بن شد قم مدنی است فی نجم الثاقب
للفقیه النبیه العالم العامل الکامل المولانا الجلیل حاج میرزا
محمد حسین نوری طبرسی نور الله قلبه اوّل کشته که از خون او
باز خواست میشود محسن در خون طپیده فرزند فاطمه زهراء
سلام الله علیها است در رساله شیخ عارف احمد احسائی اوّل
ایه که در قتال امد این بود فقاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم
الخ فی جواهر التفسیر لملا محمد المدعو بمحسن الکاشانی در دعای
لعن امده اللهم العن اوّل ظالم ظلم حق محمد و آل محمد و آخر
تابع له علی ذلک اوّل کسیکه بقتل صبر در اسلام رفتار کرد
وعبد الرحمن بن حسان را بمحبت امیر المؤمنین علیه السلام
بروایت ابن اثیر وابن خلدون زنده دفن کرد عبید الله بن زیاد
بود واوّل کسیکه ولایت عراقین کرد واوّل کسیکه سب
علی بن ابیطالب علیه السلام را در عراقین تشیید وترویج داد
پیغمبر اکرم صلعم فرمود یا علی اوّل کسیکه سر از زمین برمیدارد
محمد ص است بعد تو واوّل کسیکه پوشیده میشود محمد است
بعد تو پس امیر المؤمنین علیه السلام بر روی زمین افتاد و
سجده حق بجای اورد وحمد کرد فی مناقب موفق الدین الخوارزمی
المکی اوّل کسیکه یحیی نامیده شد یحیی ع بن ذکریا بود قال
الله تبارک وتعالی یا ذکریا انا نبشرک بغلام اسمه یحیی لم نجعل

لم نجعل

له من قبل سمیا اوّل نبی نبأه الله بعد ادریس نوح علیه السلام
وهو اوّل نبی نسخت شریعة ادم علی نبینا وآله وعلیه السلام
وهو اوّل نذیر من الشرک لاهل الارض وهو من اولوا العزم
وهو اوّل نبی عذبت امته بدعوته اوّل هاشمیة ولدت لهاشمی
فاطمة بنت اسد ام امیر المؤمنین علیه السلام وجعفر وعقیل
وطالب اوّل من قال جعلت فداک علی علیه السلام لما دعی
عمرو بن عبد ود الی الرزم والمحاربة یوم الخندق ولم یجبه
احد قال علی علیه السلام جعلت فداک یا رسول الله ائذن
لی قال انه عمرو بن عبد ود قال انا علی بن ابیطالب فخرج الیه
فقتله فاخذ الناس منه اوّل من اخذ مال الناس بالظلم
الضحاک اوّل من سمی عبد الملک فی الاسلام عبد الملک
بن مروان اوّل من غزل حوا غزلت صوف الضان ونسج
ادم جبة لنفسه ودرعا وخمارا لحوا اوّل من وضع البقول
فی الخوان کیخسرو بن سیاوش اوّل من عمل قصعة یشرب الماء
واللبن ونحوهما قینان بن انوش بن شیث بن ادم قال الشیخ
جمال الدین بن النبابه اوّل من غنی علی العود بالحان الفرس
النظر بن الحرث بن کلده اوّل من غنی فی الاسلام بالحان الفرس
سعید بن مسجح اوّل من اتخذ العود بطلیموس الحکیم اوّل شبهة
وقعت فی البریة شبهة ابلیس لعنه الله ومصدرها الاستبداد
بالرای فی مقابلة النص واختیاره الهوی فی مقابلة الامر د

الاستكبارة بالمادة التي خلق منها وهي النار على مادة ادم ع
عليه السلام وهو الطين اول من صلى الجمعة في البحرين بعد افتتاحها
في الدولة المصطفوية المنتهية الى الشاه سلطان حسين الموسوي
الصفوي الحسيني الشيخ محمد بن الحسن رجل المعاني صلاو الاصابع
منزلا كذا في لؤلؤة البحرين وروضات الجنات وغيره اول من ترك
مطالعة احاديث العامة العمياء من هذه السلسلة العلية
الدشتكية واشتغل بتشييد قواعد الحكمة والكلام على سياق
ارباب البصيرة من طوائف الاسلام هو جناب العالم الحكيم
الامير غياث الدين منصور بن الصدر الدين الحسني الحسيني
الشيرازي الدشتكي الاول صاحب مدرسة المنصورية بالشيراز
في حبيب السير وغيره اول من خلع عليه السواد العالم الصفي
السيد الرضي كذا في عمدة الطالب في انساب آل ابي طالب اول
كسيكه مادرش دختر حضرت امام حسين ع است عبد الله
بن محض بن الحسن المثنى وفاطمه طاهره دختر سيد الشهداء
زوجه حسن المثنى بن الحسن المجتبى عليه السلام سه پسر داشت
اول عبد الله المحض دوم ابراهيم الغمر سوم حسن وابراهيم
غمر الحسني الحسيني جد امجد مؤلف كتاب است وپسر او اسمعيل
ديباج است وپسر او ابراهيم ملقب بطباطباء است ونسب اين
فقير بسي ودو واسطه بحضرت امام ثاني حسن بن علي بن
ابي طالب عليهما السلام است واز سلالة طباطباء الحسني

الحسيني ميباشم بدين طريق شجره جمال الدين السيد محمد الحائري
مؤلف هذا الكتاب ابن السيد العلامه حسين الطباطبائي
اليزدي بن السيد مرتضى بن السيد احمد بن مير حسين بن
مير سامع بن مير غياث بن مير محمد مؤمن بن السيد نور الدين
بن السيد مراد بن الشاه اسد الله بن السيد جلال الدين امير
بن الحسن بن مجد الدين بن قوام الدين بن اسماعيل بن عباد
بن ابي المكارم بن عباد النسابة بن طاهر المدفون بالخوزستان
بن ابي الحسين علي الشاعر بن ابي الحسن محمد الشاعر الاصفهاني
المتوفى سنة اثنين وعشرين وثلث مائة بن احمد بن ابي
جعفر محمد بن ابي عبد الله احمد الرئيس بن ابراهيم الملقب
بطباطباء بن اسماعيل الديباج الاصغر المكنى بابي ابراهيم
الملقب بالشريف الخلاص بن ابراهيم الغمر المتوفى مع اخيه
عبد الله المحض وجمع من السادة في حبس المنصور بن الحسن
المثنى بن الامام المجتبى سبط المصطفى ابي محمد الحسن بن الامام
ابي الائمة امير المؤمنين علي بن ابيطالب عليهم السلام اول
كسيكه مادرش دختر امام حسن است امام محمد باقر فرزند
امام زين العباد عليهما السلام ميباشد اول بنائيكه در
ولايت خراسان واقع گشت قصبه فوشنج است در روضة
الصفا اول بقعه كه در خراسان ساخته و پرداخته شد
قلعه شميرانست در روضة الصفا اول كسيكه امر كرد مردم

را بچنه کردن ابراهیم خلیل بود چنانکه در حیوة القلوب
مسطور است اول کسیکه سعی صفا و مروه را سواره کرد معاویه
بود و اول کسیست که میل بخوردن گل کرد و انرا حلال دانست
فی تذکرة الأئمة اول کسیکه بثلث مال وصیت کرد براء
بن معرور انصاری بود و اول کسیست که وصیت در قبر
بجانب قبله قرار داده شود و اول کسیستکه در استنجا استعمال
آب نمود اول الأیات طلوع الشمس من مغربها مؤلف گوید
اول ایات قیامت است که پیش از نفخ صور واقع می شود اول
کسیکه اقرار بر بوبیت کرد در وقتیکه خدا فرمود الست بربکم
حضرت رسول خدا بود در علل الشرایع از حضرت امام محمد
جعفر الصادق علیه السلام روایت شده که فرمودند از حضرت
پیغمبر ص پرسیدند که بچه سبب سبقت گرفتی بر پیغمبران و
از همه بهتر شدی و حال انکه بعد از همه مبعوث شدی فرمود
که زیرا که اول کسی بودم که اقرار بپروردگار خود کردم و اول
کسیکه جواب گفت در وقتیکه حق تعالی میثاق و پیمان گرفت
از همه پیغمبران و گواه گرفت ایشان را بر نفسهای ایشان که
گفت الست بربکم آیا نیستم من پروردگار شما گفتند بلی پس
اول پیغمبری که بلی گفت من بودم پس سبقت گرفتم بر ایشان
در اقرار بخدا اول کسیکه وسمه ساخت هامان بود بجهة
فرعون که آن وسمه را بموی خود خضاب کرد سیاه شد

وفریب خورد فرعون از هامان فی تواریخ و زبدة ابتداء وسمه
در زمان فرعون بود بروز و ظهورش از سارود و غارود که
دو برادر بودند گردید تعلیم نمودند جماعتی را در خبری ۱۲
هزار الی سی هزار نوشته اند فی تواریخ السیر اول رسولیکه
امت بدعای او هلاک شدند نوح علیه السلام بود در
روضة الصفا اول نعم طیب ولادت است در معانی الأخبار
مرویست از حضرت رسول خدا ص که فرمود من احبنا اهل
البیت فلیحمد الله اول النعم قیل وما اول النعم قال طیب
الولادة ولا یحبنا الا من طاب ولادته ولا یبغضنا الا من
خبث ولادته اول بقعهٔ که خدا را بر روی ان عبادت
نمودند دشت کوفه بود که غری باشد از حضرت علی بن
ابیطالب ع منقولستکه اول بقعهٔ که خدا را بر روی ان
عبادت کردند دشت کوفه بود که نجف اشرف باشد چون
خدا امر کرد ملائکه را که ادم را سجده کنند در انجا سجده کردند
در حیوة القلوب و اعتقاد شیخ عارف احمد احسائی اینستکه
جنت اول موجود است چنانچه در شرح و معنی حدیث و
روح القدس فی جنان الصاغوره ذاق من حدائقنا الباکوره
الخ رجوع نمایند و اعتقاد من بنده اینست که جنت و هر چه در
او است از برکت نور حضرت سید الشهداء ع خلق شده است
محمد بن جریر طبری گوید اول کسیکه با امام حسن علیه السلم

بیعت کرد قیس بن سعد بن عباده خزرجی انصاری بود
وگفت با تو بیعت میکنم بحکم خدا و سنت پیغمبر خدا وجهاد
با دشمنان خدا حضرت امام حسن فرمود بیعت کن بحکم
خدا و سنت رسول کذا فی ناسخ اول کسیکه از اولاد علی بن
ابیطالب ع که در زمان عباسیان حاکم مکه و مدینه شد
عبید الله بن حسن بن عبد الله بن فضل بن عباس بن علی
بن ابیطالب ع بود فی نفائس الفنون آئلی اول ما کتب الله
فی اللوح المحفوظ انی انا الله لا اله الا هو انا من رضی عنه
والده فانا منه راض ومن سخط علیه والده فانا علیه ساخط
فی مصابیح القلوب قال الخواجه ع ان اول الفرائض بعد
معرفة الله ثم الصلوة واول ما یحاسب به العبد الصلوة فان
قبلت قبل ما سواها وان ردت رد ما سواها فی مصابیح القلوب
اول خلیفه من بنی هاشم علی بن ابیطالب علیه السلام فی
سبائك الذهب اول کسیکه دعوی حضرت نبوی را اجابت
کرد شاه مردان و شیر یزدان بود گفت کمر خدمت را از ان
بر میان بسته ام تا هرچه فرمائی بدان قیام نمایم
من کمر بستم بجان و ایستادم منتظر تا چه فرمائی توانیش نا بجا من ان کنم
و در جائی آورده چون در ایمان بر همه سابق بود گفت سبقتکم
الی الاسلام طرا غلاما ما بلغت اوان حلمی در مصابیح خواجه
صلی الله علیه واله فرمود که میدانید اول کسیکه در بهشت

رود که باشد گفتند خدا و رسولش عالم ترند گفت درویشان
مهاجر که تفرهای مسلمانان بدعاء ایشان دفع کردند در
مصابیح القلوب در خبر است که سید رسل چون از سفری
مراجعت میفرمود اول بخانه فاطمه زهراء سلام الله علیها
رفته از او تفحص احوال میکردند خداوند در شب معراج
بحبیبش محمد فرمود یا محمد علی ع اول من اخذت میثاقه من
الاوصیاء وعلی اخر من اقبض روحه من الاوصیاء فی
مصابیح القمر اول منزل من منازل الاخره واخر منزل
من منازل الدنیا فی الخبر چون اسلام نو می شد جبرئیل
امد که حق تعالی میفرماید که درهائیکه در مسجد گشاده اید
بر ارید جماعتی از اصحاب گفتند همانا ابن خطاب با ما نباشد
اول کسیکه سازان کرد که در بر او زد علی بن ابیطالب ع
بود خواجه ع بحجره فاطمه در امد و علی ع را گفت ای
علی تو از منی و من از تو انت منی وانا منك اول من
امن بالبدا عبد المطلب اول ملوك برومیه غالیوس
فی ابن اثیر صید انی در لغة الثرد والثرید می نویسد فی
الحدیث اول من ثرد الثرید ابراهیم واول من هشم الثرید
هاشم وکان الفرق بینهما ان الثرد فی غیر الیابس والهشم
فیه قال الجوهری الهشم کسر الیابس یقال هشم الثرید وبه
سمی الهاشم فی سامی السامی اول زمینیکه خدای تعالی بما من

خلق قرار داد قبل از آنکه مکّه را حرم خود کند زمین کربلا
بود در تاریخ عسکری سیف ذی زن وقتیکه حاضر مجلس
عبد المطّلب شد عبد المطّلب گفت ای پادشاه دیشب
در ریش تو موهای سفید دیدم که امروز نمی‌بینم سیف گفت
من خضاب میکنم گویند او اوّل کسی بود که خضاب کرد در
حیوة القلوب اوّل کسیکه وضع کرد و مرتّب ساخت مادّه
تواریخ ولادت و وفات را امیر عبد الجواد رضوی بود در
سنه در وفات یکی از عرفاء هندوستان از آن وقت الی
زماننا هذا معمول افتاده خاصّه در نزد افاضل هندوستان
ابو الصّلت هروی گفت خدمت امام رضا عرض کردم
که چون حضرت قائم شما خروج کند اوّل کاریکه میکند
چیست فرمود اوّل کاریکه میکند قطع میکند دستهای
طائفه بنی شیبه را زیرا که ایشان دزدان خانه خدا
هستند در عیون اخبار الرضا اوّل کسیکه از درخت
تخته گرفت و خانها را در فرمود ساختند هوشنگ بود در
مناهج الطّالبین اوّل کسیکه از ملوک دعوی خدائی
کرد جمشید بود در مناهج اوّل من یدخل الجنّة فاطمه سلام
الله علیها فی انوار الهدایة لملا محسن فاضل یزدی اوّل
من یلحق بالنّبی فی الجنّة من اهل بیته فاطمه سلام الله علیها
فی انوار الهدایة لفاضل المذکور اوّل کسیکه زیر جامه

پوشید ابراهیم نبی بود در انس العالم و در علل الشرایع
از حضرت صادق علیه السّلام مرویست که خداوند وحی
فرستاد بسوی ابراهیم که زمین شکایت دارد نزد من بجهة
حیا از دیدن عورت تو پس قرار ده میان خود و میان او
حجابی پس قرار داد چیزیکه بزرگتر از جامه و پست تر از
سراویل بود پس ابراهیم پوشید و آن تا زانوهایش بود مؤلّف
گوید که ظاهر اینستکه آن تبان باشد که از زیر جامه کوتاه‌تر
و از زانو چهار انگشت تجاوز کند و دیده‌ام ملاحان کشتی
بحر میپوشند و بهمین ستر عورت را میکنند اوّل کسیکه
بیعت کرد با مسلم بن عقیل در کوفه مختار بود فی روضة
المجاهدین اوّل کسیکه امر کرد بقطع دست فرعون بود
وقتیکه سحره ایمان بموسی آوردند فرعون گفت سزا دهم
شما را و آن اینست لَاُقَطِّعَنَّ اَیْدِیَکُمْ وَاَرْجُلَکُمْ مِنْ خِلَافٍ
وَلَاُصَلِّبَنَّکُمْ اَجْمَعِیْنَ فی زبدة التصانیف اوّل ما انزل القمح
علی آدم کان قد ربیض النعام وقیل له هذا رزقك و رزق
بنیك فقم فاحرث و ازرع ولم تزل الحبة علی ذالك ثمّ نزل
علی قد ربیض الدجاج ثمّ الی الحمامة ثمّ الی البندق وکان
فی زمن عمر بن عبد العزیز علی قدر الحمصة فی حیوة الحیوان
للدّمیری وقال ایضاً اوّل من زرع حبة الحنطة آدم علی
نبیّنا و آله و علیه السّلام و و فی الخبر ان الله تعالی انزل

علی آدم ثورا احمر و بقرة حمراء فحرث بهما فاتاه جبرئیل
بثلاث حبات من الحنطة فدفعها آدم علیه السلام حتی
صرن قطعا ثم زرعها و نثر نخالتها فنبت الشعیر فلما بقیت
البقرتان بالحراثة الخ قال بعض العرفاء منه شیخ عزیز النسفی
قال رسول الله اول ما خلق الله العشق اول ایام عجوز
بیست و ششم شباط باشد خدای تعالی قوم عاد را هلاک
کرد عجوزی از ایشان بماند و بر ایشان نوحه کردی و مرثیه
گفتی بدلالت سبب آن ایام را عجوز گویند و عجز بحسب لغة
آخر را گویند و این ایام را بجهة آن عجوز گویند که آخر زمستان
است و نوروز اول روزیست که آفتاب ببرج حمل رسد
و در انوار النعمانیة در کیفیت ظهور امام عصر آورده که
اول روزیست که در آن آفتاب طلوع کرد اول کسیکه
پادشاه شد کیومرث بود چنانچه اشاره شد و کیومرث
لفظی است سریانی بمعنای عربی حی ناطق و بفارسی
زنده گویا باشد و بعضی کیومرز دانند کیو بمعنی بزرگ
و مرز یعنی زمین و در روضة الصفا هست چون قبل
از تصدی او بر اسم ایالت و سروری انواع جور و تعدی
و هرج و مرج و احوال ساکنان ربع مسکون راه یافت
طائفة از عقلا و اشراف در باب دفع ظالم و بیداد اندیشه
تمام بجای آوردند انتظام عالم و نسق و ترفیه احوال بنی

آدم را بوجود مدبری ذو اقتدار و فرمان دهی رفیع مقدار
یافتند که ذات پسندیده سماتش بحلیه نصفت و معدلت
آراسته بود تا طبقات رعایا بل کافه برایا از آسیب تعرض اهل تمرد
و طغیان سالم مانده در مهاد استراحت مرفه و آسوده زندگانی کنند بعد از
و استشاره قرعه اختیار بنام کیومرث افتاد و او چون بپیمان
اهل ملک و ملت را در باب مطاوعه بایمان مؤکد گردانید
و تاج شاهی بر سر نهاد و بر سریر سلطنت متمکن گشت
فردوسی گوید:: نخستین خدیو که کشور گشود الخ اول
کسیکه در جاهلیه خمس مال خود را در راه خدا داد عبد
المطلب بود کذا فی حیوة القلوب ابن عباس گفت رسول
خدا فرمود صدیقان امت سه اند اول حبیب نجار دوم
حزقیل سوم علی بن ابیطالب علیه السلام و علی افضل از
همه صدیقان است در صواعق المحرقه ولی در بعضی از نسخ
بنظر حقیر این طور رسیده است سباق الامم ثلاثة لم یکفروا
بالله طرفة عین علی بن ابیطالب و صاحب یاسین و مؤمن
آل فرعون و هم الصدیقون و علی افضلهم شیخ در امالی
بسند خود از قیس بن سعد بن عباده روایت کرده که از
حضرت علی بن ابیطالب شنیدم که فرمود انا اول من یخاصم
بین یدی الله عز و جل للخصومه یعنی من اول کسی هستم که
در روز قیامت برای خصومت زانو بر زمین خواهم زد در

غایة المرام و اول چیزیکه از اسباب شفاعت است و فاطمه
طاهره بمحشر بیاورد عمامه خون آلوده شوهرش علی است در
مجمع المعارف از عامه است در تفسیر آیه وَمَنْ یُسْلِمْ وَجْهَهُ
اِلَی اللّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ انس بن مالك کوید این آیه در شان علی ع
نازل شد و اول کسی بود که بخدا ایمان آورد وَهُوَ مُؤْمِنٌ
مُحْسِنٌ ذکره ابن شهر آشوب فی تصنیفه اول کسیکه ایمان
برسول خدا آورد و متابعت کرد از زنان خدیجه و از مردان
امیر المؤمنین علیه السلام بود فی سیر النبی و مناقب مرتضوی
و جامع الاصول قال علی علیه السلام انا صلیت مع رسول
الله سبعة سنة قبل ان یسلم احد و یصلی احد اول کلمه که
بر لواء حمد نوشته شد بسم الله الرحمن الرحیم بود بعد الحمد لله
رب العالمین بعد لا اله الا الله محمد رسول الله علیا
ولی الله اول مطر نزل من السماء فی یوم عاشورا و اول
رحمة نزلت فی یوم عاشورا فی غنیة الطالب الشیخ عبد القادر
الجرجانی فی مجلس فضیلة یوم العاشورا قال رسول الله
صلی الله علیه و آله و سلم اول من اتخذ علی بن ابیطالب
اخا من اهل السماء اسرافیل ثم میکائیل ثم جبرائیل و
من احبه منهم حملة العرش ثم رضوان خازن الجنة ثم
ملك الموت و ان ملك الموت یترحم علی محب علی بن ابی
طالب علیه السلام کما یترحم علی الانبیاء یعنی اول

کسیکه کرفت علی بن ابی طالب را ببرادری کرفت از
اهل آسمان اسرافیل است بعد از ان میکائیل پس از ان
جبرائیل و اول کسیکه دوست داشت علی را از اهل آسمان
حاملان عرش شدند و بعد از ان رضوان خازن بهشت بعد
عزرائیل و بدرستیکه ملك الموت ترحم میکند بر انبیاء
در مناقب المرتضوی و قال علی فی خطبة الحمد لله الاول
فلا شیئ قبله والآخر فلا شیئ بعده والظاهر فلا شیئ فوقه
والباطن فلا شیئ دونه فی نهج البلاغة از ابو ذر غفاری
و سلمان فارسی مرویست که پیغمبر ص دست امیر ع را بدست
حق پرست خود کرفت و فرموده ان هذا اول من آمن بی
و نیز از سلمان روایت شده است که آن سرور فرمود اول
هذه الامة ورودا علی الحوض اولها اسلاما علی بن ابیطالب
علیه السلام خزیمة بن ثابت الانصاری در مدح علی علیه السلام
میفرماید ما کنت احسب هذا الامر منصرفا عن هاشم
منها عن ابی حسن الیس اول من صلی بقبلتهم و اعلم
الناس بالفرقان والسنن و یکی از فصحای عرب اشاره
بسبقت اسلام امیر ع نموده میکوید قل لابن ملجم و
الاقدار غالبة هدمت و ذالك الاسلام ارکانا رسول
خدا فرمود که ساعتی پیش از این جبرئیل امین بر من نازل شد
و کفت انکشتر عقیقی در دست کن زیرا که عقیق اول سنکی

است که شهادت داد و اقرار کرد از برای خدا بر وحدانیت
و از برای تو بنبوت و از برای علی بوصایت و از برای اولاد او
بامامت و از برای شیعیان علی بدخول بهشت در غایة المرام
از ابن معازلی در نص رسول بر علی قال النبی صلی الله علیه و
اله یا علی انت اوّل المسلمین اسلاما و اوّل المؤمنین ایمانا
سید اجل محدث علامه بحرانی در غایة المرام نقل از ابن بابویه
مینماید که وی بسند صحیح از حضرت صادق روایت کند یهودی
خدمت حضرت امیر المؤمنین امد و عرض کرد مرا خبر ده از
اوّل سنکی که بر روی زمین نهاده شد و از اول چشمه که از
زمین جوشید و اوّل درختی که از زمین روئید فرمود ای
یهودی اما اوّل ان سنکی که بر روی زمین نهاده شد شما
میکوئید که ان سنکی است که در بیت المقدس است و دروغ
کفته اید بلکه ان سنکی است که ادم انرا از بهشت با خود فرود
اورد و ان حجر الأسود است و در کعبه نصب نمود یهودی کفت
راست کفتی و بخدا قسم که انچه کفتی بخط هرون و املاء حضرت
موسی است و فرمود شما میکوئید اوّل چشمه که بر روی زمین
جوشید و جاری شد چشمهٔ بیت المقدس است و دروغ
کفته اید ان چشمه زندکانیست که یوشع بن نون ماهی
شور را در ان چشمه شست و خضر از ان اشامید و احدی
از ان نیاشامد مکر انکه بمیرد عرض کرد راست فرمودی و

بخدا قسم که چنین یافتم بخط هرون و املاء موسی مؤلف
کوید این قصه چنان بود که اسکندر ذو القرنین بطلب اب
حیوة با سپاه عظیم روانه شد تا اینکه بعد از زحمت بسیار چون
خضر نبی بر مقدمه لشکر او بود و باب رسیده از اب بخورد
و اسکندر محروم ماند و شما میکوئید اوّل درختی که از زمین
روئیده درخت زیتون بود و دروغ کفته اید بلکه اندرخت
خرمای عجوه است که ادم از بهشت با خود اورد یهودی کفت
راست کفتی بخدا قسم بخط هرون و املاء موسی حاضر است
مؤلف کوید عجوه نخل خرمائیست بسیار خوب کویند
در مدینه طیبه و نواحی ان از این درخت بسیار است و پیغمبر
مکرم میفرماید هر کس هفت عدد خرمای عجوه هر روزه
تناول نماید از کزندکان و اسیب زهرهای انها در امان
خواهد بود و جمعی از افاضل در کتب خود نوشته اند که مکرر
بتجربه رسیده است خوردن هر صباح از این خرمای عجوه
وفی القاموس العجوة بالحجاز التمر المحشی و تمر بالمدینة و
و در تفسیر الست بربکم و محمد نبیکم الخ امده اوّل میثاق
ربوبیت را از انبیاء عموما کرفت و اینستکه میفرماید
و اذ اخذنا من النبیین میثاقهم یعنی یاد اور ای محمد
زمانی را که فرا کرفتیم از انبیاء میثاق ایشانرا و ذکر کرد
همه انبیا را عموما بعد از ان افضل سلسله انبیا را بیان

فرمود و نام بردکم ومنک محمد یعنی بر از انبیاء اخذ
میثاق از تو کردیم برای محمد خصوصا و رسول بر سائر انبیاء
مقدم داشت اول پادشاهان عدالت گستر نوشیروان
فرخنده سیر بود و در حقش کافی است که پیغمبر صلی الله
علیه واله فرمود ولدت فی زمن ملك العادل نوشیروان
فی خلاصة التواریخ اول کسیکه نامه بسید الشهداء ع
نوشت عمرو بن الحجاج بود اول کسیکه در کربلا شمشیر
بر بدن مقدس حضرت ابی عبدالله الحسین ع زد و بدن
مطهر ان سرور را مجروح نمود همین لعین ولد الزنا بود
در کتاب حدائد السیوف و شدائد الحتوف از سید رضا
حیدری یزدی اول کسیکه بعد از شهادت سید الشهداء
احرام زیارت ان بزرگوار رابست و باین نعمت عظمی فائز
گردید جابر بن عبدالله انصاری بود در ریاض الشهاده
اول کسیکه از اسرای اهل بیت وارد حرم رسول خدا شد
زینب خاتون بود عرض کرد یا جداه اگر بنی هاشم نبودند
من برهنه می شدم تا به بینی چگونه بدنم سیاه و مجروح
وقصی اول کسی بود از اولاد کنانه که پادشاه مکه گشت
در مقامع اقا محمد علی بهبهانی اول من امن علی بن ابیطالب
علیه السلام و این کلمه در اعداد مطابق است با علی بن
ابیطالب اول کسیکه وضع کرد شطرنج را صصه بن

داهر الهندی بود در تاریخ ابن خلکان و برخی گویند واضع
شطرنج ناموغ بن حام بن یافث بن نوح علیه السلام بوده است
اول کسیکه وضع کرد نرد را در دوازده خانه اردشیر بن بابکی
پادشاه فرس بود و از این جهة او را نردشیر خوانند در تاریخ
ابن خلکان اول کسیکه شراب را بتصدق بفقراء داد ابن
درید لغوی مشهور بود ابو منصور ازهری لغوی گفت
سائلی از وی چیزی خواست ظرفی از شراب باو بداد یکی
از غلامانش گفت شراب را بتصدق میدهی در حضور وی
در جواب غلام این ایه را خواند لَن تَنالُوا البِرَّ حَتّی تُنفِقُوا
مِمّا تُحِبُّونَ وفی الحدیث پیغمبر اکرم فرمود یا علی خدای
تعالی بمن عطا کرد هفت چیز را که تو با من می باشی بی
فرماید یا علی اول کسی هستی که از قبر برخیزی با من و اول
کسی هستی که بر صراط بایستی با من و اول کسی هستی که
پوشانیده شوی از لباس بهشت با من و اول کسی هستی
که در علیین ساکن شوی با من و اول کسی هستی که از
رحیق مختوم بیاشامی با من اول کسیکه بنای شهر نهاد
کیومرث بود و اول پادشاهیکه در میان فرزندان
خویش خطبه انعقاد کرد او بود در تاریخ معجم فضل الله
اول کسیکه از وادی نجد اسب نجدی و مادیان عربی فرستاد
اورد ندو در بیابان قراء دشتستان در ایل خود رها

کرد شیخ ناصر بوشهری حاکم بوشهر و مضافات و بحرین
و بنادر بود و آنچه اسب عربی معروف فارس میباشد
در شیراز و غیره از همان تخمه است در روضة الصفای ناصری
هدایت ره اول کسیکه بجهة منصب قاضی القضاتی
ادای وجه قرار داد ابو العباس عبدالله بن حسن بن ابی
الشوارب بود در بغداد و بیست هزار درهم هر سالی بدیوان
بداد در ایام معز الدوله بن بویه در منتظم ناصری اول
کسیکه دروازه طعن بر مجتهدین گشاد و فرقه ناجیه
امامیه اثنا عشریه را بدو قسم منقسم گردانید یکی
اخباری و دیگری مجتهدی ملا محمد امین استرابادی
صاحب فوائد المدنیه بود در کتب رجال اول کسیکه
بزیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام آمد جابر
بن عبدالله انصاری با آل رسول و بنی هاشم آمدند
در یوم بیستم صفر سنه ۶۱ هجری بود چه خوب گفته شاعر

زائر اول جناب جابر است	جان فدای آنکه اول زائر است

اول کسیکه در مسجد سپه سالار که در طهران واقع و
بجامع سلطانی موسوم است بنماز جماعت ایستاد شیخ
جعفر الشتری بود در مآثر الآثار در حدیث است که
حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند چون خداوند
ولایت و امامت و محبت ما خانواده طاهره را بر اسماءها

عرض کرد اول آسمان هفتم قبول کرد و چون بزمینها عرض کرد
اول زمین کعبه قبول کرد و چون بکوهها عرض کرد اول کوه
عقیق اقرار کرد اول کسیکه از سلسله جلیله خواتون آباد
بمنصب رفیع امام جمعه نایل گردید السید العالم میر محمد
حسین بن میر محمد صالح الحسنی الحسینی الخاتون آبادی ابن
بنت المجلسی الثانی فی مآثر الآثار اول زنیکه از خانواده
علی علیه السلام بجهة استقبال امام زین العابدین ع و
ماتم زدهگان از دروازه مدینه بیرون رفت ام البنین
مادر حضرت عباس بود در تحفة الذاکرین اول کسیکه
از مدینه مشرفه رسول مهاجرت را قبول کرد و در ری و بشهر
فراهان آورد و در آنجا توطن فرمود و هم در آنجا سعادت شهادت
یافت و در هزار ایه مدفون گشت سلطان بن احمد بن حسن
بن افطس بن علی الأصغر بن الأمام علی بن الحسین علیهم السلام
بود در تاریخ شیخ جعفر شوشتری ره در خصائص الحسینیه
در بیان اول مخلوقات میفرماید اول مخلوقات نور
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله میباشد یا نوران بزرگوار
یا انوار سائر ائمه پس بهر تقدیر میگوئیم بدرستیکه اول
مخلوقات نور شریف حضرت حسین است بجهة اینکه
پیغمبر ص فرمود حسین منی و انا من حسین یعنی من از حسینم
و حسین از من است پس او اول مخلوقات است و اول آن

چیزاست که صادر شده از اوّل وهر مخلوق وشیخ الرّئیس
معاصر حائری گوید صادر اوّل نبودی حضرتش گو از ازل
مصدری ممکن نبود افلاک را از هیچ باب در خبر آمده پس
از آنکه حبیب بن مظاهر اسدی بجانب قبیله خود در
نواحی کربلا رفت وطلب یاری کرد بروایت خصائص الحسینیه
مردی از بنی اسد از جای خود برجست که او را عبدالله بن
بشر میگفتند وگفت منم اوّل کسی که اجابت نماید این دعوت
را پس از آن شروع برجز خواندن نمود ودر ثواب زیارت
زوّار مقبول میان اعتبات در خصائص امام صادق علیه السلام
فرمود اوّل کسیکه زیارت فرمود بعد از شهادت حسین را
ذات اقدس خداوند علی اعلا است واین کنایه است
از توجه خصوصیات الطاف کثیره الهیه بآنجناب بعد از آن
زیارت فرمود رسول خدا وعطا فرمود بوی کاسه آبی که
نگه داشته بود او را از برایش فی وسائل المحبّین فی ترجمة
خصائص الحسین للفاضل المعاصر حاجی میرزا حسین
التبریزی متع الله المسلمین بطول بقائه اوّل کسیکه حسین
را بعد از دفن در آن نشاء زیارت کرد از انبیاء پیغمبر خدا خاتم
انبیاء واز اوصیاء علی واز ملائکه جبرئیل وبعد میکائیل
بعد اسرافیل ودر خصائص الحسینیه آمده واما اهل این
نشاء اوّل کسیکه زیارت نمود آن سرور را بعد از دفن او

سید سجاد بود وقتی که دفن نمود آن جسم مطهر را بعد از
سه روز که بر روی خاک افتاده بود وایضا در ثواب زیارت
در خصائص کان اوّل من یصافحه رسول الله وامیر المؤمنین
علیهما السلام واوّل قطرة من دمعه یغفر له بها کل خطیئة
اوّل من انتقل من الکوفه الی القم من السادات الرضویه
کان ابو جعفر موسی بن محمد بن علی الرضا علیهم السلام فی سنة
ست وخمسین ومأتین یعنی اوّل کسیکه از کوفه ببلد قم
از سادات رضویه منتقل شد ابو جعفر موسی پسر محمد بن
علی الرضا بود در سال دویست وپنجاه وشش در مجلد
ثانی عشر بحار الانوار قال رسول الله صلی الله علیه واله
انّ اوّل من اشفع له من امتی اهل بیتی الأقرب فالأقرب
یعنی سید رسل فرمود که بتحقیق من اوّل شفاعت میکنم از
امت خود قرب اهل بیت خود را اقرب پس تا آخر حدیث در
کتاب ابن حجر المکی قال النبی لعلی انّ اوّل اربعة یدخلون الجنة
انا وانت والحسن والحسین وذرارینا خلف ظهورنا وازواجنا خلف
ذرارینا وشیعتنا عن ایماننا وشمائلنا یعنی فرمود آن
حضرت ای علی اوّل چهار کانه که داخل بهشت شوند من
وتو وحسن وحسین میباشیم اما ذریه در عقب سر ما وزنان
مؤمنات ما در پشت سر آنها وشیعیان ما در جانب چپ
وراست ما باشند اوّل کسیکه اختراع کرد دوربین را

که در فرنگستان از چوب و شیشه سازند و از کوهر شاهوار
کران تر بمصرف رسانند حکیم عالیشان مستر کوپرنکوس
بود کذا فی تحفة العالم اول کسیکه مقام بر سر قبر حضرت
سید الشهداء بساخت اشجع سواران جهان محمد بن ابراهیم
بن مالك اشتر نخعی بود در مونس الاحیار فی احوال المختار
بلسان الهندی للسید الجلیل محمد تقی الموسوی الهندی اول
کسیکه سکه زد بدرهم و دینار غر و بن کنعان بود فی عیون
اخبار الرضا اول ضرب و سکه که سلاطین مسلمانان از
اسلامبول زدند در سنه صد و هفتاد هجری بود بوزن و
عیاریکه خلفای بنی امیه در دمشق معمول داشته بودند
در منتظم ناصری اول کسیکه او را صوفی خواندند فریدون
بود اول کسیکه امر کرد بعمامه سبز که علامت سیادت
باشد ملك اشرف شعبان بن پادشاه مصر بود بدانکه در
کتب اهل سنت و جماعت مسطور است ان هذه العمامة الخضرا
لیس لها فی الشرع والسنة ولا کانت فی الزمن القدیم وانما
حدثت سنة ثلاث وسبعین وسبعمائة بامر الملك الاشرف
شعبان بن حسین مؤلف کوید اکنون که پانصد و سی و
دو سال است که معمول افتاده و این سیره ممدوح و شایع
کشته وضع آن مقدوح است و صاحب شرح الفیه مشهور
براعمی و بصیر که اندلسی مولد است در شان عمامه سادات

انشاد کرده جعلوا لابناء الرسول علامة ان العلامة شان
من لم یشهر نور النبوة فی وسیم وجوههم یعنی التشریف عن الطراز
الاخضر و بعضی از افاضل نوشته اند پوشانید مامون
عباسی امام رضا علیه السلام را و امر کرد بان لباس سبز
بنی هاشم که بپوشند اول کسیکه اتشکده ساخت و اتش
پرستید قابیل بن ادم بود در تاریخ ابن اثیر و نیز در ان
تاریخ اورده در احوال بولس بن لامك که کان اول من سکن
القباب و در احوال توبلسین بن لامك کوید کان اول من
ضرب بالونج والصنج و در احوال توبلقین بن لامك کوید
کان اول من عمل النحاس والحدید مؤلف کوید بولس
و توبلسین و توبلقین هر سه تن برادران نوح نجی الله بودند
و ابن اثیر کوید ان اول من اتخذ الملاهی من ولد قابیل
رجل یقال له ثوبال بن قابیل اتخذها فی زمان مهلائیل
بن قینان اتخذ المزامیر والطنابیر والطبول والعیدان و
المعارف فانهمك ولد قابیل فی اللهو و در احوال مهلائیل
بن قینان کوید اول من بنی البناء واستخرج المعادن
وایضا فیه انه امر اهل زمانه باتخاذ المساجد اول عربی
قسم للذکر مثل حظ الانثیین عامر بن خشیم فی درر المعارف
اول من سبب السوائب عمرو بن یحیی اول من سن الدیة
ماة الابل عبد المطلب اول مایلقی بر الارض من وجهه

الذقن وقیل اوّل مایلقی الارض هو الجبهة والأنف لا
الذقن اوّل من سماها جمعة الأنصار وذالك قبل قدوم
النبی صلی الله علیه وآله الی المدینه وقیل نزول سورة
الجمعة الخ فی مشکلات العلوم النراقی قیل اوّل من سماه
جمعه کعب ابن لوی لاجتماع النّاس فیه الیه وهذا الرّجل
اوّل من قال کلمة امّا بعد اجمع الاطبّاء علی انّ القلب اوّل
عضو یکون وآخر عضو یکن وهو انّه اوّل عضو یحیی اوّل
من اخترع القول بحرمة اقامة الجمعه فی زمان الغیبة
الشّیخ حمزه سلّار الدّیلمی تلمیذ سیّد المرتضی والمفید فی
روضات الجنّات وقال صاحب روضات الجنّات مدّ
ظلّه فی ذکر شیخ الورع الأمام خلیل بن احمد النّحوی و
ابوه احمد کان اوّل من سمّی بهذا الأسم بعد رسول الله صلی الله
علیه وآله اوّل استرخاء اعضاء دماغ است اوّل کسیکه
مشرف ومستوفی قرار داد لهراسب شاه کیانی بود کذا فی
حبیب السّیر اوّل پادشاهیکه بکسری لقب یافت نوشیروان
بن قباد بود کذا فی حبیب السّیر اوّل کسیکه زن پدر خود را
بزنا گرفت شیرویه بود عبد الله بن بسر مازنی اوّل شخصی است
که رو بقبلتین نماز کرده واخر صحابی است که در شام در گذشت
در منتظم ناصری اوّل پادشاه مسلمانان اسپانیا که خود
را خلیفه وامیر المؤمنین والناصر لدین الله لقب داد عبد الرّحمن

سیم پادشاه اسلامبول بود بهم چنین خلفاء علوی افریقیه
بود در منتظم اوّل پادشاهی که در ایالات شمالی فرنگ
سکّه زد امپراطور کانوت اعظم پادشاه انکلیس ودینمارک
ونروژ بود وقبل از او طوایف دانمارک وسود ونروژ
معاملات خود را با شمش طلا ونقره میمودند فی منتظم
اوّل کسیکه امر کرد در بغداد در اذان حیّ علی خیر العمل
بگویند المستنصر علوی بود اوّل علامات خروج قائم
الائمّة طلوع ستاره داود است که در اسمان دوام کند
وعالم هرج ومرج شود ومردم مختلف کردند در غایة
المرام ابن بابویه نقل کند که رسول خدا فرمود بر علیّ
بن ابیطالب علیه السّلام یا علی تو اوّل کسی هستی که بمن
ایمان اوردی ومرا تصدیق کردی وتو اوّل کسی هستی
که مرا در امر نبوّت من اعانت نمودی وبا دشمن من جنگ
کردی وتو اوّل کسی هستی که با من نماز گذاردی وخدای
عزّ وجلّ بعزّت وجلال خود سوگند یاد کرده است که
از عقب صراط نگذرد مگر انکه برات ولایت تو وولایة
أئمة از اولاد تو با او باشد وتو اوّل کسی هستی که بر حوض
من وارد شوی ودوستان خود را از ان حوض سیراب
کردانی ودشمنان خود را از ان برانی وتو رفیق منی در
وقتیکه بر بالای مقام محمود باز ایستم تا از تو طلب شفاعت

کنند و تو شفاعت ایشان کنی و تو اوّل کسی هستیکه داخل
بهشت شوی و لوای من که لوای حمد باشد بدست تو
خواهد بود و آن لواء هفتاد و پنج شقّه است و هر شقّه
از آن بزرگتر از آفتاب و ماه و تو را صاحب درخت طوبی
در بهشت اصل درخانهٔ تو است و شاخهای آن درخانه
شیعیان تو است در غایة المرام رسول خدا صلی الله
علیه و آله فرمود فاطمه سیّدهٔ زنان عالم است از اوّل
دنیا تا آخر دنیا و فاطمه اوّل کسی است که بمن ملحق خواهد
شد از اهل بیت من در حدیث است که پیغمبر روزی
جامه از خز پوشیده بود اصحاب عرض کردند یا رسول الله
این جامه را که بشما داد فرمود وصیّ و صاحب سخا و
وارث علم من و برادر من و اوّل مؤمنان در اسلام اوّل
ندائیکه امام عصر عجّل الله فرجه میکند اینست الا لعنة
الله علی القوم الظّالمین چنانچه پیغمبر صلعم خبر داده با صحابه
که فرمودند نواب او او ازده در ماه رجب اوّل ندا
کند الا لعنة الله علی القوم الظّالمین اوّل کوهیکه اقرار
کرد بر امامت علی علیه السّلام کوه عقیق بود مرویستکه
حضرت رسول صلی الله علیه و آله به علی علیه السّلام فرمود
یا علی تو اوّل کسی هستی که از قبر برخیزی با من و اوّل کسی
هستی که پوشانده شوی از لباس بهشت با من و قتیکه من

پوشانده می شوم و اوّل کسی هستیکه در علیّین ساکن
بشوی با من و اوّل کسی هستی که از رحیق مختوم بیاشامی با من
اوّل کسی که خیاطت کرد جمشید بود مؤلف گوید چه بسیار
ارباب اخبار اختلاف کرده اند و برخی بر آنند که یونس
نبی خیاطت مینمود و از این صفت از آن جناب است و
الله اعلم اوّل کسیکه علم فراست را ظاهر نمود اقلیمون الحکیم
بود قالوا اهل السیر اقلیم الحکیم معروفا بالفراسة و کان
یستدلّ علی اوصاف النّفس و ملکاتها بالصّورة و تناسب
الخلقة فارادوا اختیاره فی ذلک فعمل تلامذة بقراط الحکیم
وصوّر و اصورته علی لوح من عدیم و اتوه بها و قالوا تامّل
فی هذه الصّورة و احکم بما عندک من اوصاف صاحبها
فلمّا تامّل فی دقائقها و تناسب اجزاءها قال صاحب
هذا الصّوره صاحب خدعة و مکر و فسق و هو یحبّ
الزّناء فلمّا سمعوا ذلک ارادوا قتله و قالوا ایّها الجاهل
انّه اعلم اهل الأرض و اعدلهم و اتقیهم و خیّرهم فی جمیع
الأمور فقال انّما سئلتم عن علمی و اخبرتکم به فرجعوا
الی بقراط و اخبروه بما قال فقال صدق الحکیم فی
جمیع ما قال و لکنّی لمّا رایت قبح هذه الأمور ترکتها و
حفظت نفسی عن مباشرتها صلوة الطّراویح الّتی هی من
بدع عمر کما اعترف به و لم ینکروها علیه جمع تر و یحه و

هي المرّة الواحدة من الراحة كتسليمه من السّلام وسمّيت
لذالك لانّهم اوّل ما اجتمعوا عليها كا نوا يسترِيحون بين
تسليمتين فى كتاب الكشكول من تصنيفات العالم المعاصر
الحاج سيد على الميبدى سلّمه الله قيل انّ اوّل من وضع
الكتاب العربى والسريانى والكتب كلّها آدم على نبيّنا و
آله وعليه السّلام قبل موته بثلاثة مائة سنة كتبها فى
الطين ثمّ طبخه فلمّا اصاب الارض الغرق كلّ قوم كتابهم
فكتبوه فكان لاسمعيل بن ابراهيم عليهما السّلام فى كشكول
السيد المذكور قيل اوّل من وضع الخاتم فى يد اليسرى
جمشيد فقيل له لم تركت اليمنى مع اولى بالزينة فقال قد
تمّت زينتها باليمين وقال اخوفى ذالك لم يزل اهل الفضل
يحرموا ولذالك كانت اليمنى بخسارة الشيعة فى كشكول
السيد المذكور احمد بن محمّد الهروى اوّل من صنّف فى
غريب الحديث وعرضه على عبد الله بن طاهر فاستقسمه
فى وفيات الأعيان اوّل من تكلّم على مذهب الأماميّه
وصنف كتابا فيه الأمام علىّ بن اسماعيل بن شعيب بن
يتيم بن يحيى ابو الحسن الميثمى الخ اوّل ظهار كان فى الأسلام
ظهار اويس بن صامت من المجادله اوّل لعان كان فى
الأسلام لعان هلال بن امية مع زوجته قال رسول الله
صلّى الله عليه وآله يا انس اوّل من يدخل عليك من هذا

الباب امير المؤمنين وسيّد المسلمين وقائد غرّ المحجّلين
وخاتم الوصيّين قال انس مكث فى نفسه اللّهمّ اجعل
رجلا من الأنصار اذا جاء على عليه السّلام فقال من هذا
يا انس فقلت على عليه السّلام فقام مسرورا مستبشرا
فاعتنقه ويمسح عرق وجهه بوجهه الخ فى مطالب السّؤل
قال رسول الله انا سيّد النّبيين وعلىّ سيد الوصيّين
وانّ اوصيائى بعدى اثنا عشر اوّلهم على عليه السّلام واخرهم
قائمهم فى مودّة القربى شافعى قال اوّل من خاصم من هذه
الامّة بين يدى الرّبّ تعالى على عليه السّلام ومعويه
يعنى اوّل كسيكه خصومت از اين امّت در قيامت نزد خدا
تعالى نمايد على عليه السّلام با معاويه ميباشد در فردوس
الاخبار پيغمبر فرمود كه امر امّت بر ميان رفتارى قائم است
تا قيام مردى كه او اوّل آنكس باشد كه رخنه وخلل در
دين من بيندازد واز بنى اميه نامش يزيد ميگويند در
فردوس الاخبار اوّل كسيكه سبقت گرفت بر تاختن اسب
بر بدن امام حسين عليه السّلام حصين بن نمير ملعون
بود در مصائب النّواصب شيخ عطار سنى متعصب در
مدح خليفه اوّل گويد   خواجه اوّل كه اوّل يار اوست
ثانى اثنين اذهما فى الغار اوست   علّامه مجلسى رحمه الله
ميفرمايد كه حق تعالى خلق كرد حوّا را از زيادتى طينت

آدم بر صورت او و خواب را بر او مستولی کردانیده بود
پس او را در خواب با او بماند و این خواب اول خوابی بود
که در زمین دیدند پس بیدار شد و حوا را نزد سر خود دید
پس حق تع وحی کرد که ای آدم کیست اینکه نزد تو نشسته آ
کفت آنستکه در خواب بمن نمودی پس با او انس کرفت و
نیز در کتاب مذکور نقل شده که از سلمان فارسی ره
منقول است که چون حق تعالی خلق کرد آدم را اول چیزی
که از او خلق کرد دیده های او بود پس نظر میکرد بسوی بدنش
که چکونه مخلوق میشود و چون نزدیک شد که تمام شود
هنوز پاهایش تمام نشده بود خواست برخیزد نتوانست و
لهذا حق تع میفرماید اِنَّ الْاِنْسَانَ خُلِقَ عَجُولًا و نیز در
همان کتاب از حضرت صادق علیه السلام مرویستکه
اول کسیکه قیاس کرد شیطان بود قیاس کرد نفس خود
را با دم کفت مرا از آتش خلق کردی و آدم را از خاک خلق
کردی اکر قیاس میکرد که ان جوهر یرا که روح آدم را از ان
مخلوق شده با تش هر آینه نور و روشنیش بیشتر از آتش بود
قال رسول الله اول خلق الله یوم القیمة یکسی ابراهیم
یکسی ثوبین ابیضین فی ابن جوزی قال یا علی اما علمت
انه اول من یدعی به یوم القیمة انا فاقوم عن یمین العرش
و یساره و یلبسون حلة خضرآء من الجنة ثم یدعی بالنبیین

بعضهم علی اثر بعض فیقومون سماطین علی یمین العرش و یساره
و یلبسون حلة خضرآء من الجنة و ان امتی اول من یدعی یوم
القیمة للحساب ثم انت اول من یدعی بك لقرابتك منی و
منزلتك عندی و یدفع الیك لوائی و هو لوآء الحمد فی ابن
جوزی قال ابن عباس اول من شری نفسه ابتغاء مرضات الله
علی بن ابیطالب ع ابن جوزی در خطبه امیر المؤمنین میفرماید
اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَعْلَمُ اِنِّیْ اول من اناب و سمع و اجاب از عبد
الأول صوفی و او از علی بن محمد بن بشران و او از حسین بن
صفوان و او از ابوبکر قرشی معروف بابن ابی الدنیا بزائر
اول جناب جابر است جان فدای انکه اول زائر است
اول کسیکه از سادات رضویه بقم آمد ابو جعفر
موسی بن محمد بن علی بن موسی الرضا علیهما السلم بود در
سنهٔ دویست و پنجاه و شش از کوفه بقم آمد و بقم مقام کرفت
و پیوسته برقع بروی فرو میکذاشتی تا انکاه که عرب قم
بدو پیغام فرستادند که تو را از مجاورت و همسایکی ما
بیرون باید کرد پس ابو جعفر موسی بن محمد علیهما السلام
از قم بکاشان رفت در کتاب بدر مشعشع در احوال ذریهٔ
موسی مبرقع از مصنفات جناب عمدة العلمآء العاملین
قدوة الفقهاء الکاملین حافظ الشریعه و فخر الشیعه
ثالث مجلسین المبرء من کل شین مولانا الجلیل الحاج میرزا

حسین النوری الطبرسی نور الله قلبه صاحب حقائق الارض
کوید اول چیزی که در وقت نزول آدم تناول فرمود جوز هندی
است واشاره باین آیه الم تر کیف ضرب الله مثلاً کلمة طیبة
کشجرة طیبة اصلها ثابت وفرعها فی السماء تؤتی اکلها کل حین
باذن ربها وابن مردویه از عبد الله بن عباس روایت کند
که ابن عباس کفت در تفسیر تؤتی اکلها کل حین ان درخت
جوز هند است مؤلف کوید جوز همان نارجیل معروف
است وان درختی است شبیه بنخل خرما وبعد از هفتسال
از غرس ان که کذشت ثمر خواهد داد ودر جوف نارجیل آبی
شبیه شیر است وبسیار خوش طعم می باشد وکویند عمر
درخت نارجیل صد سال است در لغت جوشن در قاموس
کوید وذو الجوشن شرحبیل بن قرط الاعور الصحابی لانه
اول عربی لبسه وشرحبیل والد شمر لعین است اول من
کتب فی احکام القران هو قاسم بن اصبغ بن محمد القرطبی
اللغوی الانصاری الاندلسی اول من نقح علم الحکمة و
اسقط سخیفها وقرر طلب اثبات المدعی وطریق التوجیه
ارسطاطالیس تلمیذ افلاطون وکان قبله یاخذون الحکمة
تقلیدا ولذا یقال له المعلم الاول وهو اول من اسس
اساس المنطق ووضع علمه وخالف استاده وابطل التناسخ
وهو اول من وضع علم المجسطی وعرف حرکات الافلاک

وسیر الکواکب بالبراهین الهندسیة ووضع الاسطرلاب
والتقویم هو بطلیموس الحکیم قال شارح رسالة ابن زیدون
بطلیموس صاحب کتاب المجسطی الکبیر وجغرافیا والاسطرلاب
وکتاب اللحون الثمانیة وغیر ذالک وهو اول من شرح القول
علی هیئات الفلک واخرج علم الهندسة من القوة الی
الفعل واکثر الرواة یقولون انه ثالث ملوک الیونان
بعد الاسکندر وبطلیموس لقب ملوکهم وقال بعض محققی
التاریخ بل هو رجل حکیم کان فی زمن احد ملوک الروم
بعد الیونان فی کشکول السید العالم المعاصر علی بن محمد
علی الحسینی المیبذی الیزدی سلمه الله تع اول من وضع
علم الطلسمات هو بلیناس الحکیم اول من وضع الشطرنج
ناموغ بن حام بن یافث بن نوح علیه السلام اول من ابطل
الحد الشرعی هو الاول وقیل اول الخلفاء من بنی امیه
وهو معویه کما فی ربیع الابرار اول من اسلم من علماء الحکمة
والفلاسفة ابو نصر محمد بن احمد الفارابی الملقب بالمعلم
الثانی وهو اول من شرب الخمور واتبع الشهوات من الحکماء
قال علی بن ابی طلحه اول شیء اکله آدم ع حین هبط الی الارض
الکمثری فی سبحة المرجان اقول قال صاحب احسن الوسائل
اول ما اکل آدم ع من ثمار الارض حین اهبط النبق واقول
لا یخفی علی الطبع السلیم اذ لا منافاة بین الاثر بن لان التین

فی اولیته اکله من ثمار الارض بخلاف الأول والنبق
ثمر السدر اول کسیکه مدفون شد در خاك نجف خباب
بن الأرت بود از اصحاب رسول خدا علی علیه السلام در
غزوات رسول خدا مانند بدر واحد حاضر بود و در غزوهٔ
صفین ونهروان مورخین متفقند در رکاب امیر المؤمنین
حاضر بوده و چند سال در کوفه اقامت کرد و در انجا وفات
فرمود فی الخبر صلی علیه علی علیه السلام و وقف علی قبره
وقال رحم الله خبابا اسلم راغبا وهاجر طائعا وعاش
مجاهدا وابتلی فی جسمه احوالا ولا یضیع الله اجر من احسن
عملا وشیخ ابو علی صاحب منتهی المقال و دیگران از ارباب
رجال در کتب رجالیه مرقوم داشته اند اول کسیکه میثاق
گرفت از مردم برای دیگری اول بود که بجهة ثانی گرفت
اول کسیکه در عالم شعر گفت آدم صفی الله بود و سبب
ان بود که چون بفرمان رب الأرباب ان مظهر پاك بر
عالم خاك نزول فرمود ظلمت این زندان فانی بچشمش ناخوش
نمود گرد عالم سدا متحیر دید و ربنا ظلمنا گویان جویان
عفو کریم میبود و بعد از خلعت غفران بدیدار زوج و
بعد از ان بقدوم اولاد کرام تسلی شد در ان حال هابیل
مظلوم را قابیل میشوم بکشت و آدم را باز غربت و ندامت
تازه شد در ان حال بقتل هابیل و ندامت دنیا آدم

درمو شیر فرزند شعر گفت و شیخ ابو علی مسکویه معاصر شیخ
الرئیس بو علی سینا در کتاب اداب العرب والفرس این
قصیده را بدین منوال بیان میفرماید که قال الحسین بن
علی علیهما السلام کان ابی علیه السلام بالکوفة فی الجامع
اذ قام رجل من اهل الشام فقال یا امیر المؤمنین انی اسئلك
عن اول من قال الشعر فقال علیه السلام آدم علیه السلام
قال وما کان شعره قال علیه السلام لما نزل من السماء فی
الأرض فرای تربها وسعتها وهواها وقتل قابیل هابیل فقال
علیه السلام

تغیرت البلاد ومن علیها ‏ ‏ فوجه الارض مغبر قبیح
تغیر فی کل ذی لون وطعم ‏ ‏ وقل بشاشة وجه الملیح
فوا اسفا علی هابیل ابنی ‏ ‏ قتیل قد تضمنه الضریح
وجاورنا عدو لیس یغنی ‏ ‏ لعین لا یموت فنستریح

فاجابه ابلیس علیه اللعنة

تنوح علی البلاد وساکنیها ‏ ‏ وفی الفردوس ضاق بك الفسیح
وکنت بها وزوجك فی قرار ‏ ‏ وقلبك من اذی الدنیا مریح
فلم تنفك من کیدی ومکری ‏ ‏ الی ان فاتك الخیر الربیح
فلولا رحمة الجبار اضحی ‏ ‏ یکفیك من جنان الخلد ریح

اول فتنة فی بنی اسرائیل کانت
فی النساء وعن النبی انه قال اول قریش هلاکا اهل
بیتی اخرجه الطبرانی عن عمرو بن العاص اول من یکسی
حلة من النار ابلیس اول من یستظل فی ظل العرش

رجل انظر معسرا او لحا عنه اوّل چیزیکه از زن سؤال نمایند
درروز قیامت از نماز او است وبعد از شوهرش وقتیکه
مرض جدری که ابله باشد ظاهر گشت عذاب الهی بود
بر قوم فرعون از انزمان الی الحال باقی است ونیست تنی
که ابله بیرون نیاورد اگرچه بیر صد سال عمر باشد
اوّل زمانیکه اختراع ابله کوبی شد سنه احدی عشره
ومأتین بعد الالف اوّل سکّهٔ که در اسلام زده شد
در سال هفتاد وپنج هجری بود وقبل از ان بود دینار بخط
رومی نقش می شد وبر درهم بخط فارسی بوده اوّل وقتی
که ظاهر شد شرب تتن وتنباك واساس شطب وقلیان
در سال هزار ودوازده هجری بود ودر همان سال شاه
عباس صفوی اوّل در بلاد اذربایجان استیلا یافت
اوّل کسیکه علم باروت ساختن را ووضع قونبره در میان
نهاد یکی از علمای فلاسفه اسکندریهٔ مصر بود در سال
چهلم هجری ودر همان سال معویه بر سریر شاهی در شام
مستقر گشت شیخ ابو بکر شیرازی گوید اوّل کسیکه از حزب
احد بکر بخیت عثمان بود در کامل البهائی اوّل زمانی
که استعمال انفیه شیوع یافت در اسلامبول در سال
هزار وپنجاه هجری بود اوّل من اخترع الخط البدیع الذی
... ایضا بخط النسخ بعد ما کان المدار علی الخط الکوفی

هو الشیخ محمد بن علی بن مقلة الوزیر فی عصر المتوکل العباسی
وما بعده ثم اخذ فی تجویده وتنقیحه یاقوت المستعصمی الذی
هو من اقران العلقمی الوزیر رایت صحیفة السجادیه بخطه الشریف
عند جناب العالم الفاضل الکامل الأدیب الأریب المعاصر
الشیخ علی الخراسانی الحائری الموطن الملقب بشیخ الرئیس دام
فضله اوّل من انقل النسخ الی خط النسخ التعلیقی هو المیر
علی استاد المیر عماد الحسینی المشهور الذی کان فی عصر السلطان
شاه عباس الموسوی الثانی اوّل من خط المنکسر هو المولی شفیع
الاصفهانی اوّل من ابدع التصوف هو ابو هاشم الکوفی اوّل
من حلق راسه هو ابونا ادم الصفی علیه السلام اوّل حکیم
لازم باب الحکام هو ابو علی الرئیس وهو اوّل من کتب فی
تسخیر الجن علی ما هو الظاهر ابو الفضل محمد بن احمد الطبسی
صاحب کتاب الشامل وهو کتاب کبیر مبسوط رایت نسخة
منه فی سنة سابع وثلثمائة بعد الألف فی بیت احد الفضلاء
البصره وکان هذا الشیخ معاصرا للشیخ ابو حامد الغزالی اوّل
من کتب فی الملل والنحل المختلفة محمد الشهرستانی وکتابه
المذکور طبع فی بلدة مصر وایران وهو الان مشهور بین الخاص
والعام اوّل من خط بالعربی هرمز ابن مرة الانباری
واوّل من نقل الخط الکوفی من الحیرة الی الحجاز هو حرب بن
امیه اوّل ما یوضع فی المیزان الخلق الحسن عن ام الدرداء

مرفوعا اوّل ما یوضع فی میزان العبد نفقة علی اهله
اوّل ما یتکلّم من الآدمی فخذه وکتفه اوّل من یدخل الجنّة
التّاجر الصدوق عن ابی ذر مرفوعا اوّل طعام یاکلوه اهل
الجنّة زیادة کبد الحوت اوّل زمانیکه وضع کرده شد تاریخ
فرسیه در سنه ٣ هجری بود وابتداء تاریخ جلالی که معمول
علیه منجمان عصر است سنه ۴۷۱ بود وابتدای تاریخ ایلخانی
در سنه ۷۰۱ بود اوّل زمانیکه روزنامه نویسی مخترع گشت
که بنویسند وباطراف جهان روانه دارند واخبار عالم
رابیکدیگر رسانند در ممالک اروپا در سال احدی وخمسین
بعد الألف اوّل زمانیکه تلغراف مخترع شد وشیوع یافت
سنه ست ومأتین بعد الألف بود اوّل زمانیکه کاغذ
مخترع شد در مملکت ختا در سال صد بعد از ولادت
عیسی ع بن مریم در تاریخ انکلیسیه اوّل زمانیکه شراب
انکور ساخته شد در مملکت جرمانیا در زمان دولت
پادشاه رومه سیصد سال بعد از ولادت مسیح بن مریم
در تاریخ انکلیسیه اوّل زمانیکه کاغذ از پنبه ساخته
شد در سمرقند سنه ثمان وعشرین هجری بود اوّل زمانی
که کاغذ را از چوب ساختند جماعت اعراب بودند در
سنه تسع وثمانین من الهجرة در تاریخ جهان شاهی اوّل
زنیکه از لشکر امام حسین ع کشته شد زوجه وهب بن

عبدالله کلبی بود چون دید شوهرش مشغول جدال با شرار
است عمود بدست خود گرفت وبجای شوهر جوانش آمد ومیگفت
فداک ابی وامّی قاتل دون الطیّبین حرم رسول الله و
چون شوهرش با دست بریده کشته شد زن ببالینش آمد
وخون از روی او پاک میکرد شمر اشاره بغلام خود غلام
عمود آهنی برسر او بزد که سر آن زن شکافته شد وشهید
گشت وبعد از آن مادر وهب بمجادله قدم نهاد پس از
اینکه بروایت بحار سر فرزند را برداشت وبعد از آن
بسوی لشکر پسر سعد انداخت ویکنفر را بآن کشت پس
عمود خیمه برداشت بر آن گروه حمله کرد دو نفر را کشت
امام علیه السّلام فرمود ارجعی یا امّ وهب انت وابنک
مع رسول الله فانّ الجهاد مرفوع عن النّساء اوّل کسیکه
احمد نامیده شد خاتم رسل محمد مصطفی صلّی الله علیه و
اله بود درخت بادنجان اوّل درختی است که شهادت
بربوبیت رب ونبوّت نبی وامامت ائمه اظهار کرد در
سماء العالم اوّل کسیکه یوسف نامیده شد یوسف بن
یعقوب ع بود در خبر است که چون خداوند صورت
انبیاء را بر آدم ع نمود وی ایشانرا دید در آسمان ششم
یوسف را با تاج وجلال چنانچه در اخبار رسیده دید
عرض کرد خدایا این کیست ندا رسید که یکی از اولاد تو است

که مردمان براو حسد برند بجهة انچه باو عطا نمایم
عرض کرد آن چه باشد ندا رسید خطی از حسن ادم اورا
در بر گرفت فرمود لا تاسف یا بنیّ وانت یوسف فی زبدة
التصانیف مولانا حیدرا اوّل مولودیکه در اسلام
بدنیا امد عبد الله بن زبیر بود اوّل کسیکه مرثیه
گفت برای امام حسین علیه السّلام بحار بود اوّل
کتابیکه در شرح مزجی از امامیه نوشته شد شرح فصول
خواجه است نسخه از آن دیده شد اوّل اذانی که بلال
گفت بر کوه ابو قبیس بود در فتح مکّه اوّل خداوند از ملائکه
میثاق گرفت واوّل کسی که بلی گفت حجر الاسود بود از ائمه
طاهرین روایت شده که خداوند وقتیکه اخذ میثاق
کرد بربوبیت خود ونبوت محمد مصطفی صلی الله علیه واله
وبوصایت علی علیه السّلام تمام ملائکه صوامع جبروت
وباریافتگان عالم ملکوت بلرزه افتادند اوّل کسیکه
از ملائکه سرعت نمود باقرار باین میثاق حجر الأسود بود
واز این جهة خدا اورا اختیار کرد ومیثاق را بدهن او سپرد
وحجر الأسود بیاید در روز قیامت وبرای او باشد لسان
ناطق وعین ناظر وشهادت دهد برای هر کس که بان مکان
امد ومیثاق را حفظ نمود وحجر را از بهشت بیرون اورد
تا اینکه ادم متذکر شود انچه را که فراموش کرده از عهد

ومیثاق

ومیثاق او در وسائل وانوار النعمانیه سیّد جزائری اوّل
رایتیکه از کوفه برپا شد در خلافت امیر المؤمنین علیه السلام
رایة ربیع بن خیثم بود اوّل خطبه که پیغمبر برای مسلمین فرمود
در سال اوّل هجرت بود در منتظم ناصری اوّل جزیه عجم
در اسلام مصالحه اهل حیره با خالد به نه هزار درهم
در سنهٔ یازده هجری در منتظم اوّل سراپردهٔ که در منی
زده شد سراپرده عثمان بود که در سال ۲۹ حج کرد در منتظم
اوّل مقصوره که در مدینه ساخته شد مقصوره مروان
بن حکم بود در منتظم اوّل کلمهٔ که امیر المؤمنین علیه السلام
فرمود در نهج البلاغه فی بدء اوّل کلمهٔ که ذکریا گفت در
وقتیکه منشار بر سرش نهادند این بود الحمد لله الواحد
الاحد الصمد فی تاریخ وقتیکه ادم ع هبوط بزمین نمود
اوّل کلمهٔ بزبان سریانی گفت فارسیش اینست شکر توانائی
راکه از عالم نور بنده خلقی خود را بعالم خاک رسانید
در تاریخ وقیل انّ اوّل من تکلم بالعربیة ادم علیه السلام
فی الجنة فی حل المشکلات فی المسائل المهمّات اوّل
من لقب بالصّاحب من الوزراء اسماعیل بن عباد فی
تاریخ ابو الفداء اوّل من ینتصر ملوک الرّوم هو شاپور
ذی الاکتاف فی ابن اثیر اوّل من بنا لقبه علی الفاطمة
زینب سلام الله علیهما بنت امام الجواد ع اوّل من اتخذ

له النعش فاطمه علیها سلام الله اوّل من اتخذ الرایات الخلیل اوّل من
رمی فی سبیل الله سعد بن ابی وقاص اوّل من کاتب لقمان الحکیم
فی جعفریات اوّل شهید فی الاسلام مهجع فی جعفریات اوّل مولود فی الاسلام
عبدالله بن زبیر فی جعفریات اوّل من دفن فی البقیع اسعد
بن زراره فی جعفریات اوّل من ارتبط الفرس فی سبیل الله
المقداد فی جعفریات اوّل من سمّی محمد نبیّنا صلی الله علیه
واله فی جعفریات اوّل من سجد لله شکرا امیر المؤمنین
علیه السلام لیلة المبیت واخبره لسلامة نفسه الشّریف
فی جعفریات اوّل من تجلّی له الحق بهویّته الذّاتیّة السّاریه
فی المظاهر الکونیّة کلّها واوّل من خلع الله علیه صفاته
الثّبوتیّة الحقیقیه من اولاد ادم علیه السّلام بعد الفناء
فیه والبقاء به ابراهیم الخلیل علیه السّلام در ناسخ
امده فیثاغورس اوّل کسیستکه رد بر اقوال دهریّون
وطبیعون از امیر المؤمنین است که خداوند عرضه داشت
ولایت مرا بر طیور اوّل کسیکه از انها قبول کرد باز سفید
وقبره که نوعی است از عصافیر در نفائس الأخبار در
خبر در سماء والعالم مجلّد بحار روایت کرده قبره مرغی
است که هدیه برای حضرت سلیمان اورد هدیه اورا
قبول کرد ودست بر سر او کشید واز برای ایشان دعا
کرد واز اثر دست انجناب کاکل بر سر انها روئیده شد

مؤلف

مؤلّف گوید مناسب این خبر این اشعار دیده شد

جاءت سلیمان یوم العید قبّرة — اتت بفخذ جراد کان فی فیها
ترنّمت بفصیح القول واعتذرت — انّ الهدایا علی مقدار مهدیها

ونیز بفارسی انشا شده بجهة تحف بجانب بزرگان

لایق نبود قطره بعمّان بردن — خار وخس صحرا بگلستان بردن
امّا چکنم که رسم موران باشد — پای ملخی نزد سلیمان بردن

وایضا علی علیه السّلام فرمود که اوّل مرغیکه از انها انکار
نمود بوم وعنقا بودند امّا بوم از صفت او اینست که در روز
ظاهر نمیشود بجهة عداوت سائر طیور باو وامّا عنقا پس
او میان دریا پنهان می شود اوّل کسیکه در عقاید
حقّه امامیّه تصنیف نمود شیخ جلیل خواجه نصیر الملّة
والدّین محمد بن الحسن الطّوسی بود کتاب تجرید در معرفت
وتوحید نام نهاده یقول صاحب کافی الکفات فی مدح
علی علیه السّلام   هاله حالة هرون لموسی   فافهمها
اعلی حب علیّ   لامن القوم سفاها   اوّل النّاس صلوة
جعل النقو حلاها   ردّت الشّمس علیه بعد ما غاب سناها
در ذکر فاطمه بنت اسد ابن جوزی گوید قال اهل السّیر
اوّل هاشمیّة ولدت خلیفة هاشمیّه ولا یعرف خلیفة
ابوامها هاشمیّان سوی امیر المؤمنین علیه السّلام وهی اوّل
امراة هاجرت عن مکّة الی المدینة ماشیة حافیة وهی

اوّل امراة بایعت رسول الله صلّی الله علیه واله وسلّم بمکه
بعد خدیجه فی تذکره خواص الامة اوّل من اسلم من الصبیان
علی علیه السّلام فی ابن جوزی اوّل من قال فما عدا فیما بدا
هوامیر المؤمنین علی علیه السّلام قاله العالم الفاضل
النّبیه العلّامة النوری نوّر الله قلبه اوّل من سنّ القتل
والظلم هوقابیل بن ادم اوّل من ینتصر من ال نصر بن
ربیعه وهو بهرام بن هرمز بن سابور فی ابن اثیر اوّل
شجرة غرست فی الارض العوسجه ومنها عصاء موسی فی
حیوة القلوب اوّل من اخترع البدیع وسمّاه بهذا التسمیه
عبدالله بن المعتز العبّاسی قال فی صدر کتابه وما جمع
قبلی فنون البدیع احد ولا سبقنی الی تالیفه مؤلّف و
الفته فی سنة اربع وسبعین ومأتین فمن احبّ ان یقتدی
بنا ویقصر علی هذه فلیفعل ومن اضاف من هذه المحاسن
اوغیرها شیئا الی البدیع وارتای غیر رایبنا فله اختیاره
قال السّیّد علی خان فی انوار الربیعه کنت اظنّ انّ اوّل
من نظم انواع البدیع علی هذه الاسلوب البدیع فضمّن
کلّ بیت نوعا والقاد لشموس هذا المرام طوعا هو الشیخ
صفی الدین الحلّی ره اوّل من انتقل الی مکّة المشرّفه من شیراز
السّیّد محمّد معصوم بن علی بن نظام الدّین احمد بن محمّد
معصوم بن احمد نظام الدّین بن ابراهیم شرف الملّة بن محمّد

[illegible]

صدر الدّین بن اسحق عزّ الدّین بن علی ضیاء الدّین بن عربشاه
فخر الدّین بن امیر عزّ الدّین ابی المکارم بن امیر خطیر الدّین
بن الحسن شرف الدّین ابی علی بن الحسین ابی جعفر العزیزی
بن علی اباسعید الضّیبنی ابن زید الاعثم ابی ابراهیم بن علی
ابی شجاع الزّاهد بن محمّد ابی جعفر بن علی بن الحسین بن جعفر
ابی عبدالله بن احمد نصیر الدّین السکین النّقیب ابن جعفر
ابی عبدالله الشّاعر بن محمّد ابی جعفر بن محمّد بن زید الشّهید
بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب فی القاموس والهالکی
الحدّاد والصیقل لانّه اوّل عمل الحدادة الهالک بن اسد در
قاموس اوّل کسیکه کلمهٔ امّا بعد گفت داود نبی است یا کعب
بن لوی اوّل لوائی که در اسلام برپا شد لوائی بود سفید
که برای حمزه رسول خدا بست ومامور نمود براه قریش
در منتظم ناصری اوّل کسیکه خانه کعبه را جامه پوشانید
تبع یمن اسعد ابو حرب بود واو معاصر کورساسانی بود
در تاریخ نزهة القلوب حمدالله مستوفی از اول حرّ ریاحی اوّل
نفاق مسلمین در حفر خندق ونازل شدن ایهٔ اِذْ یَقُوْلُ
الْمُنَافِقُوْنَ الخ در سنه پنج هجری فی منتظم واوّل قضای نماز
عصر که با نماز عشای شب خوانده شد فی منتظم اوّل سالی
که منبر برای وعظ وخطبه ساخته شد در سال هفت هجری
بود در منتظم ناصری اوّل بشارتی که بعد از وفات حضرت

رسول صلعم بمسلمین رسید خبر قتل ذو الخمار سهلة بن کعب
بن عوف بود فی منتظم اوّل کسیکه امر فرمود هر دو تن بر
سر یك ظرف طعام بنشینند حضرت یوسف علی نبیّنا
و اله و علیه السّلام بود چه در تواریخ آمده یازده برادر او
چون بر سفره ضیافت نشستند و هر دو تن بر سر یکظرف طعام
بن یامین تنها بماند حضرت یوسف علیه السّلام که با بنیامین
از یك مادر بودند بر سر ظرف طعام در جنب او بنشست
اوّل کسیکه بال و پر ترتیب داد و بهوا طیران نمود ارسطا
طالیس حکیم بود و اکنون ارباب صنایع فرنك ساخته اند
اوّل ظهاریکه در اسلام واقع شد قصّه اوس بن صامت
است با زوجه اش خوله بنت خویلد یا بنت ثعلبه و این
قصه چنانستکه اوس خواست وقتی با او نزدیکی کند
زن قبول نمیکرد اوس در غضب شد گفت بزن خود انت
علیّ کظهر امّی تو بر من چون پشت مادر منی و این طلاق
جاهلیّت بوده پس نادم شد اوس بزن گفت گمان نمیکنم
که تو حلال باشی از برای من پس گفت برو از پیغمبر صلّی الله
علیه و اله سؤال کن زن بخدمت پیغمبر آمد و حکایت
خود را عرض کرد رسول خدا فرمود تو حرامی بر او زن
صیحه زد و ناله کشید و عرض کرد بار پروردگارا بفرست
بر زبان پیغمبر خود چیزیرا عایشه سر پیغمبر را شست و شوی

داد در ان حال وحی آمد و آیهٔ ظهار قَدْ سَمِعَ اللهُ قَوْلَ الَّتِی
تُجَادِلُكَ فِی زَوْجِهَا نازل شد رسول طلبید اوس را پس فرمود
می توانی ازاد کنی غلامی را عرض کرد قوّه ندارم فرمود دو
ماه پی در پی روزه بدار عرض کرد من پیر و ناتوانم اگر روزی
سه مرتبه طعام نخورم بینائی من تمام میشود فرمود میتوانی
شصت مسکین طعام بدهی عرض کرد نه حضرت فرمود
اعانت کنم ترا بپانزده صاع عرض کرد خدا و رسول میدانند
که افقر از من در میان مکّه و مدینه نیست فضحك رسول
الله و قال اذهب الی اهلك اوس خوش دل شد اوّل
زمانیکه چاپ مخترع گشت سنه اربع و خمسین و ثمانمائة
بود اوّل زمانیکه باسمه سنگی مخترع گشت سنه هزار و
دویست و ده هجری بود اوّل زمانیکه قند از چغندر
ساختند سنه اثنا عشر و مأتین بعد الألف بود و در
این سال سلطان عادل خاقان مغفور جلوس نموده
و آقا سیّد مهدی بحر العلوم طباطبائی وفات نموده و آقا
سیّد مرتضی واعظ جد مؤلف این رساله تولّد یافته
اوّل کسیکه بخندق کندن و نقاره زدن صبح و شام
اشارت کرد منوچهر بوده در حبیب السیر افسطوس کرد در
سلك حکّام فرنك انتظام داشت رایت استقلال بر
افراشت و افسطوس در حبیب السیر اوّل پادشاهیکه

اورا قیصر خواندند بتقریب آنکه وقتیکه متولد میشد
مادرش فوت شد شکم مادرش را شکافتند اورا بیرون
آوردند مثل این مولود را در فرنکستان قیصر گفتند وچون
بزرگ شد وبجهانبانی رسید بهمان نام قیصر میخواندند و
تمامی ممالک روم وشام ومصر بحیز تصرف وتسخیر او در آمد
در حبیب السیر والبربر جیل من الناس یقال اول من سماهم
بهذا الاسم افریقس الملك لما ملك بلاد وقد جاء فی الحدیث
الباء فی اهل بربر فی مجمع البحرین هذا ما ناجی به امیر المؤمنین
علیه السلام عند قبر النبی صلی الله علیه واله اللهم هذا
اول العدد وصاحب الابد ونورك الذی قهرت به
غواسق العدم وبواسق الظلم وجعلته منك ولك والیك
وعلیك دالا دلیلا روحه نسخة الاحدیة فی اللاهوت
وجسده صورة معانی الملك والملكوت وقلبه خزانة
الحی الذی لا یموت طاوس الكبریاء وحمام الجبروت تبیین
قال علی علیه السلام انه صلی الله علیه واله اول العدد
وهذا لانه كان صلی الله علیه واله اول ما خلق الله وما
كان قبله موجود سوی الباری تعالی وهو الاول بلا
اخر ولكنه لیس من قبیل الاعداد ولا یطلق علیه انه عدد
كما قال به اهل الحساب لانه تعالی واحد والواحد علی
الاصح لیس عددا فعلی هذا اول العدد هو النبی صلی الله

علیه واله اذ هو ثانی الموجودات واول الممكنات وثانی الواحد
عدد بلا خلاف وهیهنا زیاده الكلام لتوضیح المرام خداوند
منان عز شانه در كلام مجید در چند محل ذكر اول میفرماید
در سوره آل عمران میفرماید إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ
لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ ودر سورهٔ انعام
میفرماید قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ الخ ونیز
درهمین سوره میفرماید وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَىٰ كَمَا خَلَقْنَاكُمْ
أَوَّلَ مَرَّةٍ الخ ونیز درهمین سوره می فرماید وَنُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ
وَأَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ
ونیز درهمین سوره میفرماید لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ
لَهُ وَبِذَٰلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ودر سورهٔ اعراف
میفرماید فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ
الْمُؤْمِنِينَ ودر سورهٔ توبه می فرماید أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا
نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ
الخ ونیز درهمین سوره می فرماید إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ
أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ ونیز درهمین سوره میفرماید
لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ الخ
ودر سورهٔ كهف می فرماید لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ
أَوَّلَ مَرَّةٍ الخ ودر سورهٔ طه می فرماید قَالُوا يَا مُوسَىٰ
إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَىٰ ودر سورهٔ

انبیاء میفرماید یوم نطوی السماء کطی السجل للکتب
کما بدأنا اول خلق الخ ودر سورهٔ شعراء می فرماید انا
نطمع ان یغفر لنا خطایانا ان کنا اول المؤمنین ودر سورهٔ
یس می فرماید قل یحییها الذی انشاها اول مرة الخ ودر
سورهٔ زمر میفرماید قل انی امرت ان اعبد الله مخلصا
له الدین وامرت لان اکون اول المسلمین ودر سوره حم
سجده که فصلت باشد می فرماید وهو خلقکم اول مرة
والیه ترجعون ودر سورهٔ زخرف میفرماید قل ان کان
للرحمن ولد فانا اول العابدین مؤلف کوید دانایان
دانندکه در قران مجید لفظ اول بسیار است ولی بجهة
تیمن وتبرک بهمین چند آیه اکتفا نمودیم اول خطبه که رسول
خدا صلی الله علیه وآله خواند در قبا بود چون پیغمبر
ساز مدینه کرد در روز جمعه از قبا بیرون شد وبر شتر
خویش بنشست چون بقبیله بنی سالم ابن عوف رسید
هنکام نماز جمعه در آمد وایشان قبل از ورود پیغمبر
مسجدی از بهر خود بنا کرده بودند پس ان حضرت از ناقه
بزیر امد ودر انجا رفت وخطبه ادا فرمود بسم الله الرحمن
الرحیم الحمد لله الذی احمده واستعینه واستغفره واستهدیه
واومن به ولا اکفره واعادی من یکفره واشهد ان لا اله
الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله

وارسله

وارسله بالهدی والنور والموعظة علی فترة من الرسل
الخ وتمام این خطبه در کتب اخبار شیعه واهل سنت در قصه
هجرت مرقوم داشته اند واین خطبه در انعقاد جمعه مقرر افتاد
وان اول خطبه ونماز جمعه بود که دران اراضی بپای رفت
قال السید علی خان فی سلوة الغریب اول من انتقل من
اجدادنا الی شیراز المحروسه علیا ابا سعید النصیبینی قال
علی علیه السلام ما لابن ادم والفخر اوله نطفة واخره جیفة
فی نهج البلاغة ونیز امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید
الحمد لله الاول قبل کل اول والاخر بعد کل اخر باولیته
وجب ان لا اول له وباخریته وجب ان لا اخر له فی نهج
البلاغة اول شهری که بخوزستان بعد از طوفان نوح بنا شد
شوشتر است در فرهنگ انجمن آرای ناصری اول حکم
عمر عزل نمودن خالد بن ولید ونصب ابو عبیده جراح
بود در منتظم اول صلوة جمعه که در عراق بجای اورده
شد در ماه صفر سنه شانزده هجری بود در روز جمعه
صلوة فتح بود که سعد بن وقاص در ایوان کسری بجا اورد
اول شیاع علم کیمیا در میان اعراب در سال صد و
بیست ویک هجری بود اول شخص از خلفای علویین ابو
محمد عبد الله بن محمد العلوی بود فی منتظم ناصری تالیف
اعتماد السلطنه زید عزه اول کسیکه بوق ساخت نمرود

بود در مجالس المتقین شهید امده در قصه ابراهیم که
خواست از خدا عذابی بجهة نمرود وقومش خداوند پشه
فرستاد بروایتی ان قدر پشه امد که مردی را صد هزار
پشه کود امد از خوردن وخفتن ونشستن وایستادن
ماندند متحیرانه عاجز وهلاك می شدند حتی پشه ها
جمیع لباسها وگوشتهای ایشان وزین واسباب اسبان
بخوردی نمرود گفت خانه از مس بجهة او ساختند
که هیچ شکافی نبود در او مگر یك سوراخ بسیار تنك
همان قدر که نفس بیرون اید حق تعالی پشه فرستاد
تا از ان شکاف داخل شد اما از تنگی سوراخ یك پر
او هم شکست ودر بینی نمرود رفت تا مغز او رسید
بروایتی تا سیزده شبانه روز مغز سر او بخورد نمرود بی
طاقت شد امر کرد تا بوقها ساختند ومیزدند تا
او از بوق بودی ساعتی ارام بودی گویند اول بنای
بوق نمرود نهاد مؤلف گوید توجیه این بوق بر سه وجه
است یا بوق سلاطین است که اورا کورنا خوانند یا بوق
درویش وقلندران وقلاشان است یا بوق حمامی
است که بجهة اخبار مردمان زده می شود ایلو حکیم اول
من وضع الفوتوغرافیا رجل فرانساوی اسمه شارل ورجل
انکلیسی اسمه داقی دا اول فی در المکنون فی الصنایع والفنون

اول ما

اول ما عمل الشمع فی الهند واستحضر وضع منه فی بلاد البندقیة
ثم فی لبورتوغال ثم فی اسپانیا ومن هناك امتدت معرفة
عمله الی فرنسا فی کتاب در المکنون اول کسیکه در ممالك
ایتالیا لوای حکمت برافراشت ودر نشر علوم وثبت حکم
پرداخت وهنوز در ان ملك قانون دولتی وبنای سلطنتی
میبود در ناسخ التواریخ اول خون خوکای مانك بحکما اسلامیین
اول سلاطین چین است در ناسخ التواریخ از دختران حضرت
خاقان مغفور حاجیه شمس الدوله اول کسیکه از این
سلسله رجالا ونساء مجاورت عتبات اختیار نمود در تاریخ
خاقانی از تالیفات سلطان احمد میرزا عضد الدوله
اول وقتیکه استعمال باروت شیوع یافت در سنه
ششصد وهشتاد وشش بود اوائل ظهور دولت عثمانیه
اول زمانیکه توپ ساختند در سنه هفتصد وشصت
هجری بود در سلطنت امیر تیمور خاتمة الکتاب ابوذر گفت
ان رسول الله قال علی اول من امن بی واول من یصافحنی یوم
القیمة بدرستیکه رسول گفت علی است اول کسیکه ایمان اورد
بمن واول کسیکه در روز قیامت مصافحه کند با من در کامل
السقیفة البهائی در نکت الفصول عجلی امده که فاطمه را رسول
بشارت داده که اول کسیکه بمن رسد از اقربای من تو باشی و
فاطمه اول بنوهاشمی بود که متوفی شد در کامل البهائی موکو

در مدح امیر المؤمنین علی علیه السّلام میگوید نقدان کنج
علم بی پایان نیست دیگر بجز علی علا گو حکیم است وعالم اشیا
اوّل حق بود بلا اوّل آخر حق بود بلا آخر ودر جای دیگر گوید
اوّل آخر او بود در دین ظاهر و باطن او بود بجدا بنام اوّل
الائمة ختم شد بر ارباب فضل مخفی نماناد که در جمع این رساله
ترتیب ملحوظ نبوده الحمد لله وله المنّة که انچه مکنون خاطر بود
بیاری اجداد طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین در حیز تحریر
در اورده و بر صفحه ظهور جلوه گر خواهد بود شکرا لایمن فیض
حق تعالی ختم شد این نامه در قرب سه سال حالتی خواهیم
ما از روی حال لیک باید یکنظر از خیر ال تا شود مقبول
طبع خاص وعام للنبی منا تحیت والسّلام الحمد لملهم
السرائر کامد بمبارکی باخر بپیوست بخوشترین زمانی انجام
در عام هزار و سیصد و هشت اتمام الحمد لله اولا واخرا و
باطنا وظاهرا وصلی الله علی محمّد واهل بیته الطّاهرین
وقد تمّت هذه الرّسالة الشریفه فی اخبار الاوائل مع
تردّد البال وکثرة الاشتغال فی السّنة الثامنة من المائة الرابعة
بعد الالف من الهجرة النبویّة فی کربلاء المعلّی علی مشرّفها
الاف التحیة والثناء حامدا مصلّیا مستغفرا و
کتبه بیمناه الداثره الخاطئة العبد المسیئ جمال الدین
محمّد الطباطبائی الیزدی الحائری
عفی عنه

بسم الله الرّحمن الرّحیم

تقریظ جناب عمدة العلماء العاملین قدوة الفقهاء الکاملین
العالم البارع والبحر الواسع والمحقّق العلامة والمدقّق الفهّامه
المحدّث الفقیه المتتبع النّبیه حاوی الفروع والاصول جامع
المعقول والمنقول محقّق الحقائق مدقّق الدقائق مصباح
الهدی مفتاح الدجی سمی ثانی السّبطین مولانا الحاج میرزا
حسین النّوری الطبرسی نوّر الله قلبه ومتّع الله المسلمین بطول بقائه

بسم الله الرّحمن الرّحیم

لله درّ السّیّد السّند والحبر المعتمد جامع فنون الفضائل و
حاوی صنوف المعالی والفواضل وماحی مساوی الاخلاق
والرذائل النقّاد البصیر والمضطلع الخبیر علم السّادة ومعدن الفضل
والسّعادة الامجد المؤیّد جمال الدین السّیّد محمّد بلغه الله
تعالی ما یتمنّاه فقد احسن واجاد فی هذا التّالیف الشریف
واغرب وافاد فی هذا الجمع المنیف اللّطیف واودع فیه من
شوارد الآثار ما تشتهیه الانفس وتلذّ الابصار واجمع
فیه من نوادر الاخبار ما تروح به قلوب الاخیار فجزاه الله
عن السّلف الصّالحین والخلف الباقین خیر جزاء المحسنین
والحمد لله وصلوته علی خیر خلقه محمّد وآله الطّاهرین کتبه
بیمناه الدّاثرة العبد المذنب حسین بن محمّد تقی النّوری الطبرسی

تقریظ منظوم از جناب مستطاب خاتم الفضلاء و زبدة الأدباء قدوة الأزکیاء عین الفضل و بحر الأدب و کشاف معضلات من لغات العجم والعرب الفاضل الجلیل العالم النبیل الأدیب الأریب الشاعر الماهر المعاصر اقا شیخ علی الخراسانی الأصل الحائری الموطن الملقب بشیخ الرئیس ادام الله افضاله

بسم الله الرحمن الرحیم

قطعه در تقریظ کتاب مستطاب از شکسته خامه و طبع افسرده این محب حقیقی و مشفق صمیمی شیخ الرئیس علی الخراسانی عفی عنه وعن والدیه بر صفحهٔ این صحیفه اجرا یافته تا اینکه ازین حقیر هم نخودی در آش و تاری در قماش در این صفحهٔ ایام باقی مانده شاید ببرکت اجداد طاهرین مؤلف از برای این عبد عاصی در یوم الفزع الاکبر نجاة و خلاص حاصل اید

تعالی الله ازین تالیف کامل — که در روی جمع امد هر اوائل
تعالی الله ازین شیرین کتابی — که بنود در کتب ان را مماثل
چو عقل اول این اول کتابیست — که در جمع اوائل کشته حاصل
زهر اول درین فن امد اغاز — زهر شهر و دیار و هر قبائل
دران بنهاده مجری از معانی — بالفاظی خوش و لطف و شمائل
ببی دُر و گهر بنهفته در وی — که رخشان هر دُرش همچون مشاعل
کتابی همدم ارباب دانش — کتابی مونس اهل فضائل
بمهد اندران ائین تاریخ — بوجهی شامل و بر نحو کافل

ندیده دیدهٔ اهل بصیرت — چنین تالیف و با چندین مشاغل
ز نوک خامه استاد تحقیق — جمال عقل و دین صدر افاضل
جمال الدین محمد انکه امد — بدانش فخر اقران و اماثل
مهین نوباوه ختم رسالت — حسین و مرتضی را خوش سلائل
فروزان کوکب درج مناقب — درخشان گوهر درج خصائل
ازاو علم رجال امد مسدد — چنانچه در حدیث امد وسائل
محیط دانش او بیکرانه — بحار بینش او بی سواحل
کلامش کشته مفتاح تواریخ — بیانش جمله مصباح مشاکل
ز تصنیفات وی اند رجوانی — بدست اورده هر پیری رسائل
حروفش تحفة الاخوان سالک — رموزش درة البیضاء عاقل
رئیس از بهر تاریخش شب و روز — چو مهر و مه روان در هر مراحل
که تا که هاتف غیبش بگفتا — بگو شد نام اخبار الأوائل

تقریظ منظوم از جناب قدوة الفضلاء زبدة الاطباء الأدیب الأریب اللبیب مولانا السید مهدی الطبیب الحائری المشهور بالشهرستانی دام عمره

جزیت خیرا جمال الدین حین سمت — منك العلوم وکان العلم مهجورا
فقشعت ظلمات قد اظلّ بها — جهاله فاستنار الحق تنویرا
احیا الأوائل اعجاز ابما رقمت — منه الانامل منظوما ومنثورا

كيف التكير وتاليفاته نطقت
بفضله وبعي جاء مشكورا

فانظر الى كتبه تنظر الى صور
فيها النفوس اقامت للعلى شورا

ما معظل قط الا قد انار بها
برهانه واضال الشك تفسيرا

سل البلاغة هل تذكر لمنطقه
لدى البيان بديعا كان ماثورا

سقيا الاجدات اباء له سلفت
وعلمهم ظل فى الاجداث مسطورا

حتى اذا انهضت ابناءها ورثت
وقد بدا منهم ما كان مغمورا

تقريظ منظوم من جناب المستطاب زبدة الفضلاء العالم الفاضل الاوحد الكامل الموحد مولانا صارم الدين الميرزا محمد زيد عزه سبط العالم الربانى والفاضل الصمدانى مولانا محمد صادق الاردستانى اليزدى الحائرى طاب رمسه

عماد الواعظين محمد من	تنزه من صباه عن الرذائل
جمال الدين من عليا نزار	حليف المجد من خير القبائل
تجلى بالمكارم والماثر	تجلى بالمحاسن والفواضل
زكى لوذعى المعى	ربيب العلم محسود الاماثل

توارت عن ابيه الفضل قدما	وكان ابوه ينبوع الفضائل
شريف الاصل ممدوح السجايا	جليل القدر محمود الخصائل
له فى المكرمات شهود صدق	له فى فضله كم من دلائل
فمنها ما يزيد العين نورا	ويسلو منه قلب كل ثاكل
كتاب مستطاب ارخوه	يسر القلب اخبار الاوائل

تقريظ منظوم من جناب الفاضل الجليل والعالم النبيل الشيخ موسى الحائرى دام عمره العالى صاحب كتاب تحقيق الاحكام

بشراكم قد اتاكم خير تاليف   بخير طرز واسلوب وتوصيف

من بحر فضل جمال الدين من سمكا
سماء مجد وتفخيم وتشريف

كفاه تاليفه فضلا وفيه غنا
عن ذكر مدح وتبجيل وتوصيف

احيا بما فيه اخبار الاوائل فا
المرجو خير الجزاء عن كل عطريف

تقريظ منظوم از جناب مستطاب فاضل كامل شاعر ماهر اديب اريب اقا سيد هاشم واعظ خلف مرحوم جناب قدوة الفقهاء العظام محقق الحقائق مولانا الحاج سيد محمد باقر الطباطبائى اليزدى طاب ثراه صاحب كتاب وسيلة الوسائل فى شرح الوسائل

اگر خواهى كه از اخبار ايدل با خبر باشى   بخوان اين در زفرط شوق اخبار الاوائل

وگر خواهی ز اسرار لدنی آگهی یابی
که بنمائی توصیف خویش هر آگاه کاملی را
چه خوش باشد که باوی انس گیری تا دم مردن
که مونس گشته او پیوسته ارباب فضائل را
حکایت میکند از لوح محفوظ خداوندی
که موجود است و هستی داد عالم را جاهل را
گرش با نور بنویسند بر رخسار حور العین
روا باشد چه الفاظش منور میکند دل را
بود جمعی لطیف از بهر درج دانش و بینش
که وصف ذات او حیران نماید عقل عاقل را
سلیل احمد اطهر دلیل شرع پیغمبر
مثال جد خود حیدر نکو کرده خصائل را
جمال الدین والدنیا محمد زاده زهرا
که اندر عصر خود فخر است اقران و اماثل را
بود تاریخ تألیفش بعهد ناصر الدین شه
نه بیند در جهان چشمی چنین سلطان عادل را
شهنشاهی که با اقبال گردید از ازل توام
نزاید مادر گیتی چو او فرزند مقبل را
چه رفتی یکهزار و سیصد و هفت با یک از هجرت
بانجام آمد این تألیف و زایل کرد باطل را

بمدح این کتاب ای قطب عقلت شد چنین عاجز
که در عمرت نخواهی حل نمود اینگونه مشکل را

تقریظ منظوم از جناب مستطاب قدوة الفضلاء العابد الزاهد الشاعر الماهر المعاصر الجحولی الآقا شیخ جواد الذزفولی الحایری المتخلص بوامق سلمه الله تعالی بر کتاب اخبار الأوائل
و مونس ارباب الفضائل

تبارك الله از این اختتام طرفه کتاب
بزرع علم تو گوئی چو ابر بارد آب
سحاب فضل همانا بفصل نیسانی
نهفت در صدف فهم عرف در خوشاب
گرفت مریم دهر از نهیب روح قدس
هزار عیسی جان آفرین بمهد بخواب
برغم مدعیان نو عروس حجله فضل
فکنده از رخ معنی هزار گونه نقاب
به پرده چند سخن فاش گویمت بملا
که این کتاب در این علم گشته فتح الباب
در اوست مندرج اخبار هر اوائل دهر
یگانه گوهر پر قیمتیست بس نایاب
نخست نغز کتابیست از مؤلف آن
که متقن است و مسلم بصحه اصحاب

بیان وی همه نغز و کلام او همه مغز
مطالبش براهین عقل فصل خطاب
مورخین همه بر صحتش ز شاب و ز شیخ
محدثین همه در مدحتش ز شیخ و شاب
انیس بی بدلی از برای اهل کمال
جلیس بی مثلی در بر اولوا الالباب
از آنکه گشت مرقم ز نوک خامه بجل
جمال ملة والدین سلالة الاطیاب
سمی ختم رسل جامع لغات و علوم
حسین نژاد و حسن نسبت و تمام نساب
ربوده گوی سعادت ز همگنان در فضل
چنانچه مفتخر است در جهان بعم و زباب
همین بر است بفضلش که در هدایت خلق
گرفته مسلک پیران دین بعهد شباب
برتبه مجلسی عصر خویش در تالیف
گرفته از کل اخبار روزگار گلاب
بگاه سرعت تحریر نوک خامه او
رقم زند ز دو صد قصه در ذهاب و ایاب
بیان وصف چنین نوخجسته ممکن نیست
ز وصف او نتوان گشت عالمی سیراب

زبان

زبان ببند تو وامق ز مدح و منقبتش
گذار قصه مدحش سوی دعا بشتاب
الا هماره فلک تا که پر ستاره بود
همیشه تا که ببارد مطر بخلق سحاب
بجلوه روی محبش با نبساط سرور
بگریه چشم حسودش چه ریزش میزاب

مؤلف این رساله معروض می دارد که در این ایام جناب قدوة الفضلاء الکرام آقا شیخ جواد دزفولی الاصل که صاحب تقریظ منظوم است ساعت صحن نجف را که از موقوفات جناب جلالت مآب میرزا اسماعیل خان امین الملک دام عمره است آنچه در شبانه روز که بیست و چهار ساعت است از ربع و نیم و سه ربع تمام میزند در حساب اعداد با این مصرع آخر مطابق نموده است و مجموع زدن ساعت در شبانه (روز ششصد و سی و شش هست)

ساعت صحن نجف گوید باواز جلی
۶۳۶
کی وصی بعد محمد ای قوام دین علی

بخواهش شیخ مذکور التمهیر بوامق سلمه الله مرقوم افتاد

تمت

کتب و رسائل مؤلفات جناب سید خبیر و فاضل بصیر مؤلف این کتاب در این فهرست ۱ سراج الامة فی احوال

الانبیآء والائمّۃ علیهم من الله الاف التحیّۃ والرحمۃ نجات
المذنبین فی مصائب آل طه ویس لطائف الاقوال فی
معرفۃ الرّجال کشف الحجب الظلامیۃ فی اسماء الکتب الامامیّۃ
تاریخ ریاض الجنان لسان الغیب فی علم المعمّا غرائب
البلدان حدیقۃ الفضلآء وروضۃ الشعرآء اخبار الاوائل
ومونس ارباب الفضائل که همین کتاب است ریاض الملوك
فی السیر والسیر والسلوك مشتمل علی الجداول والبیوت
تذکرۃ المصنّفین من العلمآء وترجمۃ المؤلفین من الفضلآء
مفتاح التّواریخ فی ذکر حالات السّلاطین الصّفویّه
سوانح عمری ماه ومهر فی تاریخ بوشهر تحفۃ الاخوان
فی احوال سیّد العارفین آقاخان الحسینی المحلّاتی روضۃ
النّاصریّه مخزن الدّعوات المجرّبه نجوم الارض فی ذکر
محدّثین العصر الّذین اطاعۃ النّاس لهم فرض احسن
التّقویم فی الاختیارات بحر الحقائق وکشف الدّقائق
فی الاشعار کتاب الکشکول المسمّی بموائد السّالکین
وفوائد الحائرین ربیع القلوب فیما وقع لشهر الرّبیع
زبدۃ الاخبار فی تاریخ ائمّۃ الاطهار تذکرۃ المعمّرین
تحفۃ الانام فی شرح وقایع الایّام مرآۃ العالم فی
احوال بنی آدم مصباح المتقین فی اعمال السّنه مجمع
التّواریخ فی تاریخ الولادۃ والوفیات العلماء درۃ

البیضآء فی احوال فاطمۃ الزّهرآء بدایع الکلام فیمن فاز
بلقآء الامام رسالۃ فی احوال سیّد العلماء الحاج سیّد
حسین الیزدی طاب ثراه منهج الشیعه وتقویم الشریعه

تمّت بالخیر

حسب الفرمایش جناب زبدۃ الاطیاب ونخبۃ الانجاب
قدوۃ الابرار وزبدۃ الاخیار افتخار الادباء آقا
محمّد رضا زید عزّه نجل جناب اشرف
الحاج والعمّار والتّجّار الموفق بتوفیقات
الله الوفی والمؤیّد بتائید الله
العلی الحاج غلامعلی صاحب تاجر
بهبهانی حفظهما الله تعالی
من الحدثان اتمام
پزیرفت

کتبه اقل الاحقر المذنب الفقیر محمّد علی ابن مرحمت وغفران پناه آقا
محمّد کاظم لاری طاب ثراه بتاریخ
٢٣ شهر رمضان المبارك
در بندر بمبئی اتمام
پزیرفت
سنه ١٣١٢
٢٢٢



